

آغاز  
محمد خواجه‌پور

بازآرایی

با آمدن کریمی‌فرد به ساختمان مرموری فرمانداری تغییرات مدیران عالی شهرستان گراش تکمیل شد. نماینده مجلس، امام جمعه، فرماندار و شورای شهر به همراه شهردار مربع مدیران اصلی شهرستان هستند که در گراش سه ضلع آن در چند ماهه اخیر تغییر کرده است.

با این تغییرات فراوان هر کدام از مدیران تازه مدتی را صرف شناخت فضای عمومی و اجتماعی شهرستان خواهند کرد و در این میان نیروهای سیاسی و اجتماعی فعال فرصتی دارند که در شکل‌دهی دیدگاه این مدیران نقش داشته باشند. باید گفت در چند ماه آینده فضای عمومی شهر گراش بعد از تنش‌های زمان برگزاری انتخابات مجلس نهم و پیش از آن مجدداً در حال بازآرایی است. مهره‌ها برای انتخابات شورای اسلامی شهر و ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۹۲ چیده می‌شود تا در آن رقابت‌ها گروه‌ها مختلف وزن خود را در کفهی ترازوی مردم بسنجند. رقابت سیاسی بخش جدایی‌ناپذیر اجتماعات پویا و در حال حرکت است. شکاف‌های ایجاد شده در ماه‌های گذشته به تدریج باید از بین برود. محوریت یافتن امام جمعه در تصمیمات عمومی پیش‌نهادی بود که از سوی فرماندار جدید نیز مطرح شد. با تحقق این ایده امید است که چرخ‌های شهرستان گراش سریع‌تر و هماهنگ‌تر در مسیر پیشرفت بچرخد.

دومین فرماندار شهرستان معرفی شد  
کریمی‌فرد از بوشهر به فرمانداری گراش آمد

جلسه معرفی دومین فرماندار گراش روز ۱۱ مردادماه در سالن کنفرانس فرمانداری برگزار شد. دکتر کمال فیروزآبادی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار فارس و یحیی صادقی مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری فارس برای مراسم تودیع و معارفه به گراش سفر کردند. مهندس روز ۱۱ مردادماه در سالن کنفرانس فرمانداری برگزار شد. دکتر کمال فیروزآبادی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار فارس و یحیی صادقی مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری فارس برای مراسم تودیع و معارفه به گراش سفر کردند. مهندس روز ۱۱ مردادماه در سالن کنفرانس فرمانداری برگزار شد. دکتر کمال فیروزآبادی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار فارس و یحیی صادقی مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری فارس برای مراسم تودیع و معارفه به گراش سفر کردند.

از مکتب‌خانه‌ها تا مدارس قرآنی



زمانی فقط مکتب‌خانه‌ها بودند و تنها کتابشان قرآن بود و گاهی بوستان و گلستان. در گراش چیزی حدود بیست‌مکتب داشته‌ایم و از آخرین مکتب‌خانه‌ها، مکتب‌خانه ملا جعفر و مادر جعفر ابراهیمی بود و از نامدارترین محصلان مکتب‌خانه آیت‌اله سیدجواد معصومی، شهید سیدناصر سعادت و دکتر امیرحمزه مهربانی هستند. بعد که مدرسه‌های جدید آمدند قرآن به حاشیه رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی قرآن باید دوباره بر می‌گشت. نوبت به کلاس‌های قرآن در رمضان و تابستان رسید. آن کلاس‌ها تنها جایی بود که بچه‌های آن دوره برای اوقات فراغت می‌شناختند. کم‌کم کار جدی‌تر شد. نوبت به مدرسه‌های قرآنی رسیده است و دوره‌های فشرده حفظ، هر روز خیر تصویب بودجه‌های قرآنی ادارات در اخبار پخش می‌شود ولی هنوز جلسات خانگی و علاقه‌مندان آزاد مهمترین تربیت‌کنندگان نیروهای قرآنی هستند. جامعه اسلامی، این طوری است. یعنی به دست هر کس قرآن می‌دهید، باید بتواند آن را باز کند و صحیح و درست بخواند. باید روزبه‌روز رابطه‌مان را با قرآن بیشتر کنیم و عطر آن در فضای خانواده‌ها منتشر شود. رهبر معظم انقلاب هدف یک میلیون حافظ قرآن را تعیین کرده‌اند و ما باید ببینیم کجا ایستاده‌ایم. در پرونده این شماره وضعیت آموزش‌های قرآنی را با ورق زدن تجربه مجمع‌القرآن بررسی کرده‌ایم. همچنین به سراغ انگشت‌شمار حافظان کل قرآن در گراش رفته‌ایم. بررسی نقش نهادهای دولتی در این میان نیاز به فرصتی دیگر دارد.



تعارف جمعه ۲۰ مرداد - به استقبال نماز عید (عکس: مجید افشار)

۰۲ خبر کلنگ دانشگاه علوم قرآنی زده شد

۰۶ پیگیری خبر بودجه ارشاد گراش در لار است

۱۰ راه نیکان خیرین گراش: حاج علی اکبر بهادر

۰۷ یک زندگی این‌گونه فاطمه دختر ما شد

**بازرگانی نبض اقتصاد جنوب**  
Pulse of south Economy Co  
مشاور امور گمرکی، ثبت سفارش، ترخیص کالا به‌صورت فیکسی و حق‌العمل‌کاری  
تحویل کالا از چین و دبی ترخیص از طریق گمرک چابهار و بندرعباس  
تلفن: ۰۹۱۲ - ۱۷۷ ۵۱۳۳ / ۰۹۱۲ - ۱۴۰ ۶۱۷۱  
شماره ثبت: ۲۷۰۱۸  
www.poseco.ir  
خلیل رسول‌نژاد

**فاطمه بهمین‌پور**  
تخصص: به‌دیسپلین نمونه‌درستی و نیز کسب مقام اول قرآنی  
و علون ربه لولی در طول چند سال تحصیلی  
باعث افتخار مستند موفق بلندی  
اعلان و بنا

**افسانه ناکورپور**  
انتصاب به عنوان استادیار در دروس معماری کامپیوتر و طراحی الگوریتم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم را تبریک می‌گوییم. ذهن پویای همیشه جوان با آینه از آن توست.  
تسبیح و قرآنی

**جواب آقا کریمی‌فرد**  
جواب آقا کریمی‌فرد  
جواب آقا کریمی‌فرد  
جواب آقا کریمی‌فرد  
انتخاب جملگی شما را توسط حاملان وحی الهی تبریک و تهنیت می‌گوییم. بشارت باد شما را که کوتاهترین مسیر جاودانه ماندن را از طریق دستگیری و خدمت به مستمندان و تعلیم و تربیت قرآنی به پاکترین مخلوقات خداوند انتخاب کرده‌اید.

**جواب آقا کریمی‌فرد**  
انتخاب شایسته جنابعالی را به‌سمت فرماندار شهرستان گراش تبریک عرض نموده امید است در سایه توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) موفق و سربلند باشید.  
شهرداری و شورای اسلامی شهر گراش

**توجه**  
به اطلاع پزشکان و همکاران عزیزم رسانده شد  
پیشرفت‌ترین دست‌آورد استسک خردیاری  
شادترین سلیقه از خیرین گراش متعلق به ما است  
زودی در بیمارستان نصب و راه‌اندازی می‌شود  
بیمارستان امیرالمؤمنین علی (ع) گراش

نمایندگی فروش در ایران  
۰۹۱۷۱۷۲۳۰۰۷ - رستمی

**چای طالب**  
زارین

**TALIB TEA**  
ZARIN



**یادداشت**

مهدی وفايي فرد

## هدیه روز خبرنگار!

در آستانه روز خبرنگار، خبرنگار آزاد صدا و سیماي فارس در گراش، به داراب منتقل و دفتر خبری شهر نیز تعطیل شد. شهرستان نوپای گراش، دیگر تصویری در شبکه‌ی استانی نخواهد داشت. اهالی خبر و فرهنگ فقط به این امیدوارند که انتقالی نام‌آور لنو نشود و وی هم‌چنان در گراش به‌کار مشغول باشد.

هنوز هم خیلی‌ها، محمدرضا وفايي فرد را به عنوان خبرنگار صدا و سیماي استان می‌شناسند. خبرنگار سخت‌کوشی که سال‌ها با کم‌ترین امکانات، تصاویر گراش را روی آنتن شبکه‌ی استان فارس می‌فرستاد. سختی کار و بی‌مهری برخی مسئولین باعث شد وی خبرنگاری را کنار بگذارد.

پس از وفايي بالاخره در سال ۸۸ محمدحسین نام‌آور – کارمند اداره تبلیغات اسلامی گراش – به صدا و سیماي مرکز فارس معرفی شد و بعد از چندماه کار خود را به‌عنوان خبرنگار آزاد شهرستان گراش شروع کرد.

محمدحسن نام‌آور در اداره تبلیغات گراش مسئول امور مالی و دارالقرآن است و سابقه‌ی ۲۰ ساله دارد. نام‌آور از آغاز فعالیت خبری خود در سال ۸۸ تاکنون، بیش از ۵۰۰ خبر و گزارش تصویری را به واحد اطلاعات و اخبار صدا و سیماي مرکز فارس ارسال کرده است. بر اساس امتیاز بندی صدا و سیماي مرکز فارس در سال ۹۰، دفتر خبری گراش موفق شد مقام دوم را در ارائه تصویر با کیفیت و فیلم برداری در استان به خود اختصاص دهد.

اما خردنامه امسال بود که خبری مبنی بر انتقال نام‌آور از اداره تبلیغات گراش به دارب شنیده شد؛ خبری که پس از چندی خود نام‌آور نیز آن‌را تایید کرد. وی ابتدا سعی داشت ۴ روز را در داراب به سر برده و ۳روز را در گراش حضور داشته باشد تا بتواند به امور خبری گراش هم رسیدگی کند؛ امری که موفق نشد و وی مجبور شد تمام وقت در داراب حضور داشته باشد. او الان فرزندان خود را هم در مدارس داراب ثبت نام کرده است.

اما اینکه این سوال پیش می‌آید چه‌طور ممکن است یک شهرستان نوپا، به‌جای پذیرش نیرو، کارمند بومی خود را نیز از دست بدهد؟! جواب این‌جاست: ساده و عجیب: اداره‌ی تبلیغات اسلامی بخش گراش، بعد از دو‌سال هنوز به اداره‌ی تبلیغات اسلامی شهرستان گراش ارتقا نیافته است؛ یعنی هنوز این اداره با چارت تشکیلاتی «بخش» اداره می‌شود، نه «شهرستان».

اما ای‌نمی‌شود خبرنگار آزاد و صدا و سیما، شغل دیگری نداشته باشد؟! پس از انتقال نام‌آور، انتظار می‌رفت احمدرضا خودکامه که از اوایل کار دفتر خبری، نام‌آور را همراهی می‌کرد و به صدا و سیما نیز معرفی شده بود، این کار را ادامه دهد. اما خودکامه می‌گوید این کار را بدون نام‌آور انجام نخواهد داد. وی مهمترین دلایل خود را نبود وسیله نقلیه جهت دفتر خبری و تجهیزات کافی می‌داند.

اما جواب اصلی به این سوال این است که حقوقی که صدا و سیماي استان فارس به خبرنگاران آزاد خود می‌دهد، به میزانی نیست که شخصی بتواند از عهده‌ی مخارج زندگی خود برآید. به‌همین دلیل می‌بینیم که اکثر خبرنگاران آزاد استان را اقبال شاعال تشکیل می‌دهند.

از آنجایی که تلویزیون شناخته‌شده‌ترین عرصه معرفی شهرستان به استان و حتی کشور است، متأسفانه هرچه بیشتر از تعطیلی این دفتر بگذرد، بی‌شک نام شهرستان گراش نیز در استان و کشور کهرنگت خواهد شد.

امیدوارم با حضور فرماندار جدید، هم چارت سازمانی اداری تبلیغات

اسلامی گراش به شهرستان ارتقا پیدا کند و هم هرچه سریع‌تر شاهد

فعالیت مجدد دفتر خبری صدا و

سیما در شهرستان گراش باشیم.



محفل انس با قرآن ۴ مردادماه – مجید افشار



بازدید از تونل پاکستان – محمد جهانمیده



خطکشی خیابان [یونس حسن حسینی]



معارفه فرماندار گراش– [عکس: عبدالرضا افشار]



تقدیر از خبرنگاران در نمازجماه ۴ مرداد – [مجید افشار]

### خبر اول

گريشنا

**[مهندس کریمی فرد فرماندار جدید شهرستان گراش:**

## حمایت از سرمایه گذاران در راس برنامه‌های فرمانداری است

فرماندار جدید گراش در جلسه معرفی خود، حمایت از سرمایه‌گذاران بومی را از رئوس برنامه‌های فرمانداری دانست.

بعد از حکم وزیر کشور فرماندار جدید اولین سخنان خود را از روی برگه‌ی یادداشت خواند. مهندس کریمی فرد فرماندار جدید گراش در نخستین سخنان خود به اهمیت موضوع وحدت و همدلی اشاره کرد. وی گفت: همانگونه که در سطح ملی و انشالله بین‌المللی کانون و محور وحدت ولی فقیه زمان حضرت امام خامنه‌ای می‌باشند کانون و محور وحدت در سطح شهرستان نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه معزز خواهد بود. فرماندار گراش در مورد برنامه‌ی خود گفت: به حول و قوه الهی حمایت همه‌جانبه از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با اولویت سرمایه‌گذاران بومی شهرستان از رئوس برنامه‌های فرمانداری می‌باشد.

حجت‌الاسلام سید رضا حسینی امام جمعه این بار نیز با یاری ادبیات سخن گفت. حکایاتی از سعیدی و مثنوی بخشی از سخنان وی بود. امام جمعه اختلافات را سم مهلک جامعه دانست و مسئولین شهر را به رعایت حرمت یکدیگر توصیه کرد. امام جمعه گراش گفت: قدردانی از خدمات گذشتگان بر توفیقات انسان می‌افزاید.

### دو سال در گراش

مهندس مسعود خواست‌خدایی دو سنال پیش از ۲ مردادمه‌ا ۱۳۸۹ به گراش آمد و از ۲ شهریور کار خود را آغاز کرد. در مراسم تودیع فعالیت‌های یک سال اول فرمانداری خواست‌خدایی به صورت کلیپ بخش شد. راه‌اندازی سی اداره و

## بازگشت کاداگ بعد از سه سال خاموشی

چهارمین مجموع عمومی کانون دانش‌آموختگان دانشجویان گراش با سه سال تأخیر جمعه ۲۷ مردادماه برگزار خواهد شد.

مهدی عالمی یکی از بازرسین کاداگ گفت: در این نشست افراد به صورت لیستی یا انفرادی می‌توانند برای حضور در شورای مرکزی و گروه بازرسان کاداگ، کاندیدا شوند. در اساس نامه همه دانشجویان و فارغ التحصیلان گراشی در این کانون ضنوند و حق کاندیدا شدن و رای دادن دارند. مجمع عمومی جمعه ۲۷ مرداد ۹۱ ساعت ۹:۳۰ شب در سالن آمفی تئاتر دانشکده پیراپزشکی گراش برگزار می‌شود.

اولین جرقه‌های تشکیل کانون دانشجویان گراش در سال ۱۳۷۵ زده شده اما تاکنون نام کاداگ در همایشی اطلاعات دانشجویان جمع‌آوری شد. با تدوین اساسنامه جدید و انتخاب نام کاداگ سال ۱۳۸۵ در تازه فعالیت کاداگ شروع شد. در انتخابات ۲۷ مرداد ۱۳۸۵ محمدعلی فرجی با بیشترین رای به عنوان دبیر کانون انتخاب شد. آخرین انتخابات کساداگ ۲۸ مرداد ۱۳۸۷ برگزار شده است.

آخرین مجمع عمومی کاداگ چهار سال پیش در سالن سراجی برگزار شد. در آن انتخابات از ۱۷۷ رای ماخوذه ۱۳ عضو شورای مرکزی کانون

انتخاب شدند. محمد ناصری با ۱۳۴ رای، حسین فقیهی با ۱۲۷ رای ، بهمن ثابت با ۱۰۶ رای، مصطفی کلر با ۱۰۶ رای، مصعبومه بهمنی با ۱۰۵ رای، بتول فردانی با ۸۶ رای، مرضیه اژدری با ۸۵ رای، راضیه شمسبی با ۸۴ رای، محمد علی کلرگر با ۷۸ رای، ابراهیم نظری با ۷۷ رای، محمود باقری با ۶۷ رای، احمد فرجی با ۶۵ رای و حسین‌زاده با ۵۰ رای اعضای شورای مرکزی بودند. محمد علی فرجی با ۱۲۵ رای و مهدی عالمی با ۹۵ رای بازرسان منتخب بودند.

در شورای مرکزی ابتدا محمد ناصری به عنوان دبیر کاداگ، کاندیدا شدند اما بعد از مدتی حسین فقیهی جانشین ناصری در سمت دبیر کاداگ شد. در زمان انتخابات دور دهم ریاست جمهوری اختلافاتی در شورای مرکزی کاداگ به وجود آمد و با وجود پایان مهلت یک ساله شورای مرکزی سال ۱۳۸۸ و سال‌های بعد مجمع عمومی برگزار نشد. بعد از تشکیل جلسه‌ای در ۱۶ مرداد ماه سرتراجم تصمیم گرفته شد مجمع عمومی کاداگ دوباره برگزار شود.

با توجه به افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان در سال‌های اخیر مجمع عمومی کاداگ محلی برای ارائه نظرات گوناگون خواهد بود.

ارتقا دیگر ادارات همچنین سفرهای متعدد به روستاهای شهرستان مهمترین بخش گزارش عملکرد وی بود. هر چند در گزارش تصویری و در سخنان او اشاره‌ای چندانی به سال دوم حضور در گراش نشد.

خواست‌خدایی از همکاری حسینی نماینده پیشین شهرستان در مجلس، شهرداری و شورای شهر، اعضای کمیته ارتقا و همکاران خود در ادارات و فرمانداری در طول این مدت و همچنین رییس آموزش و شهید سردار خواست‌خدایی با تشبیه وضعیت شهرستان‌های تازه تاسیس به گردان‌های خط مشکن، نبودن بودجه در سال نخست را از مشکلات اساسی خود دانست: فعالیت ما در فرمانداری از دوم شهریور ۱۳۸۹ آغاز شد اما اولین اعتبار خود را در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۰ دریافت کردیم و طی این مدت یک میلیارد و ۷۷۹ هزار تومان اعتبار برای شهرستان دریافت شده است.



مجیدرضا کریمی فرد جانشین مسعود خواست‌خدایی شد [عکس: عبدالرضا افشار]

### کارهای مانده

انتخابات دیگر ادارات همچنین سفرهای متعدد به روستاهای شهرستان مهمترین بخش گزارش عملکرد وی بود. هر چند در گزارش تصویری و در سخنان او اشاره‌ای چندانی به سال دوم حضور در گراش نشد. خواست‌خدایی از همکاری حسینی نماینده پیشین شهرستان در مجلس، شهرداری و شورای شهر، اعضای کمیته ارتقا و همکاران خود در ادارات و فرمانداری در طول این مدت و همچنین رییس آموزش و پرورش به خاطر در اختیار گذاشتن مدارس برای ادارت تشکر کرد. فرزند شهید سردار خواست‌خدایی با تشبیه وضعیت شهرستان‌های تازه تاسیس به گردان‌های خط مشکن، نبودن بودجه در سال نخست را از مشکلات اساسی خود دانست: فعالیت ما در فرمانداری از دوم شهریور ۱۳۸۹ آغاز شد اما اولین اعتبار خود را در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۰ دریافت کردیم و طی این مدت یک میلیارد و ۷۷۹ هزار تومان اعتبار برای شهرستان دریافت شده است.

فرماندار پیشین در مورد اداراتی که قرار بود سه سال گذشته افتتاح شود اما همچنان وضعیت مشخصی ندارند هم صحبت کرد: ثبت اسناد از دغدغه‌های دوستان بوده است. ما چندین جلسه با نماینده پیشین خدمت آقای توپسرنکائی رییس ثبت اسناد رسیدیم، از سوی شورا شهر ساختمانی آماده شد. اداره ثبت اسناد قرار بود سال گذشته افتتاح شود ولی به دلیل

فرماندار پیشین در مورد اداراتی که قرار بود سه سال گذشته افتتاح شود اما همچنان وضعیت مشخصی ندارند هم صحبت کرد: ثبت اسناد از دغدغه‌های دوستان بوده است. ما چندین جلسه با نماینده پیشین خدمت آقای توپسرنکائی رییس ثبت اسناد رسیدیم، از سوی شورا شهر ساختمانی آماده شد. اداره ثبت اسناد قرار بود سال گذشته افتتاح شود ولی به دلیل

## حمایت از سرمایه گذاران در راس برنامه‌های فرمانداری است

### مخالفت جعفرپور

یک هفته‌ای از شروع کار کریمی فرد نگذشته بود که نماینده مردم لارستان، خنج و گراش مخالفت خود با انتصاب وی را علنی کرد. مخالفتی که حتی در جو عمومی گراش می‌تواند به نفع فرماندار جدید تمام شود.

پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر جعفرپور از سوال نماینده از وزیر کشور، خبر داد: «به دنبال برخی بی‌تدبیری‌های صورت گرفته در انتصاب فرماندار گراش و حساسیت حوزه انتخابیه لارستان، خنج و گراش، دکتر جعفرپور با طرح سؤال از آقای محمد نجار، وزیر کشور، وی را برای پاسخگویی به مجلس فراخواند.»

تأمین نیرو انجام شود. این چند وقت با حضور امام جمعه جدید خدمت آقای رامشی رفتاریم و موضوع را دنبال کرده‌ایم. در مورد فرهنگ و ارشاد نیز مجوز نمایندگی گرفته شده است و بحث تأمین فضای اداری داریم که از محیط شهرستان و منطقه در عین وجود نیروهای توانمند و با تجربه و دارای شناخت از منطقه که از آنها استفاده نشده است» از دلایل سؤال نماینده مردم از وزیر کشور عنوان شده است.

جعفرپور از برکناری خواست‌خدایی فرماندار پیشین گراش نیز ناراضی است و به نحوه برکناری اعتراض دارد: «شسویه غیر اخلاقی و ناپسند مدیران سیاسی استان در نحوه ابلاغ حکم به فرماندار سابق نیز از دلایل دیگر این سؤال می‌باشد.» همچنین سبایت جعفرپور مدعی شده است که در این انتصاب به جازقی نماینده مجلس با امام جمعه گراش نیز مشورت نشده است.

### رتبه ۳ شاهد بهترین نتیجه کنکور امسال

بین گراشی‌ها که امسال در کنکور شرکت کردند بهترین نتیجه را تا اینجا نفیسه مهیایی با رتبه ۱۹۲ کشوری به دست آورده است. از سوی کانون طله که برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور فعالیت دارد نتایج فعالان کانون اعلام شده است. دانش‌آموز گراشی که در مدارس تیزهوشان و نمونه لار درس می‌خوانند نتایج به نسبت خوبی را به دست آورده‌اند. نفیسه مهیایی دختر جانباز خلیل مهیایی دبیر شیمی دبیرستان‌های گراش رتبه ۳ را در سهمیه شاهد و رتبه ۱۹۲ کشوری را به دست آورده است. نفیسه در رشته علوم تجربی دبیرستان تیزهوشان لار درس خوانده است. راضیه واحدی فرزند جانباز حاج مرتضی واحدی نیز در همین سهمیه شاهد، رتبه ۲۹ این‌ها شاخص‌ترین گراشی‌ها در کنکور ۱۳۹۱ قبولی دارد. مجید زارعی با رتبه ۳۱۰ منطقه ۲ در رشته ریاضی و سعید سروش با رتبه ۳۱۷ منطقه ۲ در رشته تجربی دیگر دانش‌آموزان موفق امسال هستند. رامین کریمی دیگر دانش‌آموز گراشی در لار رتبه ۲۲۰۰ را به دست آورده است.

در میان محصلان حاضر در گراش، مسلم برازش

### چند خط خبر

## مهندس مهرابی روی صندلی اداره راه و شهرسازی گراش

مهندس مهرابی رسماً سرپرست راه و شهرسازی شد با تغییرات انجام شده در اداره کل راه و شهرسازی لارستان، سلمان مهرابی به عنوان سرپرست اداره راه و شهرسازی شهرستان گراش معرفی شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی لارستان در احکام جداگانه‌ای از سوی مهندس فدایی مدیر کل راه وشهرسازی لارستان دو مدیر و چهار رئیس ادارات شهرستانهای تابعه منصوب شدند.

پیش از این مهندس مهرابی سرپرستی اداره مسکن و شهرسازی و مهندس علی‌پور سرپرستی اداره راه شهرستان را بر عهده داشتند که با ادغام این دو اداره در یکدیگر علی‌پور از گراش می‌رود.

بر اساس اعلام اداره کل راه و شهرسازی لارستان آقایان مهندس علی منصور، سیف اله عباسی و مهندس سلیمان مهرابی به ترتیب به عنوان سرپرست اداره راه و شهرسازی شهرستان‌های مهر، خنج و گراش معرفی شدند و از زحمات آقایان مهندس عبدالرضا گودیانی، مهندس رهام سلیمانی و مهندس عبدالحمید علی پور به خاطر تلاش بی وقفه در جهت خدمات رسانی به مردم درمدت مسئولیت خود تقدیر وتشکر شد.

در دو انتصاب دیگری طی احکامی از سوی مهندس حسن فدایی، مهندس علی اصغر افتخار را به عنوان مدیریت مسکن و ساختمان و آقای بهرام شیبانی به عنوان سرپرست مدیریت املاک و حقوقی منصوب شدند.

## .....

### مسکن مهر، شهرک پردیس شد

در کمیته نامگذاری معابر گراش، نام «شهرک پردیس» برای مجموعه مسکن مهر گراش انتخاب شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری گراش، این جلسه با حضور اعضای کمیته و نماینده تعاونی‌های مسکن محلی برگزار شد. به پاس خدمات و زحمات دولت در طرح مسکن مهر خیابان ۲۵ متری ورودی اصلی شهرک پردیس به نام خیابان دولت نام‌گذاری شد. به پیش‌نهاد مدیران عامل تعاونی‌ها و با در نظر گرفتن بافت جوان شهرک از اسامی گلهای برای نام گذاری خیابان های شهرک پردیس استفاده شد. نام‌های یاس، بنفشه، نسترن، داوودی، لاله، نیلوفر، نرگس، مریم و مینا برای خیابان‌های این شهرک انتخاب شده است. همچنین پارک موجود در مجموعه به نام بوستان پردیس نامگذاری شد.

با نامگذاری شهرک پردیس، نامگذاری معابر شهرک‌های غرب شهر گراش شامل شهرک زرمندگان، پاسداران و پردیس به پایان رسید و در جلسات آینده شهرک‌های شرق گراش نامگذاری خواهد شد.

## .....

### سفر تابستانی جعفرپور به ارد و فداغ

جمشید جعفرپور در فرصت تعطیلات تابستانی مجلس سفری دوره‌ای در حوزه انتخابیه خود داشت. او روزهای آخر تیرماه به توابع شهرستان گراش سفر کرد.

در سفر نماینده لارستان، خنج و گراش به بخش ارد و دهستان فداغ، خواست‌خدایی فرماندار گراش و روسای برخی از ادارات جعفرپور با همراهی می‌کردند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر جعفرپور روز یکشنبه ۲۵ تیرماه سفر مسئولین از بخش ارد شروع شد. خواست‌خدایی با تشکر از تشریف‌فرمایی مسئولان لشکری و کشوری در ادامه از شعار وحدت بین مناطق که دکتر جعفرپور به آن جامه عمل پوشانده بود تقدیر کرد.

در حضور چهار ساعتی دکتر جعفرپور در بخش ارد شورا‌های اسلامی ارد، زینل‌آباد و آغصه مشکلات و مسایل شورا‌های اسلامی و مردم منطقه را مطرح کردند. جمشید جعفرپور به همراه هیات همراه نماز ظهر و عصر را در یکی از مساجد ارد اقامه کرد و بعد از اتمام نماز سخنرانی کوتاهی در جمع مردم داشت.

در مسیر بخش ارد تا دهستان فداغ از دو پروژه تونل بالنگستان و سد فداغ بازدید شد. تونل بالنگستان با حذف گردنه خطرناک بالنگستان مسیر ارد به فداغ و بیرم را مستقیم می‌کند.

در فداغ از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۸ شب جلسه مسئولین با تک‌تک شورا‌های اسلامی دهستان فداغ برگزار شد و مشکلات این دهستان، مورد بررسی و رسیدگی قرار داده شد. دکتر جعفرپور ، نماز مغرب و عشاء را در مسجد فداغ اقامه کرد و بعد از خاتمه نماز ، سخنان خود را برای مردم که از دیگر مناطق هم حضور داشتند ایراد کرد.

## .....

## کشت سلول‌های بنیادی در دانشگاه گراش

محققین دانشکده علوم پزشکی گراش برای نخستین موفق به تولید سلول‌های بنیادی شدند

به گزارش روابط عمومی دانشکده علوم پزشکی گراش، مهدی محسن‌زاده و علی پیروزی دو تن از محققین مرکز تحقیقات دانشکده علوم پزشکی گراش توانستند از مغز استخوان موش و خون بند ناف انسان، سلولهای بنیادی استخراج نمایند. سلول‌های بنیادی اولین گام در جهت انجام تحقیقات نوین در زمینه‌های مختلف پزشکی است.

این موفقیت به دنبال راه‌اندازی آزمایشگاه کشت سلول‌ها و شرکت در کارگاههای آموزشی داخل و خارج از کشور حاصل شده است.

## .....

### اول خط‌کشی، بعد کارت پارک

در مردادماه امسال، خیابان امام(ره) که به تازگی روکش آسفالت شده است، خط کشی شد.

به نقل از روابط عمومی شهرداری گراش، خیابان مرکزی شهر به طول ۸۰۰ متر با هزینه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون ریال به صورت ۴ بانده خط کشی شد. در این طرح دو عدد از خطوط به پارکینگ حاشیه خیابان اختصاص داده شده و ۲ باند دیگر جهت رفت و آمد از طرفین در نظر گرفته شده است.

روابط عمومی شهرداری خبر داده است برای کنترل هر چه بیشتر ترافیک، شهرداری گراش اجرای طرح کارت پارک را مورد بررسی قرار داده و در آینده اجرایی خواهد شد.



کلنگ دانشگاه علوم قرآنی به زمین زده شد [عکس: سعید توکلی]

این دانشگاه در اولویت استخدام دانشکده‌های علوم قرآنی و بخش‌های فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه خواهد بود.

موسس دانشگاه علوم قرآنی گراش درباره مزایای تحصیل در این دانشگاه گفت: دانشگاه علوم قرآنی جزو دانشگاه‌های روزانه و رایگان است و با توجه به این که دانشگاه دارای خوابگاه و امکانات رفاهی خواهد بود در اولویت بسیاری از دانشجویان قرار دارد.

بر اساس اعلام سایت دانشگاه علوم قرآنی، فارغ التحصیلان





اولین مصاحبه با امام جمعه‌ای که ده‌ها هزار بیت شعر حفظ است

## Two Top Political Officials of Gerash Changed

The new Friday Prayer Imam of Gerash, Hujjat al-Islam Seyed Reza Hosseini, opened up his first sermon on Friday, June 22nd, with an anecdote from Rumi's Mathnawi. Promptly afterwards, his appreciation of Persian poets, especially the great classics like Rumi, Hafiz, Sa'di and Khayyam, and also the later-mentioned fact that he has been a religious as well as a literary missionary in a handful of neighboring countries such as Russia, Kazakhstan, Turkmenistan and Iraq, became two interesting topics for discussion about the new Friday Imam.

But this was not all that he had in store. From the very beginning, Hujjat al-Islam Hosseini shows that his handling of the religious and political affairs of Gerash will be very much different from that of his predecessor, Hujjat al-Islam Hal-lajji, who held this post for 10 years. Hujjat al-Islam Hosseini said in an interview with Afsaneh that Friday Imam should have a more thorough control over these affairs, and other organizations should be in line with him.

But again, this was not all that Gerash had in prospect. For some months until Wednesday, August 1st, Gerash was waiting for another major political change; and on this day, Masoud Khasht-Khodaei was discharged of his office as the Governor of Gerash after two years, and gave his much debated seat to Hamid-Reza Karimifard. He is said to be from Kazeroun, Fars, and have been a manager in the Power Distribution Company of Bushehr.

Three of the four angles of power in the county have been changed recently: Hassani, the MP, left Baharestan in June; and in less than a month, Friday Imam and the Governor are changed. In less than a year, the fourth angle will also undergo major changes in the City Council Elections. Up until that time, the competition among political and social groups in Gerash will heat up, hopefully, for good.

## وضعیت مجتمع اداری در ابهام آموزش و پرورش مدرسه‌هایش را می‌خواهد

صاحب‌خانه می‌گوید ساختمان را برای بچه‌های خودش لازم دارد. اما مستاجرها هنوز خانه جدیدی پیدا نکرده‌اند.

پس از دو سال اجاره نشینی اداره‌های جدید گراش در دبیرستان امام رضا(ع) که حالا به نام مجتمع اداری شناخته می‌شود، ابراهیم مهوری رئیس اداره آموزش و پرورش می‌گوید امسال به خاطر کسب مجوز دبیرستان نمونه دولتی، مدرسه را لازم دارد.

مهوری می‌گوید: یکی از خواسته‌های مردم و دانش‌آموزان، پیگیری تاسیس مدارس خاص بوده است که پس از ارتقاء و با پیگیری آقای حسینی، با تاسیس مدرسه نمونه دولتی موافقت شد. منتها چون سال گذشته تعداد شرکت‌کنندگان پایین بود، اداره کل آموزش و پرورش قول مجوز امسال را داده است. مدرسه نمونه قرار است در آموزشگاه امام رضا(ع) راه‌اندازی شود.

قرارداد ما در خصوص اسکان مجتمع اداری یک ساله بوده که سال گذشته یک سال دیگر تمدید شد. این قرارداد تا دهم مرداد امسال مهلت داشت.

از ماه گذشته جلسات مختلفی در خصوص این موضوع برگزار شده که تا شانزدهم مرداد می‌نتیجه مانده است. با تغییراتی که در طرف دیگر ماجرا یعنی فرمانداری صورت گرفته است ممکن است محل حل این موضوع زمان بیشتری را بطلد. به خصوص وقتی شنیده می‌شود حتماً زمینی هم در این دو سال گذشته برای ساخت مجتمع اداری در نظر گرفته نشده است. آموزش و پرورش با توجه به محیط فیزیکی مدرسی که در اختیار دارد، اولین گزینه برای اسکان ادارات است.

مسئله کمبود ساختمان اداری برای اولین بار نیست که مطرح می‌شود و شاید موضوع انتقال بخش‌های از مدرسه فانی‌زاده در سال‌های گذشته در خاطر مردم مانده باشد. چندی قبل شنیده می‌شد چند زمین برای ساخت مجتمع اداری پیشنهاد شده است که هر کدام به دلایلی لغو شده بود. محتمل‌ترین گزینه در حال حاضر زمین روبروی دانشکده علوم پزشکی است که فرماندار پیشین ساختمان مجتمع اداری در آن را قطعی دانست.

ابراهیم مهوری با توجه به مقاومت‌های چهار مدرسه در تابستان می‌گوید: مدارس سعادت، شهید محقق، کامروا و شهید بهزادی با همکاری اداره کل نوسازی مدارس در طرح مقاومت‌سازی قرار دارند. با این که عملیات این مدارس شروع شده است، اما با احتمال این که در اول مهرماه آماده به بهره‌برداری نباشد، نیاز به این است که مدارس دیگری را پیش‌بینی کنیم.

مهوری می‌گوید: در اجرای دستورالعمل واصله از اداره کل، امکانی که در اختیار ارگان‌ها هستند باید تخلیه و به آموزش و پرورش بازگردد. با توجه به اضافه شدن مدارس نمونه و ابتدایی شاهد در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، به نظر می‌رسد آموزش و پرورش از نظر فضای آموزشی در مضیقه باشد.

به گفته رئیس اداره آموزش و پرورش، ۵۴ دانش‌آموز در قسمت دختران در کتک‌ورودی این دبیرستان برگزیده شده‌اند که تا اوایل مردادماه ۳۶ نفر معرفی و نام‌نویسی شده‌اند. با وجود این که از ده ماه قبل به صورت مکرر به مستاجرین ساختمان و امکانات آموزشگاه امام رضا(ع) داده شده است، این موضوع در حد یک پیشنهاد مانده است و به نظر می‌رسد با توجه نیازها، آموزش و پرورش به این آسانی از خواسته خود که تخلیه مجتمع اداری است کوتاه نیاید.

در آخرین روزهای مرداد شنیده شد که ادارات مستقر در مجتمع اداری به مدرسه دیگری منتقل خواهد شد و مدرسه نمونه در ساختمان آموزشگاه امام رضا (ع) راه‌اندازی می‌شود.



### اشاره

در اولین خطبه نماز جمعه‌اش دوستی که کنار من نشست بود گفت: امام جمعه صدایی رادبویی دارد. امام جمعه خوش صدا در هر جلسه که باشد مثنوی یا غزلی برای تلمیح سخنان‌اش در آستین دارد. در صبح یکی از روزهای نخستین ماه رمضان، پیش از اولین جمعه مرداد که روز نماز جمعه نامگذاری شده برای مصاحبه به دفتورش رفتیم. دفتری که قرار است توسعه یابد و فعال تر شود. وقتی خواستیم که خودش را معرفی کند از سوابق حوزوی، مرکز فرهنگی الزهرا در قم و علاقه‌اش به ادبیات گفت:

قبل از ورودتان مردم آشنایی چندانی با شما نداشتند و مشتاق‌اند بدانند امام جمعه شهرشان پیش از این چه فعالیت‌هایی داشته است.

من حدود بیش از سی سال پیش وارد حوزه شدم و سطح حوزه را یک سال زودتر از حد متعارف گذراندم و سطح عالی هم باز همین‌طور؛ و تقریباً روی هم رفته سطح حوزه و سطح عالی را دو سال زودتر از روال معمول‌اش تمام کردم. مقارن با رحلت حضرت امام (ره) بود که وارد درس خارج شدم. از بزرگواران حوزه مثل حضرت آیت‌الله صافی و دیگر بزرگواران در حد این که خوشه‌ای از خرمن درس‌هایشان ببرم استفاده کردم. اما استاید رسمی که به

کرات در خدمت‌شان بوده‌ام و استفاده می‌کردم حضرت آیات عظام بهجت، فاضل لنکرانی، همدانی و مکارم شیرازی بودند.

از حدود سال هفتاد و دو در قم، مسجد و مجتمع فرهنگی الزهرا را کلنگ زدم. در زمان خودش شاید یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرهنگی بود. مجموعه با زیربنایی قریب چهار هزار و پانصد متر در نظر گرفته شده بود. بنده هم به عنوان موسس و بانی و امام جماعت آنجا بوده‌ام. البته ما موفق نشدیم این مقدار که در طرح اولیه بود انجام بدهیم. آن‌جا تا حدود دو هزار و پانصد متر بنا ساخته شده که حدود هزار متر حسینیه داریم و حدود هفتصد متر هم شبستان و مسجد طبقه بالای ما و حیاطی است که به دلیل نبود بودجه، ما هنوز مجتمع فرهنگی را احداث نکردیم.

در این مدت فعالیت شما فقط در همین مسجد بوده است؟ در کنار همین امام جماعت در قم، من چهارده پانزده سال است که به دعوت وزارت خارجه و با هماهنگی دفتر مقام معظم رهبری در کشورهای بسیاری برای تبلیغ در مجامع علمی و فرهنگی دانشگاه‌هایشان به سخنرانی پرداختم. بعضی کشورها را یک بار رفتم، بعضی‌ها دو بار. پنج بار با شش بار. کشورهای که به کرات آنجا سخنرانی داشته‌ام و مراسم‌هایی بوده، روسیه است و اتباع آن مثل تاتارستان، قزاقستان را بیش از پنج شش بار رفتم که خیلی هم مورد استقبال قرار گرفته است و تاجیکستان هم بیش از چهار پنج بار آنجا بوده‌ام و در یکی از این سفرها در خدمت ریاست دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله محمدی گلپایگانی بودیم. در اواسط ماه مبارک رمضان بود که تشریف آوردند و تا آخر ماه رمضان هم حضور داشتند.

در اقلیم کردستان عراق و سلیمانیه برنامه‌های تان داشتیم در یک ماه رمضان، و در دیداری با آقای دکتر برنجی از معاونین ریاست جمهوری، از بنده تجلیل کردند و مرا شرمند محبت خودشان کردند؛ و هم‌چنین استاندار سلیمانیه. الان هم امام جمعه شیعی آنجا پانزده ارتباط خیلی صمیمی دارند و قم به منزل ما می‌آیند و رفت آمد داریم. امام جمعه اهل تسنن آنجا هم خیلی تجلیل و احترام کردند، و اخیراً قبل از امامت جمعه سفری به کشور مالزی داشتم که بحمدالله بنا بر نظر دوستان مسئول، بسیار موفقیت‌آمیز بود. سفری هم به ایالت جمهور یارو و ایالت پینانگ داشته‌ام که در جمع ایرانیان مخصوصاً طبقه دانشگاهی آنان جلسات سخنرانی داشته‌ام که تا هفته‌ها بعد از سفر با ایمیل و تلفن چه با خود ما یا مسئولین سازمان فرهنگ و ارتباطات مردم و مسئولین قدرانی داشتند و دعوت برای سفرهای بعدی می‌نمودند؛ که البته الان با مسئولیت امام جمعه فعلاً معذورم.

معمولاً این سفرهای خارجی شامل چه برنامه‌هایی است؟ مثلاً در نماز جمعه بیش از ده‌ها هزار نفری «دوشنبه»، که یک بار به دعوت رسمی آنان سخنرانی داشته‌ام و در مجامع علمی‌شان هم حضور داشته‌ام و استقبال زیادی کردند و مصاحبه زیادی هم با روزنامه‌های آنجا و همین‌طور رادیو و تلویزیون داشتم.

از جمله کشورهایی که زبانه‌ها در کوه‌های کردام و مورد احترام مسئولین کشور قرار گرفته‌ام، قزاقستان است. یادم است شاید ده دوازده سال پیش در یک کنفرانس خیام‌شناسی شرکت کردم که در خدمت جناب آقای دکتر موسوی گرم‌رودی دوست و برادر بزرگوار که از مفاخر ادبیات کشور ماست بودیم. البته بزرگوارانی مثل دکتر شردوست سفیر ایران در تاجیکستان گفتند که بهترین دلیل موفقیت شما تسلط شما به حوزه ادبیات فارسی است.

اتفاقاً چیزی که برای مردم هم جالب بود این بود که در اولین خطبه شری از مثنوی مولوی خواندید. با توجه به تحصیلات حوزوی و استفاده از مخضر بزرگان، در حقیقت بنده قرآن و روایت و احادیث را آمیخته کرده‌ام با گوهر ادبیات فارسی، که بسیار گوهر گرانبهایی است و ما واقعاً قدر این مفاخر خودمان را آن طور که شایسته است ندانستیم.

زمانی که من درس می‌خواندم، رشت‌ام فرهنگ و ادب بوده و این هم به خاطر علاقه خودم از دوران نوجوانی بوده و در حوزه هم که الان بیش از

## قرآن و احادیث را با گوهر ادبیات فارسی آمیخته‌ام

سی سال است همیشه ادبیات فارسی جز لاینفک زندگی من بوده است. ضمن احترام به همه شعرای خوب کشورمان، من آن قله‌های عرفان و غزل و مثنوی را بیشتر علاقه دارم. این است که من عمرم را و وقتم را گذاشتم و ده‌ها هزار بیت از اشعارشان را حفظ نموده‌ام. مثنوی مولانا و حافظ سعدی و اشعار خاتم پروین اعتصمی را من خیلی دوست دارم، مخصوصاً قطعه‌ای که برای مزار خودش سروده و هم قطعه‌ای که در مورد حضرت موسی (ع) سروده‌اند. سنایی را هم به جهت عرفان‌اش و رباعیات خیام را هم را خیلی می‌پسندم.

انتخاب اول تان کدام است؟ مثنوی مولانا و غزل حافظ. ولی خوب از نظر شیرینی کلام، سعدی واقعاً شاعر بزرگی است. من سخن یکی از مفاخر ادبی خودمان را بگویم که می‌گوید که ما بعد از هشتصد سال به زبان سعدی سخن می‌گوییم. سعدی واقعاً از معجزه‌های مفاخر ادبی ما است. من به رودکی و فردوسی هم علاقه دارم ولی در کل بین سعدی و حافظ و مولانا انتخاب یکی برام خیلی سخت است.

شما ملابری هستید؟ بنده متولد ملایر هستم، ولی بزرگ شده در قم هستم. هر چند شهر پدر و مادری بنده ملایر است ولی متأسفانه دیگر آنجا فامیلی نداریم. حتی پدر بزرگ بنده هم که حدود بیست سال پیش به رحمت خدا رفتند در تهران به خاک سپرده شده‌اند، در قم به منزل ما می‌آیند و رفت آمد داریم. امام جمعه اهل تسنن آنجا هم خیلی تجلیل و احترام کردند، و اخیراً قبل از امامت جمعه سفری به کشور مالزی داشتم که بحمدالله بنا بر نظر دوستان مسئول، بسیار موفقیت‌آمیز بود. سفری هم به ایالت جمهور یارو و ایالت پینانگ داشته‌ام که در جمع ایرانیان مخصوصاً طبقه دانشگاهی آنان جلسات سخنرانی داشته‌ام که تا هفته‌ها بعد از سفر با ایمیل و تلفن چه با خود ما یا مسئولین سازمان فرهنگ و ارتباطات مردم و مسئولین قدرانی داشتند و دعوت برای سفرهای بعدی می‌نمودند؛ که البته الان با مسئولیت امام جمعه فعلاً معذورم.

چه ذهنیتی قبل از آمدن داشتید و آیا کسی را داشتید که در این مورد اطلاعاتی به شما بدهد؟ بله، یکی از دوستان که نمی‌خواهم اسم ببرم در ارتباط نزدیک با دفتر مقام معظم رهبری و ریاست دفتر حضرت آقا هستند. زمانی که در شورای سیاست‌گذاری بحث شد و خیالی جاهای دیگر پیشنهاد دادند، ایشان تلفنی اطلاع‌رسانی را در اختیار بنده قرار دادند. بعد از برگشت از سفر، خدمت چندین تن از مراجع تقلید رفتم و خیلی استقبال کردند و فرمودند: از اینجا از همه گزینه‌ها بهتر است و علی‌رغم اینکه گراش شهرستان بزرگی نیست و تازه هم شهرستان شده، ولی تمام مراجع تقلید ما بلا استثنا این شهرستان را می‌شناسند و از خیر و نیکی این شهر یاد می‌کردند.

مراجع در مورد گراش چه نظری داشتند؟ چندین خصیصه را در مورد مردم این شهر می‌گفتند که مخلص فرمایش این چند بزرگوار این بود که مردمان بسیار ولایت‌مداری دارد و نسبت به روحانیت و مرجعیت خیلی معتقد هستند. مردمانی هستند که خیلی سعه صدر دارند و اگر امام جمعه اهدافی ترسیم کند، ولو اهداف بلند مدتی باشد، این‌ها مردمان خیر و نیکوکاری هستند و امام جمعه را در اهدافشان تنها نمی‌گذارند. و با این خصیصه‌ها بزرگواران می‌فرمودند که اگر برود ما استقبال می‌کنیم.

در صحبتی که با مراجع داشتید، دید بلندی نسبت به شهر داشتند و شما با این دید وارد شهر شده‌اید. برنامه خاصی را برای بر طرف به، در جلسه‌ای که چند روز بعد از

کردن نقاط ضعف تنظیم کنید؟ و یا اولویت‌هایتان را مشخص کرده‌اید؟ بله همان‌طور که مراجع معظم فرمودند مردم گراش واقعاً مردم ولایت‌مدار و صمیمی و خونگرم هستند و خیلی ارادت به مقام معظم رهبری دارند. همه این تعاریفی که شنیدم دو چندان‌اش را از نزدیک دریافتیم. اما یک سری ضعف‌هایی هست که من با کمال عنبرخواهی از کسانی که صحبت بنده به عنوان انتقادی از آنهاست در طی این چند هفته متوجه شده‌ام. مساجد شهر موسی (ع) سروده‌اند. سنایی را هم به جهت عرفان‌اش و رباعیات خیام را هم را خیلی می‌پسندم.

انتخاب اول تان کدام است؟ مثنوی مولانا و غزل حافظ. ولی خوب از نظر شیرینی کلام، سعدی واقعاً شاعر بزرگی است. من سخن یکی از مفاخر ادبی خودمان را بگویم که می‌گوید که ما بعد از هشتصد سال به زبان سعدی سخن می‌گوییم. سعدی واقعاً از معجزه‌های مفاخر ادبی ما است. من به رودکی و فردوسی هم علاقه دارم ولی در کل بین سعدی و حافظ و مولانا انتخاب یکی برام خیلی سخت است.

شما ملابری هستید؟ بنده متولد ملایر هستم، ولی بزرگ شده در قم هستم. هر چند شهر پدر و مادری بنده ملایر است ولی متأسفانه دیگر آنجا فامیلی نداریم. حتی پدر بزرگ بنده هم که حدود بیست سال پیش به رحمت خدا رفتند در تهران به خاک سپرده شده‌اند، در قم به منزل ما می‌آیند و رفت آمد داریم. امام جمعه اهل تسنن آنجا هم خیلی تجلیل و احترام کردند، و اخیراً قبل از امامت جمعه سفری به کشور مالزی داشتم که بحمدالله بنا بر نظر دوستان مسئول، بسیار موفقیت‌آمیز بود. سفری هم به ایالت جمهور یارو و ایالت پینانگ داشته‌ام که در جمع ایرانیان مخصوصاً طبقه دانشگاهی آنان جلسات سخنرانی داشته‌ام که تا هفته‌ها بعد از سفر با ایمیل و تلفن چه با خود ما یا مسئولین سازمان فرهنگ و ارتباطات مردم و مسئولین قدرانی داشتند و دعوت برای سفرهای بعدی می‌نمودند؛ که البته الان با مسئولیت امام جمعه فعلاً معذورم.

چه ذهنیتی قبل از آمدن داشتید و آیا کسی را داشتید که در این مورد اطلاعاتی به شما بدهد؟ بله، یکی از دوستان که نمی‌خواهم اسم ببرم در ارتباط نزدیک با دفتر مقام معظم رهبری و ریاست دفتر حضرت آقا هستند. زمانی که در شورای سیاست‌گذاری بحث شد و خیالی جاهای دیگر پیشنهاد دادند، ایشان تلفنی اطلاع‌رسانی را در اختیار بنده قرار دادند. بعد از برگشت از سفر، خدمت چندین تن از مراجع تقلید رفتم و خیلی استقبال کردند و فرمودند: از اینجا از همه گزینه‌ها بهتر است و علی‌رغم اینکه گراش شهرستان بزرگی نیست و تازه هم شهرستان شده، ولی تمام مراجع تقلید ما بلا استثنا این شهرستان را می‌شناسند و از خیر و نیکی این شهر یاد می‌کردند.

مراجع در مورد گراش چه نظری داشتند؟ چندین خصیصه را در مورد مردم این شهر می‌گفتند که مخلص فرمایش این چند بزرگوار این بود که مردمان بسیار ولایت‌مداری دارد و نسبت به روحانیت و مرجعیت خیلی معتقد هستند. مردمانی هستند که خیلی سعه صدر دارند و اگر امام جمعه اهدافی ترسیم کند، ولو اهداف بلند مدتی باشد، این‌ها مردمان خیر و نیکوکاری هستند و امام جمعه را در اهدافشان تنها نمی‌گذارند. و با این خصیصه‌ها بزرگواران می‌فرمودند که اگر برود ما استقبال می‌کنیم.

در صحبتی که با مراجع داشتید، دید بلندی نسبت به شهر داشتند و شما با این دید وارد شهر شده‌اید. برنامه خاصی را برای بر طرف به، در جلسه‌ای که چند روز بعد از

## فرصت رمضان

در این ماه مبارک فرصتی برای خودسازی ایجاد شده که خانواده‌ها با درنظر گرفتن موقعیت‌های مناسب، فرزندان خود را برای یادگیری قرآن، احکام، و دیگر مسائل دینی تشویق می‌کنند. برای استفاده از فضاهای معنوی می‌توان از مساجد، کانون‌های مذهبی، هیئت‌های مذهبی یا روحانیون و افرادی که در هدایت نوجوانان و جوانان نقش دارند کمک گرفت. از این طریق می‌توان به فرزندان خود، انگیزه و مجال کافی برای بهره‌گیری از مسائل و آموزه‌های دینی داد. با توجه به این که متأسفانه بسیاری از جوانان دچار دین‌گریزی شده‌اند، باید فضای خانواده یا موقعیت فرزند را تغییر دهیم و با حوصله افکارشان را بازسازی کنیم.

خانواده در هر شرایطی که باشد بر نوع تربیت فرزند تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌ای که دوگانگی دینی وجود دارد و به مسائل دینی مانند رعایت نکردن حلال و حرام پایبند نیستند یا مسائل را به تمسخر می‌گیرند، میدان جوانان بدبینی به وجود می‌آید. خانواده‌ها برای جلوگیری از این اتفاق باید در رفتار خود صداقت داشته باشند. علاوه بر ظاهر، باطن خود نیز بر اساس آموزه‌های دینی پرورش دهند. در صورتی که خانواده‌ای روزه می‌گیرند باید صداقت در گفتار و عمل داشته باشند. از این راه جوانان را از بدبینی نجات می‌دهند و در شناخت حقیقی یاری می‌کنند.

از دیگر عوامل بدبینی می‌توان سخت‌گیری‌های دینی برای جوانان یاد کرد. خانواده و جامعه به اندازه کافی از زیبایی‌های دین سخن نگفته‌اند. به خاطر همین سخت‌گیری‌ها و کم‌کاری هاست که جوانان احساس می‌کنند دین اسلام را کامل نمی‌شناسند یا اگر هم می‌شناسند قصاص‌های آخرت را می‌دانند. با این روش که با هر کار بدی در آخرت جواب کارت را می‌بینی، آن‌ها در تصور خود خود اعضای ستاد هم سوال می‌کنیم. اگر حضورشان به صرف افتخاری باشد که در این ستاد حضور دارند، ما

عذرخواهی می‌کنیم چون این ستمی نیست که قابل عزل باشد. افتخار است تشریف می‌آورند و شرکت می‌کنند. اما اشخاصی را به این جمع اضافه می‌کنیم. کمیته‌ای تشکیل می‌دهیم برای تصمیم‌گیری پاسخ نگر یا هفت نفر که تصمصبات حسنج و مهر را همان چند نفر بگیرند و تصمیماتی که در جلسات یک دو ماهه هست جمع فرآگیرتر بگیرند.

یکی از برنامه‌هایی که شنیده‌ایم این است که محل دفتر را می‌خواهید عوض کنید و فعالیت دفتر را این گسترده‌تر کنید. اگر می‌شود در این مورد هم توضیحی دهید؟ نه، دفتر همین‌جا هست، ولی منزلی که به هزینه‌های شخصی خودم برای خانواده اجاره کرده‌ایم. چند اتاقی که استفاده می‌کرده‌اند، به مجموعه دفتر اضافه کرده‌ایم.

مسئولین شهر گراش در این چندماهه در حال جابه‌جایی هستند. نقش امام جمعه در تعیین مسئولین در چه حدی است؟ امام جمعه نقش کلیدی در شهر دارد و از نظر سیستم نظام، مسئول شهر شناخته می‌شود. فرض بفرمایید از نظر اجرایی فرماندار، از نظر انتظامی فرمانده نیروی انتظامی و از نظر نظامی فرمانده سپاه در شهر مسئولیت دارند. اما همان‌طور که در احکام ائمه جمعه می‌آید، وجود مقام معظم رهبری امر می‌کند که همه با امام جمعه در اداره شهر هماهنگ باشند. اما اینکه امام جمعه بخواهد در عزل و نصب مسئولین دخالت کند، نه کار پسندیده‌ای است و نه کار شدنی، چون ما در نظامی به سر می‌بریم که هر چیزی از مجرای قانونی خودش باید انجام گیرد. فرضاً اگر رئیس ادارای بخواهد جابه‌جا شود، مدیر کل و مقام مافوق آن تصمیم می‌گیرند.

این مدتی که در گراش هستید، یکی از مراکزی که ارتباط شما با مردم را برقرار می‌کند ستاد نماز جمعه است. ستاد هم گفتند یک ماه به فعالیت ادامه می‌دهند تا این که اگر رئیس ادارای بخواهد جابه‌جا شود، مدیر کل و مقام مافوق آن تصمیم می‌گیرند.



## به مسجد برگردیم

حتی تا همین بیست سال پیش می‌شد هر وقت دلت می‌خواهد به مسجد بروی. بازاری‌ها سر ظهر اگر حوصله رفتن به خانه را نداشتند در همان خنکای شبستان دراز می‌کشیدند و بچه‌هایی که قهر می‌کردند را می‌شد در گوشه‌های از مسجد پیدا کرد. ممکن بود حتی خانه همسایه مسجد دستشویی نداشته باشد و اهل خانه برای قضای حاجت به مسجد بروند. برای آن زمان قفل بودن در مسجد چیز غریبی بود.

اما حالا قضیه فرق کرده است. کمتر مسجدی است که قفل نداشته باشد و کلیدداری که برای خواندن دو رکعت نماز در غیر وقت معمول باید به دنبال او بدوی. دیگر در مسجد بودن راحت نیست. باید نمازت را بخوانی و بروی. حتی اگر به خیلی قبل‌تر برگردیم مساجد مسلمانان چیزی فراتر از یک نمازخانه‌ای صرف بود. مسجدها محلی برای برنامه‌ریزی جنگ‌ها، آشتی دادن مردم، استراحت مسافران در راه مانده و خانه همه بود. اما هر چه به پیش می‌آییم مسجد محدودتر می‌شود.

از جنبه اول مدرن شدن جامعه باعث شده است که نهادهای اختصاصی به وجود بیاید. وجود مدارس جدید و کتابخانه‌ها باعث شد که آموزش از مساجد خارج شود. دستگاه قضایی قضاوت و حکمیت را از مسجد گرفت. مسافرخانه‌ها مسافران را به خود جذب کردند. حتی نمازخانه‌هایی که در مساجدشان‌های اداری بنا شد حضور گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر را کمتر کرد.

از سوی دیگر مساجد با امکانات روز به روز بیشتر شد و باید از این جنبه‌ها محافظت می‌شد.

خانه‌های خدا در قدیم از خانه‌های مردم ساده‌تر بود. همان زیلو و چند مندر تمامی دارایی مسجد بود. به خاطر همین لزومی نداشت قفلی زده شود و یا دری بسته شود.

بسیاری از مسجدهای جدید گرفتار بوروکراسی مدرن شده‌اند. همین گرفتاری در چارچوب‌های محکم تعریف شده باعث شده است که بسیاری برای حضور در مسجد ملاحظه داشته باشند. این مسجد متعلق به فلان گروه است و آنجا باید با یکی دیگر چشم در چشم شد. این چارچوب‌ها باعث شد که مساجد تک وظیفه‌ای شوند و حتی همان وظیفه را نیز به سختی انجام دهند. نمازخوان‌هایی که در مسجد احساس راحتی نمی‌کنند ترجیح می‌دهند فارغ از مسائل دست و پاگیر با خدای خود خلوت کنند.

وقت ایمن است که دوباره به مسجد برگردیم و مسجد مرکز فعالیت جامعه اسلامی باشد. برای این مرکز بودن مسجد باید نه تنها وظیفه را نیز به سختی انجام دهند. نمازخوان‌هایی که در مسجد احساس راحتی نمی‌کنند ترجیح می‌دهند فارغ از مسائل دست و پاگیر با خدای خود خلوت کنند.

وقت ایمن است که دوباره به مسجد برگردیم و مسجد مرکز فعالیت جامعه اسلامی باشد. برای این مرکز بودن مسجد باید نه تنها وظیفه را نیز به سختی انجام دهند. نمازخوان‌هایی که در مسجد احساس راحتی نمی‌کنند ترجیح می‌دهند فارغ از مسائل دست و پاگیر با خدای خود خلوت کنند.

وقت ایمن است که دوباره به مسجد برگردیم و مسجد مرکز فعالیت جامعه اسلامی باشد. برای این مرکز بودن مسجد باید نه تنها وظیفه را نیز به سختی انجام دهند. نمازخوان‌هایی که در مسجد احساس راحتی نمی‌کنند ترجیح می‌دهند فارغ از مسائل دست و پاگیر با خدای خود خلوت کنند.



## از اول نمی‌خواستیم دولتی باشیم

■ **آقای محسن‌زاده هدف شما از تشکیل مجمع القرآن چه بود؟**
بعد از جنگ یک خلاء در جامعه احساس شد. با صحبت‌های مقام معظم رهبری و فرمان ایشان مبنی بر راه‌اندازی نهضت قرآنی در کشور و با تأسی از حدیث ثقلین، آقای رایگان که آن زمان مسوول واحد قرآن اداره آموزش سال ۷۰ شروع به راه‌اندازی یک مجمع و پایگاه قرآنی در شهر نمودند و سعی داشتند به‌گونه‌ای این خلاء را در جامعه پر کنند. سال ۷۲ که در منزل آقای رایگان جلسه گرفته شد، مسوولیت این مجمع را به من واگذار کردند و فعالیت‌های‌مان به طور رسمی از همان سال آغاز گردید. محوریت کار، قرآن و اله‌بیت علیهم‌السلام بود و من احساس می‌کنم بهترین کاری را که می‌توان در جامعه انجام داد در همین زمینه است.

از لحاظ سیاست کسری هم ما دو سیاست را داشتیم، یکی این که زیرنظر سازمانی دولتی نباشیم به‌خاطر این که در فعالیت‌های کاری‌مان محدودیت ایجاد نشود. مورد دوم این بود که ما نمی‌خواستیم به صورت محله‌ای کار کنیم و می‌خواستیم به صورت جامع عمل کنیم و بچه‌هایی هم که پای کار آمدند از محلات مختلف شهر بودند و مرکز فعالیت‌های‌مان را هم در مرکز شهر داریم.

■ **نقش امام جمعه در شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های مجمع‌القرآن چه بوده؟**

حاج آقای موسوی‌پور در شکل‌گیری مجمع نقش خاصی را برعهده داشتند و امام جمعه یکی از اعضای هیات مدیره مجمع‌القرآن است اما در دوره‌های مختلف بناپوجه به مشغولیت‌های‌شان کمابیش حضور داشت‌اند. از وقتی که حوزه علمیه به راه افتاده است به خوبی نتوانست‌اند در کارهای مجمع وارد شوند و ارتباط‌مان به صورت مشورتی بوده. از قبل آقای اسماعیلی، امام جمعه پای ثابت جلسات بود اما الان این امر به صورت مشورتی‌ست.

■ **اکنون بیست سال از فعالیت‌های مجمع القرآن می‌گذرد. در مقایسه‌ی دهه‌ی هفتاد و هشتاد یعنی دهه‌ی اول و دوم فعالیت‌های مجمع‌القرآن به نظر می‌رسد که دهه‌ی هفتاد ششور و شفع خاصی بین بچه‌ها بوده است که در دهه‌ی هشتاد مشاهده نمی‌شود.**

در دهه‌ی هفتاد روحیه‌ی ایثار و شهادت‌طلبی در بین بچه‌ها بود. اما در برهه‌ای زمانی شاهد این هستیم که در کشور به جای اینکه به فعالیت‌های قرآنی بها داده شود به فعالیت‌های بی‌ارزش دیگری بها داده می‌شود و این‌که آن وقت‌ها بحث اینترنت و وسایل جدید نبود و در طی زمان رویت‌ها و فرهنگ مردم هم تغییر پیدا کرده و آن علایقی که باید در بین مردم نسبت مسائل قرآنی باشد کم شده است.

■ **به نظر انان این نقص مجمع‌القرآن نیست که نتوانسته‌اند خود را با تکنولوژی‌های روز تطبیق دهد و از قابلیت‌هایی که در جامعه است برای ارائه‌ی برنامه‌ها استفاده کند؟**
شاید، بعید هم نیست. البته دوستانی را ما داریم که در بحث رایانه واردند. به عنوان مثال آقای قنبری مدیر مدرسه بشارت خود دانشجوی کارشناسی کامپیوتر هستند. ولی خوب کاربرلدی یک بحث است و استفاده از آن یک بحث دیگر و خوب از یک لحاظ کار ما زیاد است و از سوی دیگر با کمبود نیرو هم مواجه هستیم و مضاف بر این‌ها، هزینه‌ها نیز سنگین‌اند و پشتوانه مالی قوی نداریم.

■ **پس بخشی از این افت یک روند طبیعی است.**

بله در طی این زمان روند صورت می‌گیرد. البته ما تا آن‌جایی که توان داشته‌ایم کارمان را انجام داده‌ایم. اما خوب این تاثیرگذاری را در بین مردم می‌بینیم.

■ **چرا سازمان‌های غیردولتی مردمی از سازمان‌های دولتی یک شهر در زمینه فعالیت خاص مانند قرآن فعال‌ترند؟ به نظر شما دلیل‌اش چیست؟**
نیت مسوولین ارگان و مقدار وقتی که



[بیست سال تجربه مجمع‌القرآن در گفتگو با حاج مسعود محسن‌زاده

# از اول نمی‌خواستیم دولتی باشیم



اعضای مجمع‌القرآن به همراه حجت‌الاسلام عالی در تنگ آب- فروردین ۱۳۸۲ [عکس: اکبوم حمید رایگان]

### [اشاره

**به این فکر می‌کنم که ما در شهرمان چه تعداد دولتی فرهنگی داریم. دولتی‌هایی که در بینش، گرایش و حتی سسما و رفتار نیز به هم شبیه‌اند. در کارهای فرهنگی سازمانی در شهر بیش از آن که دولتی فرهنگی داشته باشیم. تیم فرهنگی داشته‌ایم. مرحوم حمید رایگان و حاج مسعود محسن زاده از جنس آن دولتیوهای فرهنگی**

برای یک کار می‌گذارند بسیار مهم است. گاهی وقت‌ها نیت‌ها این است که یک درآمدی از این راه کسب کنیم و برو بیایی برای شخص و اداره راه بیندازیم و به نوعی اخلاص در کار نباشند، خوب در اینجا کار جواب نمی‌دهد. گرچه آن کار قرآنی هم باشد، یعنی شما کار قرآنی انجام بدهید اما هدف‌تان چیز دیگری باشد. ولی اگر هرکس در ارگان خودش دل سوزی و علاقه نشان دهد و کار را به خوبی انجام بدهد و نیت‌اش خالص باشد، مردم نسبت به مسوولین اعتماد پیدا می‌کنند و اعتماد مردمی باعث برکت کار خواهد شد.

■ **یعنی شما معتقدید که مقصر نیروی انسانی‌ست و ساختار در این قضیه دخیل نیست؟**
ساختار هم مشکل‌ساز است. همین که ما می‌گوییم زیرنظر اداره‌ای خاص نمی‌رویم به خاطر این است که محدودیت ایجاد می‌کنند و ما را در بند بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌کنند. در یک اداره آدم اگر می‌خواهد کاری انجام بدهد فقط در چارچوب خودش می‌تواند کار را انجام دهد و برای کار اضافه دست‌اش بسته است. یعنی هم به شخص برمی‌گردد و هم به ساختار.

■ **برای یک کار می‌گذارند بسیار مهم است. گاهی وقت‌ها نیت‌ها این است که یک درآمدی از این راه کسب کنیم و برو بیایی برای شخص و اداره راه بیندازیم و به نوعی اخلاص در کار نباشند، خوب در اینجا کار جواب نمی‌دهد. گرچه آن کار قرآنی هم باشد، یعنی شما کار قرآنی انجام بدهید اما هدف‌تان چیز دیگری باشد. ولی اگر هرکس در ارگان خودش دل سوزی و علاقه نشان دهد و کار را به خوبی انجام بدهد و نیت‌اش خالص باشد، مردم نسبت به مسوولین اعتماد پیدا می‌کنند و اعتماد مردمی باعث برکت کار خواهد شد.**

■ **برای یک کار می‌گذارند بسیار مهم است. گاهی وقت‌ها نیت‌ها این است که یک درآمدی از این راه کسب کنیم و برو بیایی برای شخص و اداره راه بیندازیم و به نوعی اخلاص در کار نباشند، خوب در اینجا کار جواب نمی‌دهد. گرچه آن کار قرآنی هم باشد، یعنی شما کار قرآنی انجام بدهید اما هدف‌تان چیز دیگری باشد. ولی اگر هرکس در ارگان خودش دل سوزی و علاقه نشان دهد و کار را به خوبی انجام بدهد و نیت‌اش خالص باشد، مردم نسبت به مسوولین اعتماد پیدا می‌کنند و اعتماد مردمی باعث برکت کار خواهد شد.**

### کارنامه مجمع‌القرآن

بعد از جنگ مردان رزمنده با تنی زخمی به شهر باز می‌گردند. سال ۷۲ عده‌ای از همین رزمندگان، با هدف ترویج قرآن و مکتب اله‌بیت علیهم‌السلام با روحیه‌ای بسیجی، مجمع القرآن را در مسجد امام حسن مجتبی علی‌السلام تأسیس می‌کنند. مرحوم حمید رایگان، مسعود محسن زاده، یعقوب صادقی، سید جعفر خلیلی و چند نفر دیگر موسسین مجمع‌اند.

با گذشت بیست سال از فعالیت‌های مجمع‌القرآن، اکنون می‌توان به بررسی این سازمان فعال غیردولتی در زمینه‌ی قرآنی پرداخت. ذبیح‌اله سعادت از قاریان شهر درباره‌ی لزوم تأسیس مجمع‌القرآن می‌گوید: «در دهه‌ی هفتاد وجود یک مرکز قرآنی و جوو قرآنی نیاز جامعه بود که مجمع‌القرآن این نیاز را برطرف کرد». در آن سال‌ها، جدای از کلاس‌ها و جلسات قرآنی، مراسم‌ها قابل توجه‌ای نیز برگزار می‌شد. سینه‌زنی گراشی (بوشهری) و دعای عرفه از مجمع‌القرآن شکل می‌گیرند و در سال‌های ۷۷ و ۷۸، شب‌خاطره یا حضور رزمندگان در زیرزمین مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام برگزار می‌شود.

در دهه‌ی هفتاد مجمع‌القرآن به خوبی می‌تواند نوجوانان و جوانان بسیاری را جذب کند و در فرهنگ شهر و خانواده‌ها تاثیر به‌سزایی را بگذارد. مرضی درازی از اولین ورودی‌های مجمع‌القرآن و دبیر ریاضیات مدارس گراش در این‌باره می‌گوید: «برکت قرآن و مجمع‌القرآن طوری بوده که به زندگی من و امثال من آرامش و جهت بخشیده است.»

با ورود به دهه‌ی هشتاد فعالیت‌های مجمع‌القرآن روند دیگری به خود می‌گیرد. افتتاح مدرسه قرآنی بشارت و اعزام نیروهای قرآنی به استان‌ها، دو عامل مهم در این روند هستند. مهدی عالمی در بیان مقایسه می‌گوید: «دهه‌ی هفتاد ششور و شفع خاصی بین بچه‌ها بود اما الان با وجود کار



### از مکتب‌خانه‌ها تا مدارس قرآنی

در سال‌های قبل و بعد از انقلاب بساط مکتب‌خانه‌ها پرچیده شدند و جای خود را به کلاس‌های آموزشی دادند که دیگر مانند سابق قرآن‌آموزی نداشتند. در آن سال‌ها مساجد به مراکز فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی تبدیل شدند. محفل‌های قرآن‌خوانی در شبستان مسجدهای دروازه، حوض، حاجی‌رضا، الغدیر و اشبخ حسن، جوان‌های قرآن‌خوان را برای روزهای دفاع از انقلاب آماده می‌کند. این روش یعنی قرآن‌خوانی شبستانی حالا هم کمابیش در برخی از مسجدها به‌خصوص در ماه رمضان برگزاش می‌شود. حوزه علمیه و روحانیون در این زمینه نقش عمده‌ای دارند. حالا بگذریم از اینکه چرا برخی از روحانیون ما هنوز خودشان بر خواندن قرآن تسلط ندارند و فقط نمازخوان مسجدند و بس! در سال‌های جنگ مساجد سنگر خدا می‌شوند و پایگاه‌های بسیج در کنار مساجد کانون پرقدرت فعالیت‌ها می‌شوند. در این سال‌ها قرآن‌آموزان مجاهد، یافتند که قرآن را باید با تدتیر تلاوت کنند.

■ **«بیاید با قرآن مانوس شوید» در مسجد الغدیر**

مجاهدینی که دستور خود را از قرآن آموختند، در فرصت‌هایی که در شهر هستند محفل انس با قرآن دارند. بعد از گذشت چند سال مسجد الغدیر با شعار «بیاید با قرآن مانوس شوید» کانون فعالیت‌های قرآنی می‌شود. شهید علی‌اکبر عظیمی درس تفسیر می‌دهد. شهید مسعود درویشی برای اولین‌بار قرآن عثمان‌طه را از لبنان به گراش می‌آورد. شهید احمد فروزان و احمد ایزدی قرآن‌آموزی و تلاوت قرآن را شروع می‌کنند.

یعقوب صادقی، ابراهیم مهربانی، مرحوم هانی جعفری و…، بانیان این کار قصد دارند با هماهنگی هیات‌امنا مسجد (زین‌العابدین خواجehزاده، رضا ایزدی، میرزا عالمی و…) زیرزمین مسجد را در اختیار بگیرند و برای همیشه یک سازمان قرآنی را در آن جا تشکیل دهند. اما.. حالا تنها یادگار آن روزها پارچه‌ی سفیدی است که شب‌های ماه مبارک رمضان در مسجد حضرت ولی عصر (عج) زیر رحل‌های قرآن می‌اندازند.

■ **مجمعی می‌آید!**

یعقوب صادقی می‌گوید: مرحوم حمید رایگان، آن اواخر سال‌های فعالیت‌مان در مسجد الغدیر به جمع ما پیوست. برای فعالیت‌های قرآنی بسیار شوق و علاقه داشت. ما «حمید قرآنی» را از آن‌جا شناختیم. فعالیت‌های مسجد از فعالیت‌های تعطیل شد، حمید به فکر راه‌اندازی یک مجمع قرآنی در جای دیگری بود و بالاخره پس از تلاش‌ها در سال ۷۲ به همراه مسعود محسن‌زاده در زیرزمین مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام، مجمع‌القرآن را تأسیس کردند و مسعود مسئول مجمع شد.

حمید و علی عظیمی، یوسف مهیایی، مهدی عالمی، مرضی دارشی، قدرت فانی، محمدعلی ستوده، عبدالمحسن محسن‌زاده و… اولین نسل قرآنی مجمع‌القرآن‌اند.

■ **انس عمومی با قرآن**

به لطف قرآن و بچه‌های جهادی مجمع‌القرآن و دیگران، حالا کم‌تر کسی از نسل ما جوانان پیدا می‌شود که به کلاس روخوانی و حفظ قرآن نرفته باشد. دیگرانی همچون خانم خمسی، سعادت، خواهران و مادران را با قرآن مانوس می‌کنند. خانم سعادت همسر حاج یعقوب صادقی به همراه خانم عظیمی و خانم روانبخش در منزل خودشان و یا پایگاه مقاومتی فاطمیه (سلام‌الله‌علیها علاوه براینکه خودشان روخوانی، حفظ و تفسیر قرآن کار می‌کنند، به دیگران هم آموزش می‌دهند. برخی از خانم‌های قرآن‌آموز پس از آموزش روخوانی و حفظ چند جزء به حلقه‌ی قرآن‌آموزان خانم خمسی می‌پیوستند تا حفظ قرآن را تخصصی دنبال کنند. ده حافظ کل قرآن نتیجه‌ی تلاش خواهران در زمینه‌ی قرآنی است. این‌ها نمونه‌هایی از تلاش‌های قرآنی در این چندین سال اخیر بوده است و بدون شک بوده‌اند کسان دیگری که این حلقه‌های قرآن‌آموزی را داشته‌اند اما چون جایی ثبت نشدند و برای خدا ثبت کردند، در مشق ما نیامده است و در عشق به خدا آمده است.



مسابقات قرآنی مرحله پنج‌گانه دانش‌آموزی- فروردین ۱۳۸۱ [عکس: مهدی وفاپن‌فرخ]

■ **اداراتی خادم‌القرآن**

در چهار گوشه‌ی شهر، چهار بخش و سازمان نقش عمده‌ای در قرآن‌آموزی دارند. اولین اداره که بیش‌ترین نقش را دارد، اداره اوقاف و امورخیریه است. ابراهیم نظری مسئول جدید فرهنگی اداره اوقاف گراش درباره‌ی فعالیت‌های قرآنی اوقاف تنها به فعالیت‌های مرکز انشاره می‌کند و خبری از فعالیت‌های قرآنی این اداره نیست اما این وعده را به ما می‌دهد که در برنامه‌ی جدید تربیت حافظان قرآن، ۱۰۰ نفر سهمیه به گراش داده شده‌است که در توافق با آموزش و پرورش قرار است، اوقاف نقیض حمایت مالی را داشته باشد.

دومین بخش، سازمان تبلیغات گراش است، محمدحسن نام‌آور مسئول فعالیت‌های قرآنی این اداره بود که در استان توانست برای سازمان تبلیغات گراش رتبه‌های خوبی را در این زمینه کسب کند. دارالقرآن‌های گراش زیرنظر این سازمان اداره می‌شوند.

سومین بخش، اداره آموزش و پرورش گراش است. معاونت تربیتی این اداره متولی فعالیت‌های قرآنی‌ست. با ارتقا دایره تربیتی به معاونت تربیتی، توجه به قرآن نیز به تبع در این اداره بیش‌تر می‌شود. برگزاری مسابقات قرآن، آماده‌سازی دانش‌آموزان برتر برای شرکت در مسابقات پنج‌گانه، تأسیس شش مدرسه قرآنی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ و برگزاری طرح ملی حفظ بخشی از فعالیت‌های این اداره است. یوسف مهیایی مسئول معاونت تربیتی اداره آپ معتقد است که سازمان بیش از آنکه به مسابقات اهمیت بدهد باید به آموزش قرآن توجه داشته باشد.

چهارمین بخش، سپاه، بسیج و حوزه‌ی علمیه هستند. در این بخش تربیت نیروهای قرآنی هم‌ت‌ر از قرآن‌آموزی می‌باشد.

■ **جامعه‌ی پیشرو**

برای این که بتوانیم جامعه‌ای را به وجود بیاوریم که هم از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب‌ماندگی نباشد و هم پیشرو باشد و بر روی زندگی دنیا اثر گذار باشد و در عین حال از لحاظ معنویت دچار افت‌های معنوی نباشد، قرآن و عمل به آن لازم است. جامعه اسلامی این‌طوری است.

کنیم

یکی از بحث‌های مهم تربیتی خودباوری‌ست. ما سعی کردیم خودباوری را در بچه‌ها به وجود بیاوریم. همین مجمع‌الذاکرین از بچه‌های مجمع‌القرآن هستند. آقای حسین شیرینی را ما می‌گفتیم که شما بیایید اینجا برای ما روضه بخوانید. ما در اوایل کار این حس اعتماد به نفس و خودباوری را نداشتیم. خوب این احساس در میدان اجتماع هم وارد شده است و شما می‌بینید که امروز بچه‌های ما می‌آیند ادارات را در دست می‌گیرند. این یکی از برکات قرآن است.

■ **در روابط دوستی چه مبنایی برای بچه‌ها داشته‌اید؟**

هر کسی که خود را تابع قرآن می‌دانسته است مجمع‌القرآنی بوده است. یعنی

نیامدیم خوب یا بد کنیم. خیلی از بچه‌ها الان وارد بازار کار شده‌اند و دیگر آن وقت را ندارند تا در مجمع باشند و ما هم چنین توقعی نداریم. خیلی از مهندسیین و دکترهای جامعه خروچی مجمع‌القرآن‌اند. مهندس قدرت فانی نمونه‌ای از این جمع است. ما می‌بینیم که ایشان مانند یک فرمانده جبهه و جنگ کار می‌کند. یکی از اهداف ما در مجمع، نیروسازی است و این خیلی هدف مهمی است. نیروسازی یعنی چه؟ خوب حالا نتایج‌اش این می‌شود که متوسل به سازمان‌هایی بشوند که با آزادی بیشتری فعالیت دارند و رابطه خوبی هم با مردم دارند. حالا مایلی که داریم کار انجام می‌دهیم، اگر بگوییم همکاری نمی‌کنیم موجب می‌شود که اداری مربوط به گراش یک سری امتیازات را از دست بدهد و از آن سو ما نیز نیازمند به مقبولیت و اعتماد جامعه یا به تعبیر شما پایگاه اجتماعی را نداشته باشیم، نمی‌توانیم آن بحث نیروسازی را انجام بدهیم.

■ **آقای محسن‌زاده بحث نیروسازی برای‌تان مهم‌تر بوده یا اینکه یک پایگاه اجتماعی در شهر داشته باشید؟**

هر دو باید با هم باشند، تا وقتی که ما مقبولیت و اعتماد جامعه یا به تعبیر شما پایگاه اجتماعی را نداشته باشیم، نمی‌توانیم آن بحث نیروسازی را انجام بدهیم.

■ **مجمع، بچه‌ها را تا یک سطح می‌رساند اما بعد از آن بچه‌ها یک حالت رهاشدگی پیدا می‌کنند. برنامه‌ی تان برای این مساله چیست؟**
ما با بچه‌های زیادی برای تربیت داریم ولی در این مشکلات اگر ما می‌توانستیم وسعت به کارمان ببخشیم خیلی خوب می‌شد. اما بحث این است که نمی‌توانیم. از لحاظ وقتی، مادی و نیروی انسانی.

■ **یکی دو سال قبل در محفل انس با قرآن ماه رمضان، بعد از قرائت قاری مصری، نوبت به آقای فردفانی رسید که تلاوت کنند اما همین که قرائت آن مصری به پایان رسید، نصف جمعیت سالن بلند شدند و رفتند. به نظر شما چرا مردم چنین رفتاری را از خود نشان دادند؟**

هر چیزی تابع شرایط آن زمان خود است. یک بخش برمی‌گردد به برنامه‌ریزی ما که به مرور باید این تجربه‌ها را کسب کنیم. الان دیگر برنامه قرائت قاری خارجی را پایان مراسم می‌گذاریم. یک بخش دیگر برمی‌گردد به اینکه مردم در ماه رمضان خسته‌اند و یا اینکه کار دارند. شاید این رفتار ده درصد به آن چیزی که ما فکر می‌کنیم ربط داشته باشد.

■ **برنامه‌ی دهه‌ی سوم فعالیت‌های مجمع‌القرآن چیست؟**

ساختمان اصلی و همیشگی‌مان انشاله در چند سال آینده افتتاح خواهد شد که در پی آن ما یک تشکیلات منظم آموزشی و تفریحی را خواهیم داشت.

دومین کار احداث دارالتحقیظ است که این بنابر فرمایش مقام معظم رهبری است که ما تا ۵ سال آینده باید ۱۰ میلیون حافظ در کشور داشته باشیم. ما به دنبال آن هستیم تا با تعامل با استهپان و یا به صورت مستقل این کار را انجام بدهیم. برنامه‌ی دیگر تعامل با دانشکده‌ی علوم قرآنی‌ست. چیز دیگری که مدنظر داریم این است که یک مدرسه قرآنی از آموزش و پرورش و بصورت رسمی در اختیار ما قرار گیرد که دبستان قرآنی را هم داشته باشیم.

البته کار ما در بخش برادران است. چون برای خواهران دوستان دیگری زحمت می‌کنند و البته این را مدنظر داریم که فعالیت‌ها به صورت تعاملی باشند.

■ **سال آینده تحصیلی کجا مشغولید؟**

انشاله در اداره آموزش و پرورش معاونت پرورشی خواهم بود.





آبیوم حمید رابگان



علی غفلی، حسینی، علی محمدی، هانی محسن‌زاده



سید جعفر خلیلی- علی عظیمی- نصرالله نادریور



آبیوم حمید رابگان



پایکام مسجد صاحب‌الزمان (عج)– آبیوم حمید رابگان

۱۰۰ خاطره [روز، ناطقه یوستی]

## تب بلندگو

خیلی‌ها در سن نوجوانی احساس خوش‌صدایی دارند. تشویق اقوام و والدین هم پسرپرچه‌ها را مشتاق می‌کند که در این فعالیت اجتماعی شرکت داشته باشند.

می‌خواهیم این شماره به دوران کودکی و نوجوانی عده‌ای سر یزнім که نوای اذان و اقامه‌ی آن‌ها در مساجد شهر طنین‌انداز می‌شد و حالا مردانی شده‌اند که با لبخندِ آن خاطره‌ها را به یاد می‌آورند

☐ **الان نوبت منه!**

آن نماز با همه نمازهایی که خوانده بود فرق داشت. اشتباه نکنید، موضوع اصلاً به معنویات و این مسائل مربوط نیست. قرار است علی بیستم و سه‌ساله، خاطر‌های از روزهای نوجوانی‌اش برام تعریف کند: «همه چیز از سکوت بعد از تکبیرالاحرام شروع شد. یک نفر با صدای بلند در بلندگوی مسجد داد کشید: «نوبت منه!» و صدای دیگری که جواب داد: «مغرب رو تو گفتی. الان نوبت منه!» به الله اکبر و سبحان الله که رسید، صدای قاپیدن بلندگو بین دستان دو نفر حسابی آدم را به هیجان می‌آورد، طوری که چند پیرمرد با صدای بلند شروع کردند به الله اکبر گفتن! رکعت دوم دعای بین دو مکبر نوجوان بالا گرفت، و این شد که هرکدام‌شان ساز خودشان را می‌زدند: یکی می‌گفت: «ربنا لک الحمد» و کلمات را می‌کشید، و دیگری می‌گفت: «قنوت!» رکعت سوم که رقابت بین دو مکبر به اوج خود رسید، اشتباهات لفظی هم اضافه شد! نماز تمام شد و سی چهل نفر نمازگزار که از رقابت بین این دو مکبر به وجد آمده بودند باید برنده‌ی این مسابقه را تعیین می‌کردند. حالا خودتان حدس بزنید سرنوشت آن دو مکبر به کجا ختم شد!»

☐ **اذان‌گوی آن‌لین**

این قصیه شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد؛ قصیه آن کلاغی که می‌خواست راه رفتن کبک را یاد بگیرد، راه رفتن خودش هم یادش می‌رود. می‌گویید نه؟ پس خاطره مصطفی دوازده‌ساله را به عنوان نمونه بخوانید: «ماهه می‌شدم تا اذان ظهر را بگویم که یک نفر وارد اتاق صوت شد و با اعتماد به نفس عجیبی روبه‌رویم ایستاد و گفت: «صدای خوبی دارم و می‌خواهم اذانی بگویم که تا حالا هیچ کس نشنیده». و بعد از من خواست تا نوبت‌ام را به او بدهم. بلندگو را به او دادم و از اتاق بیرون آمدم. صدای اذان بلند شد. صدایی پر از مک‌های طولانی و کیش و قوس‌های نامتعادل! مثلاً شما فرض کنید چیزی در این مایه‌ها: «الله اکبَرَسَـرْ» تا اینجا! کار ما ندانان روی جگر گذاشتیم و تحمل کردیم. ولی اواسط اذان گفتن، صدای زنگ گوشی نوکیا از بلندگوی مسجد پخش شد و اذان گفتن قطع شد! وارد اتاق صوت شدم، دیدم مودن نوجوان در حال مکالمه با مادر محترمه‌اش است! البته چون یادش آمد در حال اذان گفتن است، سریع گوشی را قطع کرد و هدفون را در گوشش گذاشت و شروع کرد در گالری موبایلش به دنبال صدای مودن معروف گشتن! آنجا بود که دوزاری‌ام افتاد که همه‌ی این صداهای عجیب و غریب به خاطر سعی در تقلید از آن مودن معروف است.»



مسجد حجاج «صباح پیر مکرم» (عکس: محمدابین نوبهار)

☐ **گشتمه خوب!**

این خاطره را سال اولی‌هایی که امسال روزه گرفته‌اند خیلی خوب می‌توانند درک کنند. سعید مکبر مسجد محله‌شان است و اولین باری را که روزه گرفت هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند، چون با آن خاطره دارد: وقتی که اذان مغرب تمام می‌شود، نمازگزاران آماده می‌شوند برای اقامه نماز. سعید که مکبری نماز مغرب را بر عهده داشت، در رکعت دوم می‌بیند دوستش کلوجه به دست دم در ایستاده است. او هم بلندگو را می‌گذارد زمین و سریع به طرف دوست‌اش می‌رود و حسابی دلی از عزا در می‌آورد! وقتی برمی‌گردد که مکبری‌اش را ادامه دهد، می‌بیند نماز تمام نشده و امام جماعت سلام داده است! سعید که نگاه چپ‌چپ مردم را می‌بیند فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد.

☐ **آن الله و ملائکته یصلون علی النبی**

محمدحسین ۳۳ ساله در حال حاضر یکی از مکبرهای مطرح شهرستان محسوب می‌شود، ولی به دلایلی از ما می‌خواهد نام فامیل‌اش مخفی بماند. او دو خاطره دارد. اولین خاطره مربوط می‌شود به چهار پنج سالگی‌اش، یعنی زمانی که مکبر مسجد صاحب‌الزمان (عج) بود. مرسوم است بعد از تمام شدن نماز، مکبرها ای‌های را می‌خوانند تا مردم بعد از آن صلوات بفرستند. محمدحسین که چند روزی می‌شد این آیه را حفظ کرده بود، تصمیم می‌گیرد بعد از تمام شدن نماز این آیه را بخواند، اما از بخت بد همان موقع اضطراب می‌گیرد و هول می‌شود و این آیه را این‌طور می‌خواند: «آن الله و ملائکته یصلون علی النبسی یا ایها الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر!» با این اشتباه کل نمازگزاران مسجد صاحب الزمان (عج) را می‌خندانند. امام جماعت که خجالت کشیدن محمدحسین را می‌بیند او را در آغوش می‌گیرد و می‌پوسد.

☐ **چن تا قنوت؟**

آن سال نماز عید فطر در مصلا به مکبری محمد نام‌آور برگزار می‌شد. محمدحسین و دوست‌اش که هم سن و سال خودش بود در آن نماز شرکت کردند. رکعت اول تمام شد و رکعت دوم شروع. قنوت چهارم که تمام شد، مکبر گفت رکوع. محمدحسین که فکر می‌کرد مکبر قنوت پنجم را فراموش کرده در حال رکوع رفتن در عین نماز می‌گوید: «وووووووی! مَه پنج قنوت اوشنی؟» «آه! منگ پنج قنوت نداره!» تا اینجا کار فقط نماز محمدحسین باطل شده و اتفاق خاصی نیفتاده است. اما جالب این است که دوست‌اش که کنار محمدحسین در صف نماز ایستاده بود، بلافاصله در پاسخ به محمدحسین می‌گوید: «نه، رکعت دوم چهار تا قنوت اوشه!» و ناخواسته به خاطر او نماز دوست‌اش هم باطل می‌شود.



☐ **پرونده–۴**

مهدی وفا‌ئی فرد

مقام معظم رهبری در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی، در روز اول ماه رمضان سال قبل، برحفظ قرآن به‌صورت جدی تأکید کردند و فرمودند ما باید حداقل یک‌میلیون حافظ کل قرآن کریم داشته باشیم. با توجه به نسبت جمعیتی، گرایش باید حداقل ۴۰۰ حافظ داشته باشیم. یک پروژه‌ی بزرگ و همگانی که برنامه‌ریزی و هماهنگی دقیق ادارات و ارگان‌های دولتی متولی امور قرآنی و مراکز قرآنی شهر را می‌طلبد.

اولین حرکت‌ها در راستای اجرای این خواسته‌ی رهبری، نصب تابلوهایی با عنوان «مدرسه قرآن» بر سر در مدارس شهر بود؛ بعد از آن ولی حرکت روشنی انجام نشده است. اما قبل از این خواسته‌ی مقام معظم رهبری، قدم‌هایی خودجوش و مردمی در راه حفظ قرآن در شهر گرایش برداشته شده است. در این گزارش سراغ حافظان شهر می‌رویم تا ببینیم چه‌مقدار از مسیر طی شده است و تا حداقل‌ها چهقدر فاصله داریم.

☐ **آیا راه حفظ آقایان از استهیان می‌گذرد؟!**

سال ۱۳۸۶ به پیشنهاد حجت‌الاسلام شیخ مسلم محسن‌زاده به بجه‌های مجتمع‌القرآن، گروهی ۵- نفره راهی استهبان می‌شوند تا حفظ کل قرآن را شروع کنند؛ مجتبی خاکی‌نهاد، مجتبی فردفانی، احمدرضا سالاری، عبدالرضا ابراهیمی و مهدی پرهیزگار. موسسه‌ی قرآنی بیت الاحزان حضرت فاطمه سلام‌علیها، تنها مدرسه‌ی شبانه‌روزی قرآن در کشور است که در دوره‌ای یک ساله حافظ کل قرآن کریم پرورش می‌دهد. هرچند این موسسه دولتی نیست و مردمی اداره می‌شود، ولی بیش از ۱۰۰ شعبه در سراسر کشور دارد، که مرکز آن در استهبان است و به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند. این موسسه مکانی را در روستای «لا‌ی خرمی» در پانزده کیلومتری استهبان در نظر گرفته است که به دلیل آب و هوای مناسب و دوری از فضای شهری، مکان مناسبی برای حفظ قرآن به شمار می‌رود و هرساله افراد زیادی را از سراسر کشور – حتی از تهران و مشهد – به خود جذب می‌کند.

گرایش‌های پس از یک سال حضور در این موسسه، به عنوان حافظ کل قرآن به گرایش برگشتند و مردم هم از آنان به عنوان اولین حافظان شهر گرایش، استقبال کردند. حضور این حافظان در برنامه‌های مختلف قرآنی باعث شد سال

بعد از ۸ نفر راهی استهبان شوند. بعد از حدود ۲ ماه، عبدالمهدی پرده‌نشین، سعید بصیری، مصطفی سازنده و محمد فخری ماندنی شدند و مجتبی عالی‌پور، حمید شکوهی، حبیب اسماعیلی و احمد عزیزی به دلیل قبولی دانشگاه موسسه دولتی نیست و مردمی اداره می‌شود، ولی بیش از ۱۰۰ شعبه در سراسر کشور دارد، که مرکز آن در استهبان است و به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند. این موسسه مکانی را در روستای «لا‌ی خرمی» در پانزده کیلومتری استهبان در نظر گرفته است که به دلیل آب و هوای مناسب و دوری از فضای شهری، مکان مناسبی برای حفظ قرآن به شمار می‌رود و هرساله افراد زیادی را از سراسر کشور – حتی از تهران و مشهد – به خود جذب می‌کند.

گرایش‌های پس از یک سال حضور در این موسسه، به عنوان حافظ کل قرآن به گرایش برگشتند و مردم هم از آنان به عنوان اولین حافظان شهر گرایش، استقبال کردند. حضور این حافظان در برنامه‌های مختلف قرآنی باعث شد سال

بعد از ۸ نفر راهی استهبان شوند. بعد از حدود ۲ ماه، عبدالمهدی پرده‌نشین، سعید بصیری، مصطفی سازنده و محمد فخری ماندنی شدند و مجتبی عالی‌پور، حمید شکوهی، حبیب اسماعیلی و احمد عزیزی به دلیل قبولی دانشگاه موسسه دولتی نیست و مردمی اداره می‌شود، ولی بیش از ۱۰۰ شعبه در سراسر کشور دارد، که مرکز آن در استهبان است و به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند. این موسسه مکانی را در روستای «لا‌ی خرمی» در پانزده کیلومتری استهبان در نظر گرفته است که به دلیل آب و هوای مناسب و دوری از فضای شهری، مکان مناسبی برای حفظ قرآن به شمار می‌رود و هرساله افراد زیادی را از سراسر کشور – حتی از تهران و مشهد – به خود جذب می‌کند.

گرایش‌های پس از یک سال حضور در این موسسه، به عنوان حافظ کل قرآن به گرایش برگشتند و مردم هم از آنان به عنوان اولین حافظان شهر گرایش، استقبال کردند. حضور این حافظان در برنامه‌های مختلف قرآنی باعث شد سال

☐ **بودجه‌های قرآنی کجاست؟**

مجتبی فردفانی سال دوم دبیرستان از دبیرستان نمونه‌ی لار مرخصی می‌گیرد



☐ **گزارشی از راهی که**

حافظان نور در گرایش طی کرده‌اند

## ۲۰ نفری که باید ۴۰۰ نفر باشند

بعد از ۸ نفر راهی استهبان شوند. بعد از حدود ۲ ماه، عبدالمهدی پرده‌نشین، سعید بصیری، مصطفی سازنده و محمد فخری ماندنی شدند و مجتبی عالی‌پور، حمید شکوهی، حبیب اسماعیلی و احمد عزیزی به دلیل قبولی دانشگاه موسسه دولتی نیست و مردمی اداره می‌شود، ولی بیش از ۱۰۰ شعبه در سراسر کشور دارد، که مرکز آن در استهبان است و به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند. این موسسه مکانی را در روستای «لا‌ی خرمی» در پانزده کیلومتری استهبان در نظر گرفته است که به دلیل آب و هوای مناسب و دوری از فضای شهری، مکان مناسبی برای حفظ قرآن به شمار می‌رود و هرساله افراد زیادی را از سراسر کشور – حتی از تهران و مشهد – به خود جذب می‌کند.

پس از یک‌سال حفظ قرآن دوباره به مدرسه باز می‌گردد؛ موضوعی که برای عبدالمهدی پرده‌نشین حل نشدنی بود. عبدالمهدی شاگرد زرنگی بود و در رشته‌ی ریاضی دبیرستان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> درس می‌خواند. دبیرش‌اش را که تمام کرد، تصمیم گرفت حفظ قرآن کار کند. و یا اعزام به خدمت سربازی به گرایش به اداره‌ی آموزش و پرورش می‌رود تا درباره‌ی یک‌سال مرخصی تحصیلی بپرسد. جواب حسابی نمی‌گیرد و در آخر قرآن یک برنامه‌ی منسجم داشته می‌گوند مشکلی نیست و می‌تواند بعد از یک‌سال برگردد و پیش‌ناشنگ‌اش می‌گوید این دومین تابستانی‌ست که برای تدریس حفظ به استهبان آمده است. در کنار او، سعید بصیری هم به استهبان آمده است و یکی از سرپرست‌های موسسه به شمار می‌رود. مجتبی خاکی‌نهاد هم با همسرش به استهبان کوچ کرده و تمام وقت در این موسسه مشغول به کار است.

به سراغ مجتبی فردفانی می‌روم که حالا دانشجوی رشته‌ی فنون قرآنت، تلاوت و کتابت قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد است. به او که تلقن می‌کنم می‌گوید این دومین تابستانی‌ست که برای تدریس حفظ به استهبان آمده است. در کنار او، سعید بصیری هم به استهبان آمده است و یکی از سرپرست‌های موسسه به شمار می‌رود. مجتبی خاکی‌نهاد هم با همسرش به استهبان کوچ کرده و تمام وقت در این موسسه مشغول به کار است.

☐ **بودجه‌های قرآنی کجاست؟**
مجتبی فردفانی سال دوم دبیرستان از دبیرستان نمونه‌ی لار مرخصی می‌گیرد

☐ **گفتگو با احمد رستم‌پور، مدیر کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان گراش**

## میزان کمک‌ها در شأن گرایش نیست

باید واسطه‌ی خیر باشیم بین خیرین و مددجویان. در شهرستان گراش الحمدالله کمک‌های خوبی به مددجویان می‌شود، ولی دیده می‌شد که بعضی از آنها، چند جا پهرموند می‌شدند و بعضی‌ها به هیچ جا مراجعه نمی‌کردند و بی‌په‌ره می‌مانند. این بود که به ذهن‌مان رسید که به شکل یک ستاد که البته با تفاوت‌هایی در جاهای دیگر هم وجود دارد، این کمک‌ها را سامان دهی کنیم. استارت کار را از امسال زدیم. اصلی ستاد علاوه بر کمیته امداد، موسسه خیریه امام علی (ع)، هلال احمر و مسجد صاحب الزمان هستند. هم‌سازان ما که خیرات و برکات مردم را با هماهنگی همدیگر جمع‌آوری کنیم و بدون اینکه همپوشانی شود، بین مددجویان تحت پوشش این چند نهاد تقسیم شود. توانستیم حدود ۵۰۰ خانوار را شناسایی کنیم و از هفته دوم رمضان، بسته‌های کالایی شامل برنج، روغن، حبوبات و اقلام خوراکی دیگری به میزان جمعیت خانوارها توزیع می‌شود.

☐ **علاوه بر این ستاد رمضان، تعامل‌تان با صندوق‌ها و ارگان‌های مردمی دیگر چگونه است؟**

ضمن تشکر از نوع‌دوستی و خیراندیشی مردم گراش، باید بگویم انتظارمان خیلی بیشتر از اینهاست. کمیته امداد امام خمینی (ره) یک نهاد مردمی و انقلابی است و برمجوعه نهاد ولایت فقیه، دولتی نیستیم ولی طی سی سال، برای کمیته امداد اعتبار دولتی در نظر گرفته می‌شند. ولی طی چند سال اخیر یک برنامه تحولی در کمیته امداد شکل گرفته است، چون عملکرد قدیم و

☐ **خانم‌ها و یک مدرسه‌ی قرآن خانگی**

وضعیت خانم‌ها هم مشابه آقایان است؛ ۱۰ نفر حافظ کل قرآن کریم. خانم‌ها راضیه صفرپور، مریم پورشمسی، فاطمه خواجه‌پور، صدیقه پوربین، معصومه حاجی‌زادگان، سلیمه رنجبر، صدیقه حسینی، راضیه حسینی و بتول فردفانی کسانی هستند که موفق شده‌اند حافظ کل قرآن شوند. اولین حافظ کل از بین خانم‌ها، راضیه حسینی است؛ که سال ۱۳۸۱ موفق می‌شود تمام قرآن را حفظ کند

نکنه‌ی جالب این‌جاست که همه‌ی این خانم‌ها ۱۰ نفر زیر نظر خانم فاطمه خواجوی به حفظ قرآن پرداخته‌اند. خانم خواجوی سال ۱۳۶۴ و بلافاصله پس از ازدواج، کلاس‌های روخوانی و روان‌خوانی قرآن برای اقوام و همسایه‌ها را در منزل‌اش شروع و سال ۱۳۷۰ هم حفظ سوره الرحمن را با دخترش و یکی از همسایه‌ها آغاز می‌کند. با تشویق این دو در مدرسه‌ی ابتدایی قلندی، حدود ۲۰ نفر از دانش‌آموزان این مدرسه علاقه‌مند به حفظ قرآن می‌شوند. بعد از حدود ۴ تا ۵ سال با روش حفظ قرآن در تابستان‌ها و مرور در ایام مدرسه، ۱۰ نفر از این تعداد، حافظ کل و بقیه نیز حفظ جزء‌های زیادی از قرآن می‌شوند.

فعالیت‌ها قرآنی خانم خواجوی البته فعالیت‌ها قرآنی خانم خواجوی به حفظ خلاصه نشده و هنوز هم فعالیت‌های قرآنی او ادامه دارد. و روان‌خوانی، تجوید و مفاهیم و کلاس‌های تربیتی؛ که شرح فعالیت‌های مذهبی و قرآنی ایشان، وقت دیگری می‌طلبد. کسی که یک تنه برای خانم‌ها یک مدرسه‌ی قرآنی بوده است!

صحبت کردن با خانم‌ها کمی سخت است. حالا راضیه صفرپور، معصومه حاجی‌زادگان، راضیه حسینی و فاطمه‌خواجه‌پور در واحد خواهران مدرسه‌ی قرآنی بشارت به آموزش قرآن مشغول‌ند، تا راه خانم خواجوی را ادامه دهند.

معصومه حاجی‌زادگان حفظ را سال ۱۳۷۳ و از پنجم ابتدایی زیر نظر

صوت خوش‌اش می‌شناسیم. صوتی که

☐ **این ۲۰ نفر از آن ۴۰۰ نفر**

اسموز این حافظان قرآن کریم، که سرمایه‌های گرایش هستند، نه‌تنها جایگاهی در این شهر ندارند، که گاهی با بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شده‌اند و هیچ‌کدام از دستگاه‌های دولتی نیز حمایتی از ایشان نداشته‌اند. موسسه‌ی قرآنی استهبان و خانم خواجوی نیز هیچ‌کدام به بودجه‌های کلان دولتی دسترسی نداشته‌اند و ندارند. حافظان کلاس‌ها قرآنی ایشان، وقت دیگری می‌طلبد. کسی که یک تنه برای خانم‌ها یک مدرسه‌ی قرآنی بوده است!

☐ **این ۲۰ نفر از آن ۴۰۰ نفر**

اسموز این حافظان قرآن کریم، که سرمایه‌های گرایش هستند، نه‌تنها جایگاهی در این شهر ندارند، که گاهی با بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شده‌اند و هیچ‌کدام از دستگاه‌های دولتی نیز حمایتی از ایشان نداشته‌اند. موسسه‌ی قرآنی استهبان و خانم خواجوی نیز هیچ‌کدام به بودجه‌های کلان دولتی دسترسی نداشته‌اند و ندارند. حافظان کلاس‌ها قرآنی ایشان، وقت دیگری می‌طلبد. کسی که یک تنه برای خانم‌ها یک مدرسه‌ی قرآنی بوده است!

صحبت کردن با خانم‌ها کمی سخت است. حالا راضیه صفرپور، معصومه حاجی‌زادگان، راضیه حسینی و فاطمه‌خواجه‌پور در واحد خواهران مدرسه‌ی قرآنی بشارت به آموزش قرآن مشغول‌ند، تا راه خانم خواجوی را ادامه دهند.

معصومه حاجی‌زادگان حفظ را سال ۱۳۷۳ و از پنجم ابتدایی زیر نظر

☐ **این ۲۰ نفر از آن ۴۰۰ نفر**

اسموز این حافظان قرآن کریم، که سرمایه‌های گرایش هستند، نه‌تنها جایگاهی در این شهر ندارند، که گاهی با بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شده‌اند و هیچ‌کدام از دستگاه‌های دولتی نیز حمایتی از ایشان نداشته‌اند. موسسه‌ی قرآنی استهبان و خانم خواجوی نیز هیچ‌کدام به بودجه‌های کلان دولتی دسترسی نداشته‌اند و ندارند. حافظان کلاس‌ها قرآنی ایشان، وقت دیگری می‌طلبد. کسی که یک تنه برای خانم‌ها یک مدرسه‌ی قرآنی بوده است!

صحبت کردن با خانم‌ها کمی سخت است. حالا راضیه صفرپور، معصومه حاجی‌زادگان، راضیه حسینی و فاطمه‌خواجه‌پور در واحد خواهران مدرسه‌ی قرآنی بشارت به آموزش قرآن مشغول‌ند، تا راه خانم خواجوی را ادامه دهند.

☐ **این ۲۰ نفر از آن ۴۰۰ نفر**

اسموز این حافظان قرآن کریم، که سرمایه‌های گرایش هستند، نه‌تنها جایگاهی در این شهر ندارند، که گاهی با بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شده‌اند و هیچ‌کدام از دستگاه‌های دولتی نیز حمایتی از ایشان نداشته‌اند. موسسه‌ی قرآنی استهبان و خانم خواجوی نیز هیچ‌کدام به بودجه‌های کلان دولتی دسترسی نداشته‌اند و ندارند. حافظان کلاس‌ها قرآنی ایشان، وقت دیگری می‌طلبد. کسی که یک تنه برای خانم‌ها یک مدرسه‌ی قرآنی بوده است!



و افراد بی‌سرپرست شامل فوت سرپرست و مطلقه و... مادر شهرستان گراش حدود هزار و دویست خانوار تحت پوشش داریم که جمعیتی حدود سه هزار نفر می‌شود. از این میان، حدود ۴۰۰ خانوار از شهر گراش است و بقیه از روستاها.

☐ **به‌طور کلی میزان کمک‌های دریافتی‌تان در سال گذشته چقدر بوده است؟**

در بخش صدقات، ماهانه در حدود ۷ تا ۸ میلیون تومان از صندوق‌های صدقات خارج می‌شود که به شکل درصدی در بخش‌های مختلف مثل جهیزیه و درمان و... هزینه می‌شود. کمک‌های خیرین را هم در اجرای طرح‌های مختلف داریم، مثل «طرح اکرام» که ماهانه حدود ۱۳ میلیون تومان به ما کمک می‌شود، موسسه امام علی (ع) و هیات امنای مسجد صاحب الزمان نقش خوبی در این زمینه دارند. در بخش‌های عمرانی هم کمک‌هایی دریافت می‌کنیم. ولی همه اینها باز هم در شان گراش نیست.

☐ **بزرگاری همایش؟**

ما چندین همایش برگزار کرده‌ایم، از جمله تحت عنوان زکات. اتفاقا یکی از مواردی که کمیته امداد را به سمت آن سوق داده‌اند، پیگیری بحث زکات است. این را هم به عنوان گله‌مندی عرض کنم که هرچند می‌دانم مردم متدین این شهر حتماً زکات‌شان را پرداخت می‌کنند، ولی متأسفانه از طریق کمیته هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد. مجری اصلی‌اش زکات کمیته امداد است. در جلسه‌ای، آمار زکات شهرستان‌های مختلف را خواندند و آمار ما پایین‌ترین آمار بود. من دفاع کردم که مردم همسرت حتماً زکات پرداخت می‌کنند، ولی از طریق دیگر پرداخت می‌کنند و خودشان راساً اقدام می‌کنند. جوابی که مسئولین ما دادند این بود که «پس شهرستان گراش نیازی به کمیته امداد ندارد.» خوب اگر این اتفاق بیفتد چه کسی ضرر می‌کند؟

☐ **کمیته امداد فرد را تحت پوشش می‌دهد یا خانوار را؟**

کمیته امداد سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل او را تحت پوشش قرار می‌دهد. مددجویان ما سه دسته‌اند: از کار افتاده‌ی سنی، از کار افتاده جسمی،

☐ **شما طرح مطالعاتی هم داشته‌اید که خیرین را به سمت آنها سوق بدهید؟ یا فقط پول‌ها را دست به**

☐ **تلاشی هم شده که این دید عوض شود؟ مثلاً در قالب چاپ پرورشو یا**





شعر صادق رحمانی

پیگیری خبر

پیگیری برای اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گراش

## بودجه ارشاد گراش در لار است

همه مهر و امضا کرده‌اند که ارشاد می‌خواهند. از مساجد تا گروه‌های فرهنگی و کتابفروشی‌ها. رییس اداره لار هم می‌گوید بودجه اینچنین در لار است ولی باید اداره خودتان باشد تا بودجه بدهیم. جشنواره کل در اما و اگر است. جشنواره نمایش کوتاه برگزار نشد. انجمن شاعران و نویسندگان برای برنامه دو سال پیش خود به‌هنگام است. برنامه‌های فرهنگی و هنری را اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی هر شهرستان اداره می‌کند، و اکنون که گراش شهرستانی مستقل ولی بدون اداره ارشاد است، این برنامه‌ها همچنان در حیطه اداره ارشاد لارستان باقی می‌ماند. ادارای که رییس‌اش تاکنون چندین بار تاکید کرده است هیچ مسئولیتی در قبال شهرستان گراش ندارد، و حتی بودجه‌ای که برای سال ۹۱ جهت اداره ارشاد گراش (که پارسل قرار بود تاسیس شود) در نظر گرفته شده را هم نزد خود نگه داشته است و در اختیار گروه‌های فرهنگی هنری گراش قرار نمی‌دهد.

### تنهاترین

شب آمد کوجهای کوفه تپدار چراغ ماه می‌سوزد دوباره چه باران‌ها نشسته بی‌سرانجام به ابر چشم‌های بی‌ستاره بیابان است و نخلستان و غربت شب است و ناله‌های سنگی چاه علی امشب سراغ من نیامد چه غمگین است این دل‌تنگی چاه علی چون سر درون چاه می‌کرد تمام حزن زهر بود با او برای بی پناهان غصه می‌خورد صدای گریه‌اش می‌رفت هر سو نمی‌آید صدای رنایش میان این همه فریاد امشب اگر زهر در این هنگامه بود کمک کن تا از این دلخستگی رها گردم خداوند کمک کن در آن غوغای پر آشوب انگار علی می‌گفت یا زهرای کمک کن برای کودکان کوفه امشب دل خونین زهرای داغدار است الا ای مصادر پهلوی شکسته زمین و آسمان تلگیز و تار است علی از خنجر نامرد می‌گفت علی با درد و دشنه آشنا بود بدی‌ها دید در این غربت خاک علی تنهاترین، مثل خدا بود همان‌هایی که با او یار بودند جفا را، دشمنی را بر گزیدند عدالت پیشگان فتنه انگیزا عدالت را چه آسان سر بریند علی از غربتش با چاه می‌گفت نگاهش شعله در آینه می‌زد غریبان دل من توجه می‌خواند دو دسته اشک، نم نم سینه می‌زد دلم رفت و ندیدم روی دلدار فلان از این تغافل آه از این زجر شب قدر است و طی شد نامه‌ی ما سلام فیه حتی مطلع الفجر

### «نماینده‌گی» ارشاد در انتظار جا و یک خودرو

اما آخرین پیگیری‌ها برای افتتاح اداره را نه فرماندار سابق گراش و نه اداره ارشاد لارستان، بلکه همسین گروه‌های فعال فرهنگی، هنری و مذهبی گراش انجام دادند. مسئولان اکثر این گروه‌ها پای طومار درخواستی که به عالی‌شوندی، رییس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، نوشته شده بود امضا کردند و آن را به تایید امام جمعه سابق شهر، حجت‌الاسلام حلاجی، فرمانداری و اعضای شورای شهر هم رساندند. نتیجه این شد که عالی‌شوندی در نامه‌ای به تاریخ هشتم خردادماه ۹۱ به فرماندار گراش نوشت: «در خصوص راهاندازی

نماینده‌گی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آن شهرستان، به استحضار می‌رساند؛ دستور فرمایید نسبت به تامین یک دستگاه خودرو سواری و تجهیزات کامل اداری و همچنین فضای مناسب اقدامات لازم به عمل آید و از نتیجه این اداره کل را مطلع فرمایید.» به نظر می‌رسد اداره کل ارشاد از راهاندازی «اداره» در گراش منصرف شده و به «نماینده‌گی» اکتفا کرده است، و جالب اینجاست که ظاهراً نویسندگان طومار به این هم راضی‌اند. ولی نتیجه‌ی این نامه؟ ظاهراً هیچ! مهندس خواست‌خدایی در جلسه‌ی تودیع‌اش به صورتی گذرا نام اداره ارشاد را هم در بین گزارش‌هایش آورد، و گفت: «در مورد فرهنگ و ارشاد نیز مجوز نمایندگی گرفته شده است و بحث تامین فضای اداری داریم که فضا تامین شده است.» بدون این که اشاره کند مجوز نمایندگی دو سال قبل گرفته شده است، و یا این که فضای مورد نظر کجا واقع شده است.

### تاریخچه‌ای از وعده‌های فروکش کرده

عالی‌حسینی، رییس اداره ارشاد لارستان، خردادماه در جلسه‌ای در خانه فرهنگ به گروه‌های هنری فعال شهر گفت: «بودجه ادارات لار و گراش جدا شده است و اکنون بودجه اداره ارشاد لارستان به امانت پیش‌مست. هر زمان که اداره ارشاد گراش تاسیس شد، بودجه‌ای که برای آن در نظر گرفته شده را در اختیار رییس‌اش قرار می‌دهیم تا آن را مدیریت کند.» اما جدای از بحث بودجه، برنامه‌ریزی و نظارت بر امور فرهنگی و هنری گراش هم به تاسیس اداره ارشاد موکول شده است. اکنون کار به جایی رسیده است که فعالان هنری گراش از تاسیس اداره گذشته‌اند و به نمایندگی



ابتدا در حدود بیست و چهار میلیون به ارشاد فارس تصویب شده بود، به دوازده میلیون تومان تقلیل داده شد، و نصف این مبلغ هم در اختیار اداره ارشاد لارستان قرار گرفته است. شاید از همان اول گفتند نمی‌دهیم و همکاری نمی‌کنیم! لیست چنین برنامه‌ها و گروه‌های هنری و فرهنگی که در این یک سال و نیم از نبود اداره ارشاد ضربه خورده‌اند بلندتر از این‌هاست. بیشترین ترس فعالان فرهنگی شهر هم این است که در خلا ایجاد شده، اشتیاق به فعالیت‌های فرهنگی - هنری کمتر و کمتر شود، و نیروهای فعال هم به دل‌سردی دچار شوند. امیدواری آنها به پیگیری فرماندار جدید شهر، مهندس کریمی‌فرد است، و البته امام جمعه جدید، حجت‌الاسلام حسینی که مشخصاً دغدغه فرهنگ و ادب دارد.

آنتی کتاب محمود غفوری

## یک کنکور و این همه کتاب

هر ساله خیل عظیمی از دانش‌آموزان دبیرستانی برای کسب رتبه بهتر در کنکور به کتاب‌های تست مراجعه می‌کنند و این بازار خوبی ایجاد می‌کند برای ناشران کتاب‌های کنکوری که در رسانه‌ها تبلیغات به راه می‌اندازند و پول خوبی به جیب می‌زنند. امسال که گذشت، ولی شاید سال بعد شما هم پشت کنکوری باشید. جعفر ازدری، مدیر کانون طاه‌ها که چند سالی است هدایت دانش‌آموزان را برای کنکور انجام می‌دهد، اعتقاد دارد: «کتاب‌های تست برای درس‌های تخصصی مثل ریاضی و فیزیک تکمیل حساب می‌شوند. در واقع برای این که کتاب را بهتر بفهمید، باید از این تست‌ها استفاده کنید. ولی برای درس‌های حفظی و عمومی مثل شیمی و ادبیات، این تست‌ها یک جور مرور کردن است که باعث می‌شود مطالبی که تا حالا خوانده‌اید در ذهن شما تکرار شود و جا بیفتد.» این یعنی خواندن کتاب‌های مدرسه در اولویت قرار دارند و باید قبل از هر چیز آنها را به دقت خواند. متأسفانه بعضی از دانش‌آموزان کتاب‌های درسی را هم می‌کنند و فقط به تست‌زنی می‌پردازند. ممکن است این تکنیک‌های تست‌زنی در کنکور نتیجه بدهد، اما با این کار خود کتاب مفهوم نمی‌شود و اگر در کنکور سوال‌ها غیر از تست‌های خوانده‌شده باشد، فرد نمی‌تواند عملکرد مطلوبی داشته باشد. نکته بعدی، گول خوردن دانش‌آموزان و حتی والدین از تبلیغات ناشران این‌گونه کتاب‌هاست. متأسفانه تبلیغات زیاد باعث می‌شود که خیلی از دانش‌آموزان کتاب را رها کرده و دست به دامان این کتاب‌ها بشوند. شیوه‌ای که بعضی از این ناشران به کار می‌گیرند هم گاهی جالب است: آنها تمرکز را نه بر روی دانش‌آموزان، بلکه روی مربیان و معلمان می‌گذارند و آنها را تشویق می‌کنند که دانش‌آموزان را به خرید کتاب‌ها ترغیب کنند. همه‌ی اینها در حالی است که بسیاری از این انتشاراتی‌ها توجه زیادی روی محتوای کتاب‌هایشان ندارند و اشتباهات خیلی زیادی در آنها دیده می‌شود. حتی گاهی دیده می‌شود که در این کتاب‌ها سوال و جواب با هم نمی‌خواند. حالا از انتقاد کردن از این کتاب‌ها دست برداریم، و به معرفی چند تا از کتاب‌های نمونه کنکوری از نظر اکثریت اعضای کانون طاه‌ها بپردازیم. راهنمای‌های بیشتر را می‌توانید با مراجعه به این کانون دریافت کنید. اعضای این کانون کتاب‌های «مبتکران» را در درس‌های شیمی (هر سه رشته) و عربی می‌پسندند، و کتاب‌های «خیلی سبز» را برای دروس فیزیک (تمام پایه‌ها)، ریاضیات (تجربی)، زمین‌شناسی، ادبیات و زبان فارسی و زبان انگلیسی. آنها برای دروس ریاضیات و جبر و احتمال (ریاضی)، عربی و دین و زندگی، کتاب‌های «گاج» را پیشنهاد می‌کنند، و برای دروس ریاضیات و زمین‌شناسی (تجربی)، ادبیات و زبان فارسی و عربی هم کتاب‌های «مهر و ماه» را. دانش‌آموزان رشته ریاضی هم از کتاب‌های ریاضیات «کانون فرهنگی آموزش (قلم‌چی)» و «ده استاد» راضی‌تر بودند. ناگفته نماند که من خودم هم آدم کم‌تجرب‌های نیستم حداقل پنج بار کنکور داده‌ام و فکر می‌کنم که در سال‌های اخیر کتاب‌های «گاج» متقاضی بیشتری داشته است.

فروشگاه لوازم فلانکی باقرپور

نمایندگی لوازم فلانکی سامسونگ

SAMSUNG

لوازم فلانکی، صوتی و تصویری

موبایل: ۰۹۱۷ ۷۸۱ ۸۱۳۳۳  
تلفن: ۰۷۸۲-۲۲۲ ۹۰۰۹  
فاکس: ۰۷۸۲-۲۲۳ ۰۰۰۴

گراش، خیابان شهید (بایی/تمیز). پایین‌تر از مسجد امام حسن عسکری (ع)

همسرنانزنینم

برای تولدت کوجه خوشبختی را اجاره می‌کنم، با ب حوض آرزو، وضو می‌گیرم و سر سفره عشق دعاغت می‌کنم، برایت آرزوی بهترین‌ها را دارم. عزیزم تولدت مبارک

همسفر زندگیت محمدم سهر

فرمانده محترم شهرستان گراش

کتاب: عت و سجدت روی شما از خاندان من آرزو کنیم

جناب آقای مهندس کیمز فرد

رشت و گراش دانشگاه آزاد اسلامی گراش

جناب آقای مهندس کیمز فرد

بدینوسیله اکتساب بجا و شایسته حضرت عالی را به سمت فرماندار شهرستان گراش تبریک عرض نموده موافقت شما را از خاندان سپاس آرزو می‌کنیم.

گروه صنعتی آرشیستا

آبشیرین کن

حسین زاده

با قیمت های استثنای و بلور نکرند

تخفیف ویژه فقط بایک تملک تحویل ونصب رایگان

فروش ونصب آب شیرین کن خانگه ۵-۶ مرحله - نصب رایگان

۸ ماه گارانتی / ۱۰ سال خدمات پس از فروش / فروش ونصب پکیج دیواری - زمین و رادیاپور

گراش، روبروی گراش سنتر، محل سابق به آرم و اسم فروشگاه دقت فرمایید.

حاج فتح الحسین مراد

تلفن دفتر فروش: ۰۹۱۷ ۱۸۱ ۴۳۲۱ - ۰۹۱۷ ۱۸۲ ۱۸۱۰

شعبه دیگری ندارد!

سید مرتضای حسینی

انتخاب شایسته شایسته حضرت امام محمد باقر (ع) و ولی فقیه و سرور عالم گراش

تبریک عرض می‌کنیم

مجمع امور صنفی شهرستان گراش

جناب آقای مسعود خواست خدای

از حسن نیت، عفت و عملکرد خجسته‌ی در طول دوره فرمانداری‌تان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. امید است در سایه حضرت بقیه‌الله موفقی و سربلندی بیابید. دست‌حق یار تان

هیئت امنای مسجد صاحب‌الزمان ع

اوست بایندار

بدینوسیله از همه سروران گرامی که در مراسم تشییع و تدفین عزیز از دست رفته مان بدر نمایندگان بهمنی

حاج غلامحسین بهمز

شرکت فرموده به خصوص هیئت‌ها و تشکلات مذهبی، روحانیت معزز و همه نهادها و ارگان‌ها و ادارات و عزیزی که با حضور خود در مجلس ترجمه تسلی بخش ما بوده اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. همچنین همه دوستانی که با تماس تلفنی ابراز لطف و همدردی فرموده‌اند کمال سپاسگزاری به عمل می‌آید.

خانواده‌های بهمنی، معصومی، شهبازی، قتیعی، درویشی، فانی و قاتیل‌های وابسته

در گذشت همسر گرامی‌تان را به شما تسلیت گفته و از درگاه حضرت حق برای شما صبر و برای آن مر حومه مغفوره علو درجات خواستارم.

جناب آقای حسین انصاری

عزیز نوبهار





مسجد ولی عصر (عج)



حسینیه اعظم



مسجد قمر بنی‌هاشم (ع)



مسجد قمر بنی‌هاشم (ع)



حسینیه حضرت زینب (س) - [عکس‌ها از: محمد امین نوبهار]

خط خاطره  
مصطفی کارگر

سه تن از ده تن

از شهدای دفاع مقدس فقط سه تن کمی به یاد دارم. شهیدان حسینی فانی، احمد فانی و مرتضی عظیمی که آنها را هم به مدد داشتن نسبت خانوادگی می‌شناختم. کلاس اول ابتدایی بودم. از مدرسه که برمی‌گشتم، مدتی (کمتر از یک هفته) را روزها در منزل پدر بزرگم که اتفاقاً سر راهم قرار داشت، بودیم. ولی همه محزون بودند. گاهی شیون می‌شنیدم. گروه گروه آدمها می‌آمدند و می‌رفتند. حزنی عجیب داشت. پادم هست یک طبقه آهنی تزیین شده که بالای شیشه طاق مسجدنا بود. کنار در ورودی گذاشته بودند و عکس شهیدان در آن چیده شده بود. ریس لامپ های ریز رنگی روشن همراه با صدای قرآن از آن به گوش می‌رسید. یکی از آن شهیدان، شهید حسینی فانی بود. همراه ۹ نفر دیگر، شهدای ده تن گمراش را تشکیل می‌دادند. از آن‌ها، همان سه تایی که در ابتدا نام بردم، نزدیک‌تر بودند. بعدها حسینی را با یک عکس قاب گرفته، در حالی که تنها روی قله کوه مشرف به شهرک پردیس فعلی گمراش رو به دوربین با ژست محبوب قرمز به تن داشت، بیشتر شناختم. عکس را مادر بزرگم خیلی دوستش داشت. چون برادرزاده‌اش بود. پادم هست که می‌گفتند در کارهای مربوط به برق مهارت دارد. حسینی فرزند ارشد خانواده بود و امروزه شمایلیش را در برادرش مهندس فانی، رئیس اداره برق فعلی گمراش می‌توان دید. بعدها اتاقش هم به مهندس رسید و ما در آن درس می‌خواندیم. یادش گرامی.

منتظر برگشتن ما، کارهای پذیرایی و استقبال را انجام داده بودند. خانواده‌ها، اقوام و دوستان و هم‌همسایه‌ها منزل مادر بزرگ علی اصغر جمع شده بودند. هزار و چهارصد نفری، دعوت شده بودند و ما بی‌خبر بودیم. فردای آن شب هم خودمان مهمانی شام دادیم و ورود فاطمه را جشن گرفتیم.

روزهای مان با فاطمه

فاطمه وقتی به جمع خانوادگی ما اضافه شد دو ماهه بود و حالا چهار ماهه است. شش ماه اول، آزمایشی است و قرار است از بهزیستی برای بازدید بیایند. یک بار هم از بهزیستی لار آمده‌اند و از گمراش هم خواهند آمد. باید این شش ماه تایید بشود و شناسنامه صادر و اسم فاطمه در شناسنامه‌ی ما ثبت شود. هر دو با اشتیاقی بی‌اندازه، منتظریم این شش ماه هم به خوبی بگذرد و بدون نگرانی، فاطمه دختر همیشه این خانه باشد. مادر بزرگ‌ها و خاله‌هایش زنگ می‌زنند و صدایش را از پشت تلفن گوش می‌دهند. علی اصغر هر روز صبح که می‌رود سرکار، زنگ می‌زند و وقتی ببیند فاطمه بیدار شده، چند دقیقه به خانه می‌آید و با فاطمه بازی می‌کند. صبح‌ها با ذوق و اشتیاق، بیدار می‌شوم و کارهایم را رها می‌کنم و به فاطمه می‌رسم. این همه سال صبر کردیم و حالا کار و وظیفه‌ی اول و آخرمان فاطمه است. خانه صدای یک بچه را می‌شنود و جان تازه‌ای گرفته و دیگر ساکت نیست. ای کاش همه‌ی زن و شوهرهایی که خودشان بچه‌دار نمی‌شوند، به جای رفتن راه طلاق، راه ما را بروند.



[عکس و طرح از سعید سرخسی]

زیر شش ماه باشد. اما انتخاب بچه، سسه نفره‌ی ما را ببینند. راه کارهای قانونی دراز و سخت بود. مراجعات مکرر به دادگاه و آزمایشات پزشکی پدر و مادر، انگشت‌نگاری، آزمایش عدم سوء پیشینه، تشخیص هویت و کارهای دیگر، بخشی از کارهایی بود که در طول هجده روزی که در شیراز بودیم، انجام دادیم.

ما، برای تحقیق و بررسی و سوالات مختلف به گمراش و محله‌مان آمده بودیم. ما بعد از همسایه‌ها شنیدیم.

پایان هجده سال انتظار

وقتی آن روز صبح، برای گرفتن بچه به شیرخوارگاه رفتیم، صبح دیگری بود. با روزهای دیگر فرق داشت و قرار دنبال کارهای قانونی بودیم. دختر خواهرم هم با ما آمده بود تا زودتر از بقیه، بچه را ببیند. خواهرها و مادرم در گمراش، دنبال خرید وسایل بچه

می‌آمد آن وقت روز خانه باشد. گوشی را گذاشتم و خبر را به او هم گفتم و حتی نمی‌دانستم دارم از شوق گریه می‌کنم. آن موقع مراسم نامزدی دختر خواهرم و مراسم ازدواج یکی از اقوام خیلی نزدیک‌مان بود. همه را اول کردیم و همان موقع علی اصغر زنگ زد به ترنمبال و من هم به مادرم زنگ زدم تا سیسمونی و وسایل مورد نیاز را آماده کند. رویای چند ساله‌مان داشت به واقعیت می‌پیوست و باورش کمی سخت بود. روزهای زیادی، در دوردست این چنین روزی را آرزو می‌کردیم و آنقدر به در بسته خورده بودیم که باور آمدن آن روز، سخت بود. پنج صبح تا غروب، با اشتیاق زیادی، دنبال کارهای قانونی بودیم. دختر خواهرم هم با ما آمده بود تا زودتر از بقیه، بچه را ببیند. خواهرها و مادرم در گمراش، دنبال خرید وسایل بچه

برگشتن به گمراش

شب، بی‌خبر و با اتوبوس به گمراش برگشتیم. دوست داشتیم همه را غافلگیر کنیم اما خبر نداشتیم، خانواده‌ها و اقوام‌مان از چند روز قبل،

یک زندگی  
را حله بهادر

هجده سال از ازدواجمان می‌گذشت و بچه‌دار نمی‌شدیم. از چهار یا پنج سال بعد از ازدواج در مرکز رویان تهران و مراکز درمانی شیراز، دنبال کارهای درمان نازایی بودیم. همزمان با درمان -که همیشه ناموفق بود- به فکر قبول فرزند بودیم. می‌رفتیم تهران برای درمان و با بهزیستی شیراز برای پذیرفتن یک بچه در تماس بودیم. روزهای سختی بود. درمان‌های متعدد و پزشکان مختلف جواب نمی‌داد و درخواستمان برای قبول فرزند هم بی‌جواب می‌ماند و یا به دلایل مختلف رد می‌شد. اما شوق داشتن فرزند، کورسوی امیدمان را زنده نگه می‌داشت. شرایط فرزندخواندگی سخت بود. داشتن وضعیت مالی خوب و سطح سواد پدر و مادر، در اولویت بود و باید همچنان در لیست انتظار می‌ماندیم. وقتی بعد از چند سال، امید درمان به کلی از بین رفت، تلاشمان برای قبول فرزند بیشتر شد. حالا فکر و ذکرمان بعد از رضای خدا، در آغوش گرفتن بچه‌ای بود که حاضر بودیم برایش هر زحمتی را به جان بخریم.

روزی که فاطمه آمد

اواخر اردیبهشت امسال، ساعت نزدیک ظهر بود. دختر خواهرم خانه بود و در درس کمکاش می‌کردم. تلفن زنگ خورد و بعد از کمی مکث، گوشی را برداشتم. از بهزیستی بود. گفتند با درخواستمان موافقت شده و باید کارهای قانونی‌اش را انجام دهیم. در حال صحبت با تلفن بودم که خیلی اتفاقی علی اصغر آمد خانه. کمتر پیش

عکس نوشت  
محمد خواجه‌پور

شمع‌هایی بر مزار مجردی

باید به ذهنم فشار بیاورم که این دست‌ها مال کیست؟ تمام آن شب در ذهن من است. عروسی جواد راهیما بود و ما می‌خواستیم به شیوه خودمان جشن بگیریم. شب قبلی رفته بودیم «شانامه» و نخود خورده بودیم و شب قبل تر جواد را برده بودیم. یک استخر و هر مسخره‌بازی که بشود در آورد را در آورده بودیم. عروسی تمام شده بود و ما چند نفر در یک شب جمعه تابستانی بی‌کار بودیم. رفتم در فروشگاه‌های دو جعبه شمع خریدیم. همین طور می‌رفتم. خیابان بسیج تمام شد و توی دشت بی هدف با موتورهای مان می‌راندم. آخر سر حوصله‌مان سر رفت و جایی ایستادم. در بستر رودخانه‌ای خشک خشک با سنگ‌های صاف و صیقل خورده. هر کسی تکه سنگی برداشت و شمع‌اش را روشن کرد و برای خودش هر شعر و ترانه‌ای که بلد بود را خواند. خواستیم این خاطره بماند. مثل حالا نبود که هر کس موبایلی داشته باشد و هر موبایل دوربینی. هنوز دوربینی که برای عکس گرفتن در عروسی همراهام بود را داشتیم. شمع‌هایی که روشن کرده بودیم را با سنگ‌ها جابه‌جا کردیم و از ما فقط دست‌های مان بود و یک پا. آن کفتش با جوراب خاکستری رنگ منم. دست اسماعیل فقیهی با ساعت دیجیتال‌اش از بقیه مشخص‌تر است. یک طرف اسماعیل دست‌های محمدعلی شامحمدی سا دو انگشت است و طرف دیگر دست محمود باقری که می‌خواهد ساعت‌اش توی چشم باشد. زیر دست محمود قوطی آبی رنگ شمع دیده می‌شود. کنار پاهای من، دست علی اصغر محسنی است و دست منصور برادر جواد که آن شب با ما بود. عکس را چهار شهریور ۱۳۷۹ گرفتیم. همه ما مجرد بودیم و حالا بعد از ۱۲ سال همه ازدواج کرده‌ایم. برای چند نفر بعد از جواد هم شام‌غریبان گرفتیم و دلنگی مان از رفتن شان را تقسیم کردیم و خاطره‌ها جز دلنگی چه می‌زایند؟ چند روز یا چند ماه بعد بارانی آمده و رودخانه خشک بی‌خیال، سنگ‌های خاطرهدار ما را با خود برده است. من شمع روی سنگ خود را تا ده سالی داشتم بعد در یکی از خانه‌تکانی‌ها گم و گور شد. هر وقت به اتاق اسماعیل می‌رفتم شمع روی تاقچه‌ی به هم ریخته اتاق‌اش بود. شمع و سنگ او هم احتمالاً سرنوشتی چون شمع من داشته. اما محمدعلی شامحمدی این عکس را قاب گرفته و در گوشه دفتر کارش آویزان کرده است. شاید قلب بزرگ او دلنگ‌تر از ما باشد.



تسبیح بصیری و علی اصغر...

اکبر مهمربانم

کدامین هدیه را به قلب مهریانت تقدیم کنیم که خود گنجینه‌ی زیبایی‌های عالمی؟ چگونه خدا را برای چنین بخشش رنگینی شکر گوئیم؟ به پاس تمام زحمات خالصانه‌ات در طول زندگیمان

تولد مبارک همسرت راحله

PILSIMO TRDG CO. L.L.C

شرکت پیلسیمو

کرپستال  
ظروف آشپزخانه  
ظروف چینی و سفالی  
و بلور و ...

تلفن: ۰۰۹۷۱۴ ۲۲۶۹۹۲۵  
فکس: ۰۰۹۷۱۴ ۲۲۶۹۶۶۰  
موبایل: ۰۰۹۷۱۵۰ ۶۵۶۱۲۳۳

موفقیت بزرگ برای آرشیستا و گرایش

سلام جناب آقای مهندس درخشنده، شما به عنوان مدیر عامل این شرکت توانستید حضور در جمع ۱۰۰ کارآفرین برتر کشور را تجربه کنید. بی‌شک این موفقیت سند افتخاری برای شما و گروه صنعتی آرشیستا به شمار می‌رود. ما هم به نوبه‌ی خودمان به شما تبریک گفته و امیدواریم همچنان بر مسیر افتخار آفرینی برای شهرستان گمراش گام بردارید.

بنده هم سلام و عرض ادب دارم خدمت شما و همه خوانندگان نشریه وزین افسانه گمراش.

• لطفاً توضیح دهید چگونه به این موفقیت نائل شده‌اید:

بایستی عرض کنم در مجموعه آرشیستا تلاش شده با شناخت از واقعیات و نگاه حرفه‌ای به تولید به ایده آل برسیم، حال نه این که به ایده آل مطلق رسیده ایم ولی آن چه مسلم است گروه صنعتی آرشیستا حداکثر تلاش در این زمینه صورت داده تا هر چه سریع‌تر به مراحل بالاتر کیفیت محصول دسترسی پیدا کند.

و آن چه به نظر بنده مهم‌تر از کنگره ملی کارآفرینی میباشد احراز صلاحیت گروه صنعتی آرشیستا در اخذ سه گواهی‌نامه بین‌المللی ایزو می‌باشد که اخبار آن بعداً منتشر خواهد شد.

• در مورد کنگره ملی کارآفرین توضیح دهید؟

کنگره ملی کارآفرینی با حضور مقامات کشوری که در راس آن‌ها شخص وزیر صنعت معدن تجارت می‌باشد در سالن همایش‌های بین‌المللی سازمان صدا و سیما به صورت سالیانه برگزار می‌گردد. البته این تنها همایش یا کنگره‌ای نیست که در سالن صدا و سیما دعوت شده‌ایم. گروه صنعتی آرشیستا سابقاً ۲ بار افتخار حضور در کنگره ملی داشته‌اما آن چه این کنگره را با کنگره‌های قبلی برای ما متمایز نموده حضور در بخش VIP و دریافت تندیس و نشان افتخار ملی در زمینه کارآفرینی می‌باشد.

حضور در کنار بزرگان صنعتی و کارآفرینی از جمله شرکت ایران خودرو، ملی حفاری، بانک صادرات و ... برای مجموعه ما افتخارآمیز بوده و باعث بالندگی و نشاط روحی مجموعه آرشیستا شده همه تلاش خود را به کار خواهیم گرفت تا این مسیر تلاطم داشته باشد. انشالله.

• ما هم مجدداً به شما تبریک گفته، اگر پیام یا صحبتی دارید بفرمایید:

از همه کسانی که در اعتلای نام آرشیستا کمک نموده‌اند تشکر می‌کنم. پرسنل زحمت‌کش و خانواده‌های آن‌ها، مسئولین شهرستان و مردم فهیم منطقه در این موفقیت شریک هستند. در همین جا از همه مشتریان که به نوعی در ارائه خدمات به آن‌ها ایحیاق قصور گرفته‌اند عذرخواهی نموده و تمامی کمبودها را به بزرگی خودشان ببخشند، ما راه طولانی پیش رو داریم و سعی کرده‌ایم کالا و خدمات در حد لیاقت و شان مردم عزیزمان باشد. سپاسگزارم.

Arshista Industrial Group  
گروه صنعتی آرشیستا







شماره مردادماه ۱۳۸۷ صحبت‌نو ویژه گراش با پرونده‌ای در مورد عروسی در گراش منتشر شد.

**چهار سال پیش شورا چهار نفره شد**  
تیرماه ۱۳۸۷ با رفتن حسین‌زاده و نیامند مهبیایی، شورای شهر گراش، چهار نفره شد. حسین‌زاده به دلیل مشغله‌های کاری از عضویت در شورای اسلامی شهر گراش استعفا داد. حسین‌زاده به دلیل کار در شرکت جلسات شورا حضور داشته باشد و همین مساله سرانجام به استعفا او منتهی شد. خبر جالب استعفا حسین‌زاده نبود بلکه عدم حضور رحمتاله مهبیایی در شورا باعث تعجب شهروندان شد. با خروج حسین‌زاده، از رحمت مهبیایی به عنوان سومین و آخرین عضو البدل برای حضور در شورا دعوت شد اما او حضور در شورا را رد کرده است.

مهبیایی در پاسخ سوال صحبت نو درباره دلیل عدم حضور در شورای شهر گفت: «دلیل خاصی ندارد. شاید شورا بدون حضور من بهتر کار کند»

**حسینی منشی کمیسیون بهداشت بود**  
علی اصغر حسینی نماینده آن زمان مردم لارستان و خنج در مجلس شورای اسلامی به عضویت هیات ریسه کمیسیون بهداشت درمان مجلس درآمد. حسینی در سال اول با ۱۰ رای به عنوان منشی این کمیسیون انتخاب شد. نماینده مردم با استعفا از فرصت تعطیل تابستانی ۱۳۸۷ سفری دوباره به بخش‌های هفت‌گانه لارستان داشت. در این سفر حسینی به همراه محتاجی فرماندار لارستان و مسئولین برخی از ادارات شهرستان در جلسات شورای اداری بخش‌های جویم، بناوریه، اوز، بخش مرکزی، صحرای باغ، بیرم و گراش شرکت کرد. در ادامه این سفرها سی و یک تیرماه حسینی در شورای اداری شهرستان خنج نیز حضور یافت. چهارسال پیش در جلسه شورای اداری گراش از میرزاپور رییس بخش گراش ثابت احوال گرفت. رییس بخش گراش گفت: «آیا علف و گیاه مهم است ولی دین مردم مهم نیست. اگر امکانات به سازمان تبلیغات گراش داده نشود این اداره تعطیل خواهد شد.» محمدبیگی خواهان اختصاص بودجه برای ساختمان سازمان تبلیغات گراش بود.

**چهار سال پیش پست ۶۶ برق وارد مدار شد**  
پست ۶۶ کیلو ولت شهر گراش بالاخره در مورخ ۱۴/۸۷/۱۴ با حضور محتاجی فرماندار لارستان و عبدالحسین مهروری بخشدار گراش افتتاح و به بهره‌برداری رسید. مرحله ساخت این پروژه از سال ۱۳۸۲ شروع و با هزینه حدود پنج و نیم میلیارد تومان پایان پذیرفت. مشترکین شهر و روستایی گراش توسط ۴ خط خروجی از پست ۶۶ کیلو ولت آمپر تحت پوشش برق قرار گرفتند.

**چهارسال پیش کرابه تاکسی ۶۰۰ تومان بود**  
سال ۱۳۸۷ در مجموع ۱۵۲ راننده در ۱۰ دفتر تاکسیرانی در گراش فعالیت داشتند. در آن زمان نرخ کرابه مسافران تاکسی در روز به ازای هر سرویس ۶۰۰۰ ریال و از ساعت یک شب تا پنج صبح به ازای هر سرویس ۱۰۰۰۰ ریال افزایش یافت. درآمد این مبلغ باید ۱۸ تا ۲۰ درصد به دفتر کمیسیون تاکسیرانی پرداخت می‌شد.



دکتر بهمن ثابت چهار سال پیش رییس مرکز اهدای خون بود



اجرای وحید اختری در تکیه شهدا به مناسبت نیمه شعبان- تیرماه ۱۳۷۸



چهارسال پیش گراش‌جوان قهرمان فوتبال گراش شد- مرداد ۱۳۸۷



خدا در کنار مقبره شهدای گناباد

## وعده نماینده برای پیگیری مطالبات مردم در نشریات دهکویه و اوز

اولین شماره دوره جدید عصر گراش منتشر شد. از شماره بعد مرور بر عصر گراش را در همین ستون خواهید خواند.

▀ **پسین دهکویه**

«مراحل تاسیس شهرداری دهکویه طی شده و هم اکنون پرونده روی میز وزیر کشور است.» دکتر جعفرپور در جلسه بررسی مسایل و مشکلات دهستان دهکویه این موضوع را مطرح کرده است. پسین دهکویه در شماره ۸۹، مردادماه به این خبر پرداخته است. مشکلاتی مانند نبود سالن ورزشی، عدم آنتن دهی کامل موبایل و نبود اینترنت پرسرعت از دیگر مطالبات مطرح شده بوده است. طرح آبرسانی به دهکویه و کورده، تکمیل کتابخانه عمومی، گازرسانی، بهسازی گلزار شهدای دهکویه، نبود پزشک دائمی و دندانپزشک ثابت در درمانگاه و بازسازی ساختمان درمانگاه دهکویه نیز از دیگر خواست‌های مردم این منطقه بوده که در هر مورد قول‌های مساعدی داده شده است.

کسب هفت مدال مسابقات کیک بوکسینگ قهرمانی استان فارس در رده نونهالان و نوجوانان از خبرهای ورزشی این شماره است. به جز این خبر، پسین دهکویه هر شماره چند خبر از کوهنوردی را هم در قسمت ورزش کار می‌کند که در این شماره هم تکرار شده است.

خیبر معرفی قاضی سید کاظم موسوی رییس جدید حوزه قضایی لارستان، اتصال لارستان به شبکه وایمکس مبین نت و تنها زیستگاه کوچکترین قوچ دنیا در منطقه حفاظت شده هرمود از جمله خبرهای دیگر این شماره است. در مطالب اعتقادی این شماره چند مطلب با موضوع ماه مبارک رمضان کار شده است و در بخشی دیگر هم مطلبی درباره طرح پزشک خانواده آمده است.

▀ **میلاذ لارستان**

میلاذ در شماره ۷۰۰ خود، هفته سوم خرداد، از فرمانداری‌های ویژه در یادداشت هفته خود گفته است. در این یادداشت، فرمانداری ویژه به سازمان ملل تشبیه شده است. در این یادداشت، سازمان ملل، سازمانی است که در عین گستردگی و عظمت، عملا کاری از آن ساخته نیست. چند وقت پیش هم صحبت‌نو با عضویتی اینجینی با عنوان فرمانداری‌هایی که ویژگی ندارند به این مسئله پرداخته بود. این حرکت جدید در فضای مجازی بیشتر دیده می‌شود. مثال‌هایی است شهرستان‌های دیگر کشور که فرمانداری ویژه دارند و به دنبال راهی برای رشد بیشتر این فرمانداری‌ها.

در این شماره هم‌چنین از ارسال اسناد پروژه‌های نیمه‌تمام به استان سخن گفته شده است. البته کت که در دو سطر خلاصه شده و هیچ توضیحی درباره چگونگی این کار داده نشده است. این اقدام به منظور حل مشکل پروژه‌های نیمه‌تمام انجام شده است. کسب مدال طلای مخترعین در نمایشگاه بین‌المللی مازنی توسط شرکت کندگانی از دانشگاه علمی کاربردی لارستان دیگری است که در این شماره آمده است. تهیه فرمولاسیون لاستیک برای انجام پروژه‌های صنعتی پلیمری به این نمایشگاه ارسال شده است.

صفحه بی‌بی این شماره در ستونی از زبان یکی از ساکنین ارد نقل شده است که به جز یکی دو مورد، بقیه روزها، ارد پزشک ندارد و فاقد پرسنل و پزشک است.

توصیب قرارگاه پلیس راه جنوب به مرکزیت لارستان خبر دیگری است که در این شماره و در ستونی با عنوان این هفته با نماینده آمده است. شماره ۷۰۱ میلاد لارستان هم‌زمان با فوت آیت‌الله آیت‌اللهی منتشر شده است. به صفحه این شماره به این موضوع اختصاص داده شده است. صفحه‌ای با چند شعر از شاعران منطقه و پیام‌های تسلیت، چه از زبان شخصیت‌های کشوری و چه در قالب آگهی در این شماره دیده می‌شود. برخلاف صحبت‌نو که ویژه‌نامه‌ای در این ایام منتشر کرد، میلاد لارستان در صفحات دیگر به اخبار و مطالب دیگر پرداخته است. این رویه کامپیش در شماره بعدی هم تکرار شده است. هر چند در شماره ۷۰۲، صفحه دوم و اخبار بیشتر به مراسم ختم آیت‌الله آیت‌اللهی پرداخته‌است. صفحه عجیب سوم این شماره که با عنوان از هر دری سخنی، چاپ شده واقعا جالب است. در این صفحه، دانستنی‌ها، جملاتی زیبا از بزرگان در کنار لیستی از اولین فرماندهان نیروهای مسلح و نکته‌هایی از زندگی آیت‌اللهی و علم و فناوری در اندیشه رهبر معظم انقلاب آمده است.

فدایی، مدیر کل راه و شهرسازی لارستان در نشست خبری سیزدهم خرداد از تحویل همه مسکن‌های مهر تا پایان تیرماه خبر داده است. هم‌چنین در صحبت‌های او هم افتتاح ۸۰۸ واحد مسکن مهر گراش توسط رئیس جمهور و با معاون اول، آمده است که مشخص نیست این «به زودی» چه بازه زمانی را با توجه به گذشت چندین ماه از اولین باری که این خبر توسط اشخاص مختلف گفته شده است در بر می‌گیرد.

آغاز دو پروژه در فرودگاه لار با اعتبار ۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان خبر صفحه اول شماره ۷۰۳ میلاد لارستان است. در صفحه دوم، باز هم خبر اصلی از اداره کل راه و شهرسازی است. نصب سیستم روشنایی در تونل بز ن لارستان و بهسازی آسفالت محورهای روستایی شهرستان مهر از جمله این خبرها است. کلنگ‌زنی دو واحد پرورش مرغ و دو خبر دیگر در این خصوص با گذشت یک ماه از انتشار این شماره میلاد شاید به گونه‌ای دیگر توجه خواننده را جلب می‌کند.

یاد آقای لار در این شماره هم با چند یادداشت ادامه داشته است. از جمله نکات جالب این شماره استفاده از عکس و اطلاعات زندگی آیت‌الله آیت‌اللهی در جدول شماره ۷۰۳ است.

▀ **عصر اوز**

عصر اوز در شماره ۱۴۱، مرداد ۹۱ به مناسبت ماه رمضان با عکسی از کعبه در صفحه اول منتشر شده است. دیدار نماینده مجلس با اعضای شورا‌های اسلامی بخش و مردم شهر اوز تیترا اول این شماره است. این خبر اما در پایین صفحه سوم کار شده است که چندان با اهمیت موضوع مرتبط نیست. در این جلسه مردم و شورای شهر اوز پیگیری ارتفاع اوز را از دکتر جعفرپور خواسته‌اند و در کنار آن اعلام ناراضی‌تی مردم از ساخت ندماستگاه در نزدیکی اوز هم در این جلسه مطرح شده است که به صورت اجتماع مردمی که در فضای مجازی بازتاب داشت و تنظیم تومار همراه بوده است. قول مساعد نماینده مردم در خصوص پیگیری این دو درخواست در این خبر هم همانند درخواست‌های مردم دهکویه آمده است.

چاپ افقی آگهی مبلمانی که به صورت عمودی طراحی شده است هم در صفحه اول از نشریه‌ای با سابقه عصر اوز بعید است. یادداشتی خودمانی درباره صادق رحمانی و خبر نوشتن داستان سرگذشت قلعه گراش در کنار خبر نصب سیستم جدید روشنایی تونل بز ن کار شده است. خبر اول را در افسانه خوانده بودیم. برگزاری نمایشگاه کتاب و حجاب، عنوانی است که در جریان نمایشگاه‌های برپا شده در اوز، لار و گراش هر ساله چندین بار تکرار می‌شود. خبر برپایی اینگونه نمایشگاه‌ها هم همانند برپایی آنها به شکلی ساده و گلزار در نشریات نشریات درج می‌شود که کمتر توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند.

عقربه‌ها، ساعت هشت صبح را نشان می‌دهند. روزهای دیگر سال در این ساعت پشت میز کار هستیم اما با تغییر ساعت کاری در ماه رمضان، نیم ساعت دیگر باید سر کار باشیم. تا خودم را آماده می‌کنم پانزده دقیقه می‌گذرد. با تاکسی تلفنی تماس می‌گیرم اما زنگ تلفن بی‌پاسخ می‌ماند. شماره اُرآنس دیگری را می‌گیرم. اولین بوق جواب می‌دهند!

از راننده تاکسی می‌پرسم:ساعت کاری شما در این ماه تغییر کرده است یا نه؟ بخشنامه‌ای در این مورد برای‌تان رسیده است؟ جواب می‌دهند:نه، طبق روال همیشگی آماده‌ی سرویس‌رسانی هستیم. البته صبح ماه رمضان تعداد مسافرها خیلی کمتر است.

▀ **یک صبح نیمه تعطیل**

خیابان خلوت است، بیشتر مغازه‌ها کار خود را شروع نکرده‌اند. با توجه به قرار گرفتن ماه مبارک رمضان در مردادماه، مدارس تعطیل است و خبری از بچه

مدرسه‌ای‌ها نیست. فقط بانک‌ها و موسسه‌ها،چند ارگان دولتی، چند دفتر خدماتی و تعدادی سوپرمارکت و فروشگاه موادغذایی فعالیت روزانه‌ی خود را آغاز کرده‌اند.

▀ **تحول در ریتم زندگی**

مریم ۳۶ ساله و خانهدار درباره برنامه خود در این ماه می‌گوید: از افطار تا سحر بیدار هستیم و به کارهای خانه می‌رسم. از تهته لباس‌ها و ظرف‌ها گرفته تا تهیه و پختن غذای سحر و افطار. مدت زمان باقی‌مانده تا اذان صبح هم قرآن می‌خوانم.

آشپزی در گرمای بالای ۴۰ درجه واقعا سخت است. سعی می‌کنم کارهایم را شبانه که دمای هوا پایین می‌آید انجام دهم و روزها استراحت می‌کنم. مدت زمان استراحت هم فرق می‌کند.گاهی اوقات تا ساعت ۱۲ ظهر، بعضی وقت‌ها هم تا ساعت ۲ بعدازظهر، شب‌ها هم زمان مناسبی برای دید و بازدید است. این زندگی بسیاری از مردم عادی است. اما وضعیت ادارات بر عکس است.

ساعت کاری بانک‌ها بیشتر از ادارات است. بانک‌های اصلی از ساعت هشت و سی دقیقه کار خود را آغاز می‌کنند و تا ساعت سه بعد از ظهر شیفت هستند. اما روزهای پنجشنبه

▀

«هنوز مثل صفحه تلویزیون‌های پنجاه اینچ جلوی چشمان‌ام است. خون بود که مثل رود می‌رفت

و استخوان دست و پایش که شکسته بودند. دوره کمک‌های اولیه پزشکی را در هلال احمر دیده بودم. غلامی حیاتی‌اش را چک کردم و راه تنفس‌اش را باز. تا رسیدن آمبولانس تا آنجایی که از دست‌ام بر می‌آمد سعی کردم تا جلوی خون‌ریزی‌اش را بگیرم. بعدا فهمیدم با کمک دوستان و خانواده‌اش خون مورد نیازش که گروه خونی کم‌بلی هم بوده، تهیه شده و از مرگ نجات یافته‌ام.»

این‌ها را از زبان یکی از دوستان‌ام می‌شنیدم. پیش خودم فکر می‌کردم اگر خون مورد نیاز آن پسر به موقع تامین نمی‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟

▀ **چقدر خون در بدن دارید؟**

بسیاری از مردم درباره این که واقعا چه میزان خون در بدن خود دارند، کنجکاو به نظر می‌رسند. در واقع، حجم خون بدن درست مانند وزن بدن، از فردی به فردی دیگر متفاوت است و مقدار آن تا حدود زیادی به بزرگی جثه و جنسیت بستگی دارد. یک فرد با جثه بزرگ بیشتر از فردی با جثه کوچک، و یک مرد بیشتر از یک زن خون دارد.

اما روی هم رفته، می‌توان گفت بیشتر بزرگسالان حدودا بین ۴ تا ۶ لیتر خون دارند. حاج حسن اکبریان از ضرورت اهدای خون از نظر خودش می‌گوید: «در وهله اول هدف‌ام از اهدای خون، سلامتی خودم و بعد خدمت به هم‌نوع خودم است. به همین دلیل سی و یک سال است که به صورت مرتب، هم زمانی که گراش هستم و هم زمانی که در دبی هستم خون می‌دهم. شادابی و سرزندگی را از اهدای خون تجربه کرده‌ام.» حاج حسن پنجاه سال دارد ولی از یک جوان سی‌ساله

## تغییر ریتم زندگی در ماه رمضان

## شب‌های روشن



خیابان امام بین مسجد الخدیر و مسجد ولی‌عصر (عج) عکس: محمد احمد نوبهار

ساعت دوازده ظهر پایان وقت اداری محسوب می‌شود. موسسه‌ها هم از ساعت هشت و سی دقیقه تا ساعت

یک ونیم خدمات‌رسانی می‌کنند. به ظهر باعث تشدید تشنگی می‌شود و گفته‌ی علی ۲۶ ساله شاغل در یکی

از موسسه‌های شهرمان، در صورت مراجعه‌ی ارباب رجوع امکان افزایش

ساعت کاری به صورت محدود وجود دارد. دیگر ارگان‌های دولتی هم تا ساعت یک و نیم بعدازظهر مشغول به کار هستند.

برای ایجاد شرایط مناسب و بهره‌برداری معنوی از این ماه هر خبر و برکت بر اساس بخشنامه‌ای که از سوی هیات وزیران تعیین می‌شود، ساعت کاری ادارات در صبح با یک ساعت تاخیر شروع می‌شود و بعدازظهرها نیز یک ساعت و نیم

زودتر به پایان می‌رسد. روزهای نوزده

و بیست و سه ماه رمضان نیز شروع کار ادارات با یک ساعت تاخیر نسبت به سایر روزهای این ماه آغاز می‌شود. مریم تغییر ساعت کاری ادارات و دستگاه‌های دولتی را متناسب با شرایط ویژه‌ی آب و هوایی و تغییر و تحول در زمان‌بندی وقت استراحت خانواده‌ها نمی‌داند. مریم می‌گوید: با توجه به ساعت طولانی زمان روزهای در فصل تابستان و دمای

کم‌ابوتر را روشن می‌کنم. بلیت چند مسافر اوکی شده است. به شماری ثبت شده‌ی مسافر تماس می‌گیرم. جوابی نمی‌دهند. ساعت یازده، مسافر مورد نظر با اُرآنس تماس می‌گیرد و از تایید شدن پروازش اطلاع پیدا می‌کند.

ساعت یازده و نیم به تعداد خودروها

و موتورسیکلت‌های عبوری از خیابان افزوده می‌شود و قبل از اذان ظهر

به حداکثر می‌رسد. تعداد زیادی از مغازه‌ها هم فعالیت خود را آغاز

کرده‌اند. بعد از نماز ظهر کم‌کم دوباره شهر در سکوت فرو می‌رود. هر چه به افطار نزدیکتر شویم، شهر جنب و جوش بیشتری پیدا می‌کند. در هر خیابان بساط هلیم، هریسه، آش، نخود، سمبوسه مهیا است. فالوده و بستنی هم که جای خود دارد. دم غروب در خیابان جای سوزن انداختن نیست

▀ **شووق زندگی در تاریکی شب**

بوتیک‌ها، پاساژها، مغازه‌های لوازم خانگی، تزئیبات خودرو، پرده‌سرا، پارک‌های محله‌ای و بلوارها نیست. این شب‌ها هر کجا سبزه، هوای خنک و جای دنجی باشد.گروهی از مردم آنجا را برای اسبری کردن ساعات پس از افطار انتخاب می‌کنند.مشافعی شور، نشاط، اشتیاق، سرزندگی در این شب‌ها در شهرمان حکمفرما است. زندگی در این شب‌ها دیدنی است.

با این وجود به نظر می‌رسد ریتم کار ادارات و بانک‌ها با زندگی مردم تناسب ندارد. چه اشکال دارد سال‌های بعد برای یک بار هم که شده آن‌ها با مردم هماهنگ شوند و ساعت کارشان در ساعت زندگی مردم یعنی نزدیک ظهر و عصر باشد. مردم‌ها برای یک بار هم که شده صبح را با خیال راحت بخوابند. مثل همه‌ی مردم.

بار خون اهدا نموده‌اند. ثابت شده است این گروه، سالم‌ترین و قابل اعتمادترین گروه داوطلبان را تشکیل می‌دهند.

شکرالله منوچهری، سی و چهار ساله، می‌گوید: «شش هفت سال مرتب خون می‌دادم. تمرکز و سرحالی از خوبی‌های اهدای خون بود، ولی یک سالی است که خون نداده‌ام، سرم گیج می‌رود و دست و پایم بیشتر کوفته می‌شود.» و بعد ادامه می‌شوند: ۱. اهداکنندگان پار اول: آنهایی که سابقه قبلی اهدای خون ندارند و برای نخستین بار مبادرت به اهدای خون می‌نمایند. ۲. اهداکنندگان سابقه: به اهداکنندگانی اطلاق می‌شود که سابقه اهدای خون را دارند، ولی از آخرین باری که اقدام به اهدای خون نموده‌اند بیش از یک سال می‌گذرد، و به عبارتی دیگر در یک دوره یک‌ساله کمتر از ۲ بار اهدای خون داشته‌اند. ۳. اهداکنندگان مستمر: اهداکنندگانی که در یک دوره یک‌ساله، حداقل ۲

## صبح‌های خلوت

موقع شب می‌پرسم. جواب می‌دهد: هر سال ماه رمضان ساعت کاری ما از روز به شب تغییر می‌کند. بعد از افطار شروع به کار می‌کنیم و تا چهل و پنج دقیقه قبل از اذان صبح دست از کار می‌کشیم

آن طرف خیابان صدای جوشکاری به گوش می‌رسد. هر چند صدای دلتناوزی نیست اما آهنگ زندگی و نشاط است. آهنگ رزق و روزی حلال است. گرمای شدید حتی در این خنکای شب به خوبی احساس می‌شد. به چند خیاطی سر می‌زنم. اتاقی کوچک پر از انواع و اقسام پارچه‌های سیاه و رنگی. چند چرخ خیاطی و گلدوزی. یک لیوان پسر از جای سبز داغ.

فرشته که مشغول خیاطی است می‌گوید:روزها هم به صورت پاره وقت کار می‌کنم. اما شش‌ها بعد از افطار

با آرامش و دقت بیشتری کارهای سفارش شده را انجام می‌دهم. در کوچه بوی پخت تقنون و شیرینی‌های محلی به مشام می‌آید. سه کوچه بالاتر بوی پیاز داغ، سحر نزدیک است.

در این پرسه‌ی شبانه به مسکن مهر می‌رسم. ساعت سه باسلامد است و چند نفر جلو در ساختمان گلیم پهن کرده‌اند و مشغول به گپ و گفتگو و قلیان کشیدن هستند!مقابل‌شان هم چند کودک با توپ پلاستیکی راه راه سبز و سفیدی مشغول توپ بازی هستند

استفاده از فضای سبز و امکانات آن مخصوص بوستان یاران، پارک شهر، پارک‌های محله‌ای و بلوارها نیست. این شب‌ها هر کجا سبزه، هوای خنک و جای دنجی باشد.گروهی از مردم آنجا را برای اسبری کردن ساعات پس از افطار انتخاب می‌کنند.مشافعی شور، نشاط، اشتیاق، سرزندگی در این شب‌ها در شهرمان حکمفرما است. زندگی در این شب‌ها دیدنی است.

با این وجود به نظر می‌رسد ریتم کار ادارات و بانک‌ها با زندگی مردم تناسب ندارد. چه اشکال دارد سال‌های بعد برای یک بار هم که شده آن‌ها با مردم هماهنگ شوند و ساعت کارشان در ساعت زندگی مردم یعنی نزدیک ظهر و عصر باشد. مردم‌ها برای یک بار هم که شده صبح را با خیال راحت بخوابند. مثل همه‌ی مردم.

▀

## رودهای سرخ زندگی‌بخش همیشه جاری باد

سن بین ۱۷ تا ۶۵ سال و حداقل وزن ۵۰ کیلوگرم از شرایط اولیه خون دادن است. اقایان تا دانی چهار بار و خانم‌ها تا سه بار در سال می‌توانند خون بدهند

عابدین عبدالی، ۴۶ سال دارد و می‌گوید: «۳ سال مداوم هر ۶ ماه یک بار خون دادم. برای سردردی که داشتم اثر داشت و برطرف می‌شد.» گراش چنان‌چه پس از اهدای خون، دچار سرگیجه شدید و یا آن که احساس ضعف کردید، سریع روی زمین دراز بکشید و پاهای‌تان را بالا قرار دهید.

ممکن است پس از اهدای خون ، کبودی مختصری در ناحیه ورود سوزن ایجاد شود که به علت جمع شدن اندک خون در بافت‌های اطراف محل خون‌گیری است. این کبودی ظرف یکی دو روز برطرف می‌شود و جای هیچ‌گونه نگرانی ندارد.

برای جبران خونی که اهدا کرده‌اید، مقدار بیشتری نوشیدنی میل کنید و با خوردن غذای کامل از خودتان پذیرایی کنید. سعی کنید از غذاهای مفیدی و غنی از آهن بیشتر استفاده کنید.

غذاهایی مانند: انواع گوشت قرمز، مرغ و ماهی. حبیب خاکی نهاد ۴۳ سال دارد و می‌گوید: «۱۰ سال است که ۶ ماه یک بار خون می‌دهم، چه در گراش باشم چه در مسافرت. حتی در مرقد امام هم خون داده‌ام.»

این روزها که خبر زلزله آذربایجان منتشر شده است مهمترین نیاز زلزله‌زدگان خون است. شما هم می‌توانید این گونه به صورت عملی به کمک هموطنان خود بشنابید.

شاید اگر محل حاج حسن‌ها نبودند که از خون خود برای احیای زندگی دیگران هدیه کنند، این دنیا دیگر جایی برای زندگی نبود.



## جهیزیه‌های فراملیتی

چهل و هشت عدد لیوان؛ دوازده عدد فلاسک چای؛ چهل و هشت بشقاب غذاخوری؛ بیست و چهار کاسه بزرگ و کوچک؛ دوازده عدد سینی در اندازه‌های مختلف؛ چهل و هشت جفت قاشق و چنگال؛ دوازده کارد آشپزخانه و ... باری اگر این لیست را نشان هر آدم عاقل و باغب و کامل و دانشجو و دانش‌آموز و یاسواد و کم‌سواد بدیم و بپرسیم «این لیست چیست؟» بی‌درنگ جواب خواهد داد: «لیست خرید یا فروش مربوط به یک مغازه‌ی ظرف‌فروشی است.» ولی همه‌ی این‌ها را باغ و باغ ممکن است اشتباه کنند، چون این لیست بخشی از جهیزیه‌ی یک دختر گراشی است که والدین آن دختر سال‌ها قبل از عروسی تهیه کرده‌اند.

و تازه این بخش ناچیزی از جهیزیه است، زیرا گسترده‌ی جهیزیه شامل لیست بلندبالایی از لوازم برقی و الکترونیکی، وسایل آشپزخانه، لوازم آرایشی و بهداشتی، فرش، پرده و مبلمان و ... می‌باشد که والدی محترمه دختر، پدر را به تهیه و خرید این سباه مجبور می‌کند ندارد. و حال این پدر توانمند باشد یا نباشد، تهیه‌ی این همه لوازم و وسایل بالغ بر میلیون‌ها تومان می‌شود و اگر پدر دختری اعتراض کند و به عیالش بگوید که «مگر چه خبر است و از کجا بیایم؟» زیر بار قرض کمرم خور شده و دارم می‌میرم»، عیال در جواب خواهد گفت: «تو بخور، بمیسر و بخرا مگر دختر من از کی کمتر است.»

شاید برای خوانندگان محترم این سوال پیش‌پیش باید که جهیزیه چیز بدی نیست، تا دنیا دنیا بوده است، دادن جهیزیه به دختر مرسوم بوده است و برای آغاز زندگی مشترک دو زوج جوان لازم و واجب است. باری ما هم منکر جهیزیه نیستیم.

بحث بر سر افراط و تعدد است. سرمایه‌ی که منجمد شده و بلااستفاده مدت‌ها در انبارها و سرداب‌ها به امانت گذاشته می‌شود.

باری انتظار می‌رفت دختران تحصیل‌کرده‌ی امروزی که خود شاهد و ناظر قطعه قطعه جمع شدن جهیزیه در خانه‌ی پدر بوده‌اند برای تغییر و بهینه کردن این سنت چاره‌ای می‌اندیشیدند. ولی متأسفانه نتنها این کار را نکردند، بلکه مشکلی بر مشکلات جهیزیه افزودند و تهیه‌ی جهیزیه را فراموش‌های و حتی فراموشی کردند و همه می‌دانیم امروز برای خرید بخشی از جهیزیه، پدر و مادر و چند تن از نزدیکان را به شیراز، تهران و کیش و حتی دبی می‌کشاند و مخارج این سفر را بر پدران تحمیل می‌کنند و والدین حق اعتراض ندارند زیرا که این رسم نه‌پندیده شده است.

یکی دیگر از مشکلات مهم و دردسرساز جهیزیه که تازگی مد شده است و به زودی فراگیر خواهد شد، هم‌رنگ بودن و یک مارک بودن سرویس وسایل برقی و الکترونیکی است، زیرا دختران امروزی دوست دارند که در آشپزخانه خود یخچال، اجاق گاز، آبسردکن، ماکروویو و ... همگی از یک رنگ و یک مارک باشد.

باری پرداختن به همه جوانب و ویژگی‌های جهیزیه در گزارش در این ستون امکان‌پذیر نیست و در مقاله‌های آینده به آن خواهیم پرداخت. ولی برای تعادل و توازن در این مقاله باید اشاره‌ای داشته باشیم به تاثیرگذاری مثبت زنان و دختران در حذف بعضی از اقلام بی‌مورد در ساختار جهیزیه و آن این است که آنها موفق شوند «در دوم واکش» آکنش تیان‌دوز را از فرهنگ جهیزیه حذف کنند و این مایه‌ی امیدواری است!

**اشاره**  
 در گزارش از سالیان دور نگارش و تنظیم قبالة رواج فراوان داشته است. از جمله قبالة‌نویسانی که با خط خوش می‌نوشتند و مورد احترام و اعتماد مردم بودند می‌توان از شیخ علی‌اصغر رحمانی، حاج سید رسول معصومی، حاج علی شیخی، حاج محمدعلی دستیار، حاج حسین‌علی فانی، حاج محمدعلی فانی، حاج ابوالحسینی نام برد، که متأسفانه اکثرشان به رحمت خدا رفته‌اند و تعداد اندکی هنوز به این کار می‌پردازند.

عوض حیدری معروف به غلامرضا حیدری متولد ۱۳۲۰ گراش است. او بر اثر حادثه‌ی در ۳۶ سالگی در قطر از دو پا فلج می‌شود. وسیله‌ی ایاب و دهاب‌اناش موتور سیکلت سه چرخش است. او یکی از افرادی است که هنوز می‌تواند با خط سیاق و قبالة‌ها کلتجار برود. درباره خود قبالة در شماره بعد مفصل‌تر خواهیم نوشت.

**آقای حیدری کار قبالة‌نویسی را از کجا و چگونه یاد گرفته‌اید و در چه سالی شروع به قبالة‌نویسی کردید؟**

از جایی یاد نگرفتم. علاقه شخصی خودم بود که به این راه کشیده شدم. قبالة‌هایی که توسط مرحوم رحمانی نوشته می‌شد را می‌خواندم. البته لازم به ذکر است مرحوم سید علی‌اصغر رحمانی از خط بسیار زیبایی برخوردار بودند. کار قبالة‌نویسی را از سال ۱۳۵۰ شروع کردم و تا به حال ادامه داره.

**به نظر شما آنها قبالة‌نویسی را از کجا یاد گرفته‌بودند؟**

مرحوم رحمانی قبالة‌نویسی را نزد دهباشی پل‌پوردی که از خوانین و اعیان گراش بودند فرا گرفتند.

**قدیمی‌ترین استاد قبالة‌نویسی در گراش را می‌توانید نام ببرید؟**

یکی از قدیمی‌ترین استادان، کربلایی حاجی بابای گراشی است که خود صاحب مکتب‌خانه نیز بوده است.

**به نظر تان قبالة‌های برامکی (محمدعلی سیف‌الله معروف به**

**معماری**  
 راضیه یوسفی

معماری را با اقلیم، آداب و رسوم و آمیزه‌های دینی تلفیق می‌دادند و در خانه‌ها با کمترین امکانات، شرایط مناسبی برای زندگی فراهم می‌ساختند. خانه‌های قدیمی بیشتر با خشت و گل ساخته می‌شد و پشت‌بام آن کاه‌گلی بود. کاه‌گل رسانای حرارت را وارد خانه نمی‌کند. بعد از غروب آفتاب پشت بام را آب‌پاشی می‌کردند و رختخواب‌ها را پهن می‌کردند. خوردن آب گوزه و هندوانه‌ی خنک، گرمای بدن را به میزان چشمگیری پایین می‌آورد. برای حفظ حریم خانه و خانواده دیوارهای پشت بام (پرواسه parvasah) را تا دومستر (بیش از متوسط قد انسان) بالا می‌بردند. در غیر این صورت پارچه‌های ضخیم و کلفت آویزان می‌کردند. در صورت نیاز از پشه‌بند استفاده می‌شد.

غالباً حوض را وسط حیاط و اتاق‌ها در دور تا دور آن می‌ساختند. این امر باعث می‌شد که باد گرم و خشک بر روی آب حوض عبور کند و به نسیم خنکی تغییر یابد و به صورت یکنواخت در فضای خانه پراکنده شود. برای تهویه و جابه‌جایی بیشتر هوا در اتاق‌های مورد نیاز (اتاق نشیمن، اتاق خواب) یک گوشه‌ی از سقف اتاق

## گفتگو با غلامرضا حیدری یکی از آخرین‌های سنت قبالة‌نویسی

# هیچ وقت با خود کار قبالة نمی‌نویسم



**نوع نگارش و خط قبالة‌نویسی چگونه بود؟**  
 هر کس به اندازه سواد که داشت می‌نوشت. بعضی‌ها با آداب خاص و زیبایی فراوان می‌نوشتند. عربی استفاده می‌شود. در نوشتن وصیت‌نامه ۸۰ درصد آن از واژگان عربی استفاده می‌شود.

**قبالة‌نویسان گراشی چه جایگاهی در منطقه لارستان داشتند؟**  
 قبالة‌نویسان گراشی بسیار در این رشته قهار و زیبا از منطقه بودند، و از شهرها و آبادی‌های اطراف همچون لار، فیسفور، اوز، فیداغ، ارد و ... جهت قبالة‌نویسی به گراش می‌آمدند.

**قبالة‌نویسی شامل چه زیرشاخه‌هایی است؟**  
 شامل وصیت‌نامه‌نویسی، مصالحه‌نامه، خرید، فروش، معاوضه‌نامه، میدالنه‌نامه و تقسیم‌نامه است.

**اسناد در چند نسخه تنظیم می‌شود؟**  
 معاوضه‌نامه در دو نسخه، و بقیه تماماً در یک نسخه.

**خصوصیات قبالة‌ها و اسناد**

قدیر است؟  
 این بستگی به ارزش ملکی دارد که قبالة‌ی آن را تنظیم کرده‌ایم. مثلاً وقتی ارزش یک ملک ۶۰ الی ۷۰ میلیون تومان باشد، مبلغ دریافتی‌ام پانزده هزار تومان است؛ اسناد سبک‌تر ده هزار تومان، و گاه از افرادی که بضاعت مالی کمتری دارند اصلاً مبلغی نمی‌گیرم.

**فرزندان کارت را ادامه می‌دهند؟**  
 متأسفانه فرزند پسری ندارم و جای تأسف دارد که این حرفه رو به فراموشی است و نسل جوان تمایلی به ادامه‌ی این کار نشان نمی‌دهد.

**بیشتر قبالة‌هایی که نوشتید در چه موضوعی بوده است؟**  
 درباره‌ی زمین و صحرا بوده است.

**قدیمی‌ترین سندی که تا به حال دیده‌اید؟**

چند مدت قبل، سندی جهت خواندن پیش من آوردند که مربوط به یکصد و هفتاد سال قبل بود، در ابعاد ۲۵×۸۰ که این زیباترین خطی بود که تا به حال دیده‌ام. فروشنده با خط قرمز و خریدار با خط سبز از هم مجزا شده بود. توانستم با زحمت فراوان ۸۰ درصد آن را بخوانم.

**خط‌های گذشته دارید؟**  
 اولین سندی که نوشتم اصلاً اعتماد به نفس نداشتم و از حاج محمدعلی فانی کمک خواستم. قبالة‌ای از خودم نوشتم و آن مرحوم پس از مطالعه تشویق‌ام کرد و گفت شروع کن، چون استعداد این کار را داری.

**در پایان حرف خاصی اگر دارید بفرمایید؟**  
 تشکر می‌کنم از روزنامه‌ی افسانه که با ترتیب دادن چنین مصاحبه‌ای، حرفه فراموش‌شده‌ی قبالة‌نویسی را دوباره برای مردم مخصوصاً نسل جوان زنده کردید. و از متولیان می‌خواهم کاری کنند که حرفه قبالة‌نویسی آموزش داده شود تا جوانان علاقمند وارد این رشته شوند تا از نابودی حفظ شود.

**روزانه تا چند سند می‌نویسید؟**  
 بستگی دارد. بعضی روزها دو تا سه سند، و گاهی هم روزها می‌گذرد و سندی نمی‌نویسم.

**هنزهای که از مشتریان می‌گیرید**



## داروخانه و مدرسه و حسینیه در کارنامه‌ی حاج علی‌اکبر بهادر



گاهی وقت‌ها هر یک از ما دوست داریم کار خیری برای شهر و یا مردم این شهر انجام دهیم، اما ممکن است تصور کنیم که در حد توان‌مان نیست. چرا که بیشتر اوقات، وقتی اسمی از خیرین برده می‌شود، ذهن‌ها سریع به سمت ساخت مساجد و حسینیه و ... می‌رود. در صورتی که کار خیر، کوچک و بزرگ ندارد؛ و فرد خیر با کوچک‌ترین کار خیری که انجام می‌دهد اجر بزرگی نزد خداوند دارد. چه بسا آدم‌هایی باشند که توان کار خیر دارند، ولی آن خواست معنوی در ایشان وجود ندارد؛ و چه بسا آدم‌هایی که از کوچک‌ترین توان‌شان برای انجام کار خیر لذت می‌برند. وقتی خوب به اطراف‌مان نگاه کنیم، افراد زیادی را می‌بینیم که ممکن است نام‌شان بر سر زبان‌ها نباشد، اما برای این شهر و یا حتی شهرهای اطراف و یا کشورهای حوزه خلیج فارس آثار خدایسندانه‌ای را از خود بر جای گذاشته‌اند. در این ستون سعی خواهیم کرد از همین خیرین نام ببریم: آدم‌های بی‌ادعایی که کارهای کوچک و بزرگی انجام داده‌اند که ارزش مادی و معنوی بالایی دارد، ولی خود از نظرها پنهان مانده‌اند. البته بخشی از این گم‌نامی هم برمی‌گردد به خواسته خودشان. تا کار خیرشان در پرده مستور بماند و از ارزش معنوی آنها کاسته نشود.

حاج علی‌اکبر بهادر از آن دسته مردان است. شاید اگر خود او این مطلب را بخواند ناراحت شود، چون ما بدون اطلاع از او نوشته‌ایم. او اصلاً دوست نداشته ندارد و به خاطر کارهای عام‌المنفعه‌ای که انجام داده اسمی از او ببریم. حاج علی‌اکبر یکی از سرشناس‌ترین و قدیمی‌ترین تجار شهر دبی است. او اینک در سن ۶۵ سالگی و با داشتن هفت فرزند، ۴ دختر و ۳ پسر، هنوز پرتازگی و سرزنده به کار و تلاش مشغول است. با وجود جدیتی که در کار دارد، بسیار متواضع و خوش‌مشرب است. ارادت خاصی به ائمه اطهار دارد، و از اسراف و تبذیر بیزار است و زندگی‌اش عاری از تجملات دنیوی است.

با توجه به احترام و ارادتی که شیعیان و گراشی‌های مقیم دبی به سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) دارند، حاج علی‌اکبر در سال ۱۹۹۲ میلادی حسینیه قدیمی گراشی‌ها را با کمک گراشی‌های دبی از نو ساخت و گسترش داد. حسینیه‌ی گراشی‌ها محلی است جهت برگزاری مراسم مختلف مذهبی، که شیفتگان اهل بیت حضوری پرشور در این محل دارند. دعوت از خطیبان سرشناس کشور و علمای مذهبی جهت انجام سخنرانی از دیگر کارنامه‌های این حسینیه است. هم‌اینک این حسینیه با همراهی و مساعدت حاج علی‌اکبر به کار خود ادامه می‌دهد و مشتاقان و مریدان فراوانی از سراسر جهان شیعه، از ایرانی، پاکستانی، هندی و عرب گرفته تا سایر ملیت‌ها دور خود جمع کرده است.



اما در گراش، حاج علی‌اکبر بهادر با نام اولین داروخانه در اذهان تداعی می‌شود. تأسیس «داروخانه و دراکستور بهادر» در سال ۱۳۶۶ از اقدامات خوب و مثبت اوست. آن زمان، کمبود یک داروخانه که بتواند نیاز دارویی بیماران را تأمین کند، و بیماران و نیازمندان را از عزیمت به شهرهای هم‌جوار برای تهیه دارو و اقام بهداشتی بی‌نیاز کند به شدت احساس می‌شد. چه بی‌شمار است دست‌هایی که به نشانه‌ی دعای خیر از طرف شهروندان، بخصوص مریضان و شفافجویان، برای حاج علی‌اکبر به خاطر تأسیس این داروخانه بالا رفت.

یکی دیگر از کارهای عام‌المنفعه‌ی او، ساخت یک باب مدرسه دخترانه در سال ۱۳۶۹ در شیراز است. اگر در شیراز بگویید گراشی هستی اهلای شرق شیراز درباره مدرسه گراشی از شما خواهند پرسید. اما چرا در شیراز؟ آقای بهادر از جمله افرادی بود که با تلاش‌های بی‌شائبه‌ی خود توانست رضایت وزیر آموزش و پرورش وقت کشور را برای تأسیس اداره آموزش و پرورش گراش در سال ۱۳۶۷ جلب نماید. می‌گویند او به وزیر قول داده بود که اگر این اداره راه بیفتد، خیرین گراش جبران می‌کنند. اداره آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۷ گشایش یافت و مشکلات دانش‌آموزان و معلمان حل شد و گراش با هم یک قدم به استقلال اداری نزدیک‌تر شد، چون تا قبل از ایجاد این اداره، امور آموزشی و پرورشی فرزندان گراشی در لار انجام می‌شد.

یک مکان مذهبی، یک مکان درمانی، و یک مکان آموزشی؛ اینها بخشی از نمره‌های عالی در کارنامه‌ی حاج علی‌اکبر بهادر هستند؛ کارنامه‌ی که او با دست راست‌اش خواهد گرفت، پشت سر خیرینی همانند حاج اسدالله دهباشی، خواهد ایستاد. دعا می‌کنیم پروردگار بزرگ، زیر کارنامه‌ی او مهر قبولی بزند.

### دارالسلام

بانو حسنی / فرزند ابوالحسن / ۶۴ ساله / علت بیماری کبدی  
 فاطمه ثنائی / فرزند سید محمد / ۲۲ ساله / علت زایمان  
 خیری القایی / فرزند محمدحسین / ۶۹ ساله / علت تومور مغزی  
 حسین‌علی عالی پور / فرزند غلام / ۶۶ ساله / علت سکنه  
 فاطمه فتاحی / فرزند فتح‌الله / ۵۴ ساله / علت شیروزوفنی  
 محمد کزولی / فرزند نجف‌قلی / ۲۲ ساله / علت ضربه مغزی  
 غلامحسین بهمنی / فرزند حاجی عزیز / ۸۱ ساله / علت سکنه مغزی  
 شهامت‌الله مقتدری / فرزند اله‌قلی / ۵۷ ساله / علت ایست قلبی

### دارالرحمه

محمدعلی فردوسی‌نژاد / فرزند اهن / ۹۰ ساله / علت کهولت سن  
 نورسته غیبی / فرزند غفور / ۸۸ ساله / علت کهولت سن  
 بی‌بی عباسوی / فرزند مرحوم عزیز / ۹۰ ساله / علت کهولت سن

## گذشتگان ما چگونه به جنگ گرما می‌رفتند - بخش پایانی



را در ابعاد ۵۰×۵۰ سانتیمتر در نظر می‌گرفتند و به ارتفاع یک متر از چهار جهت با خشت در پشت بام بالا می‌بردند و درپچه‌ی چوبی که به طرف اتاق باز می‌کردند تا بنا به شرایط محیطی و جوی به سهولت باز و بسته شود. این درپچه نوعی هواکش اتاق بود.

دالان‌های ورودی را بلند و با عرض کم می‌ساختند تا هنگامی که لنگه‌های در چوبی خانه را چهار طاق باز می‌کردند هوای گرم و طاقت‌فرسا به هوای قابل تحمل تغییر یابد.

تاالرا که به ششام یک ستون و دو دهنه ۲ متر و نیم بود رو به شمال که در معرض وزش هوای خنک بود می‌ساختند. گپواره‌ی نوزاد (نن نی man ni) را در تالار یا دالان می‌بستند و پارچه‌ی نخی سفید رنگ نمناکی را بالای گپواره آویزان می‌کردند تا هم‌زمان با تکان دادن گپواره نسیم مطبوعی ایجاد شود.

معمولاً کتار حوض، درخت خرما (fasil) می‌کاشتند. با وزش هر گونه بادی بر گپه تکان می‌خورد و نزدیکی با حوض باد خنکی ایجاد می‌کرد.

هر مرور و با پدایش برق، پنکه‌ی زمینی (قابل حمل و جابه‌جایی)، جایگزین بادگیر و دیگر وسایل خنک کننده شد. اساس کار پنکه جابه‌جایی هوا است. عصرهای تابستان یک تخت چوبی را کنار باغچه‌ی خانه قرار می‌دادند و پنکه‌ی زمینی با چرخش پره‌هایش گرما را دور می‌ساخت. هنگام شب، پشه‌بند و پنکه زمینی خواب آرامی را به ارمان می‌آورد. پنکه‌های سقفی (در یک محل خاص نصب می‌شد) به سرعت جایگزین

بادبزن پشمی [امیدوارم راه را دستکم]

بادبزن پشمی [امیدوارم راه را دستکم]  
 می‌گیرد).  
 چوب سبز (ترکه) را بوسیله‌ی کارد از وسط برش کم عمقی می‌دهند سپس بادبزن را درون شکاف قرار می‌دهند و بوسیله‌ی سوزن «دلیل» و نخ مخصوص (peri, الیاف اطراف برگ خرما که به تنه‌ی درخت چسبیده است) را خیس می‌کنند و بوسیله‌ی دوک می‌ریسند و به صورت نخ در می‌آورند. ابتدا و انتهای آن را محکم می‌دوزند. سپس بادبزن را زیر جسم سنگینی همانند سنگ قرار می‌دهند تا یکدست و صاف شود.

برای زیبایی بیشتر دور تا دور بادبزن را با پارچه‌ی زری کرگی (سبز مغز پسته‌ای، زرد، آبی آسمانی، سفید، صورتی) می‌پوشاند و چهار گوشه‌ی آن را با کامسوی هم‌رنگ پارچه‌ی یا مکمل رنگ پارچه به صورت زنگوله (گمپک gompak) تزئین می‌کنند. بنا به سلیقه و موارد کاربرد بادبزن (معمولی، جهیزه‌ی عروس، سیسمونی نوزاد) دور تا دورش را با نوار تزئینی (آشرمه، منبراق، دبی‌ری menyarah, dabiri) و وسط و کناره‌های آن را پولک‌دوزی و مرواریدبافی می‌کردند.



## کار در ورزشگاه محبی شروع شده است

احتراما در پی درج خبر «چهار سال از واگذاری ورزشگاه محبی به دولت می گذرد ولی هنوز یک آجر نیز به مجموعه اضافه نشده است» در شماره ۶ تیرماه ۱۳۹۱ آن ویژه نامه اعلام فرمائید که این خبر توسط چه منبعی تهیه و در ویژه نامه درج گردیده است؟ چرا هر کس به خود اجازه می دهد بدون کنکاش و بررسی اقدام به درج خبر و گزارش کذب نماید که موجب تشویش و نگرانی اذهان عمومی به خصوص جامعه ورزش شود؟ درست در زمان درج خبر حداقل یک ماه از اجرا و شروع عملیات ساخت و ساز مجموعه ورزشی محبی می گذرد که به تفصیل در خصوص عملیاتی شدن پروژه در مصاحبه شماره ۵ خرداد ماه سال جاری ویژه نامه به آن اشاره شده بود. علی هذا انتظار می رود برای قانون مطبوعات نسبت به درج جوابیه در شماره آینده نشریه اقدام فرمایید.

اداره ورزش و جوانان گراش

ستون چهار سال پیش خبرهای چهار سال قبل شهر را مرور می کند. با توجه به این که ستون از قبل تنظیم می شود این مورد به وجود آمده بود.

خوشحالیم پس از شش سال تاخیر و دقیقاً چهار سال پس از واگذاری به دولت عملیات احداث پروژه ورزشگاه محبی ادامه یافت.

## چهار بانوی کونگ فوکار در تیم استان

در مسابقات کونگ فو انتخابی استان فارس، تیم گراش با چهار مقام اولی چهار نماینده در تیم استان خواهد شد.

به گزارش هیات کونگ فو مسابقات با حضور تیم هایی از شیراز، چهرم، داراب، صفاشهر، قائمیه، استهبان به مدت سه روز برگزار شد. تیم ۱۲ نفری گراش با بازیگری خانم بذله در این رقابت ها حضور داشت. فاطمه ابراهیمی فرد، فاطمه افتادگان، فاطمه امین زاده و محبوبه بیگلری با کسب مقام اول به مسابقات کشوری راه یافتند. الهه جوکار و نیلوفر جوکار دو ورزشکار بودند که روی سکوی دوم ایستادند. نگین خورشیدی، مریم پاداش، فاطمه وفاپی فرد و سارا امانی روی سکوی سوم رفتند.



سوارکاری ویژه رمضان



شاهمات مقتدری در گذشت



مسابقات شطرنج رمضان



مسابقه اسکیت هفته حجاب



تیم والیبال بانوان گرانش در مسابقه دوستانه هفته حجاب

## لیگ فوتبال گراش به هفته سوم رسید

سخن توکل

# شهدا و اتحاد در صدر، همه تیم ها مدعی هستند

رده	تیم	امتیاز	برد	بخت	مساوی	گلزده	گل خورده
۱	شهدا	۷	۲	-	۱	۸	۳
۲	اتحاد	۷	۲	-	۱	۵	۳
۳	گراش جوان	۶	۲	۱	-	۵	۲
۴	جوشن	۶	۲	۱	-	۴	۳
۵	پرسپولیس نوین	۵	۱	-	۲	۱	۰
۶	استقلال	۴	۱	۱	۱	۴	۳
۷	شهیدان حسن زاده	۴	۱	۱	۱	۳	۳
۸	شاهین	۱	-	۲	۱	۲	۴
۹	انقلاب	۱	-	۲	۱	۲	۶
۱۰	ستاره ای	۰	-	۳	-	۳	۹



بازی شهدا-ستاره ای در هفته اول [عکس: سعید توکل]

رده سوم قرار داده است. هلال احمر، تیم مهمان این بازی ها که هر هفته یک بازی دوستانه با دیگر تیم ها برگزار می کنند، در هفته اول شهدا را با سه گل برد و همین نتیجه را اتحاد دیگر مدعی امسال در این هفته در دو هفته اول با نتیجه های دو بر یک متوقف شد. اتحاد، شاهین و انقلاب را در دو هفته اول با نتیجه های دو بر یک برده بود.

آخرین بازی را دو تیم گراش جوان و انقلاب برگزار کردند. گراش جوان که در هفته اول از جوشن باخته بود توانست با یک گل در هفته دوم سه امتیاز از شاهین بگیرد. بازی های مدعی بودن داوران فعال مشکل همیشه یعنی اعتراض های بی دریغ مربیان را به دنبال داشته است. به طوری که عبدالرضا حسین پور رئیس کمیته داوران هیئت فوتبال گراش، قید علاقه اش را به داوری زده و استعفا داده است. البته به نظر نمی رسد با این درخواست او موافقت شود. هر چند داوران اشتباه فاحشی را مرتکب نشده اند، ولی تکرار حضور داوران در بازی ها به دلیل تعداد کمشان موجب این اعتراض ها بوده است.

به جز این، برگزاری بازی ها در شب، مشکل روشنائی را هم به دنبال داشته است. به صورتی که از تمام نورافکن های موجود در ورزشگاه استفاده نمی شود و تنها حداقل روشنائی لازم را برای برگزاری این بازی ها تامین می کند که باعث مشکلاتی برای بازیکنان و داوران می شود.

پنج بر دو ستاره ای را در هفته اول برد و جوشن را هم در هفته دوم با دو گل شکست داد تا با تفاضل گل بهتر نسبت به اتحاد و با هفت امتیاز پس از سه بازی در رده اول باشد.

اتحاد دیگر مدعی امسال در این هفته با نتیجه یک بر یک برابر استقلال متوقف شد. اتحاد، شاهین و انقلاب را در دو هفته اول با نتیجه های دو بر یک برده بود.

آخرین بازی را دو تیم گراش جوان و انقلاب برگزار کردند. گراش جوان که در هفته اول از جوشن باخته بود توانست با یک گل در هفته دوم سه امتیاز از شاهین بگیرد. بازی های سخت هفته اول و دوم تیم گراش جوان، قهرمان سال گذشته را در پنجم جدول جا داد. زاهد زاهدی مدافع با سابقه فوتبال گراش مربی بازیکن این تیم است و پرسپولیس نوین بدون گل خورده بهترین دفاع این بازی ها است. البته گل زده این تیم هم با یک گل نشان از مشکل این تیم در گلزنی دارد.

بازی شاهین و شهدا با نتیجه یک بر یک ستاره ایی تحمیل کند و پس از برد مقابل گراش جوان در هفته اول و باخت برابر شهدا در هفته دوم با شش امتیاز تیم شگفتی ساز این دوره باشد. بازی دوم را شهیدان حسن زاده و پرسپولیس نوین برگزار کردند که در پایان با نتیجه مساوی بدون گل به اتمام رسید. پرسپولیس نوین با این نتیجه پنج امتیازی است و در رده

**مشکلات امسال**

انگشت شمار بودن داوران فعال مشکل همیشه یعنی اعتراض های بی دریغ مربیان را به دنبال داشته است. به

## در مسابقات پینگ پنگ جام رمضان

## بنیاد نوآوران در شیراز سوم شد



تیم پینگ پنگ بنیاد علمی نوآوران در میان ۲۵ تیم با کسب مقام سوم از جام رمضان شیراز بازگشت. به گزارش هیات پینگ پنگ مسابقات پینگ تیمی جام رمضان به میزبانی خانه پینگ پنگ شیراز و با حضور ۲۵ بازیکن از استان های فارس، اصفهان، یزد و کهگیلویه و بویر احمد طی مدت ۳ شب در یک جدول دو حدفی برگزار شد.

تیم بنیاد علمی مسجد صاحب الزمان (عج) نماینده شهرستان گراش در این بازی ها بود که با بهره گیری از عبدالهادی موغلی، ایمان چمن آرا و حمیدرضا موغلی با سه مسابقه گدائشده بود. بعد از یک دور استراحت این تیم در مرحله بعد سه بر صفر پورشات شیراز را غلبه کرد و به جمع ۱۲ تیم برتر مسابقات راه یافت. در مرحله سوم

## در مسابقات اسکیت سرعت نوبنالن کشور

## حضور پر قدرت اردی ها در فوتسال



در بازی دوم هم از ساعت ۲۲ اتحاد ارد مقابل رحمانیان قرار می گیرد. اتحاد در مرحله گروهی دو برد و یک مساوی دارد و رحمانیان هم با دو برد و یک باخت راهی این مرحله شده است.

طبق برنامه، بازی رده بندی و فینال پنجشنبه شب ۲۶ مرداد برگزار خواهد شد. کمیته فوتسال گراش و فرهنگسرای ایشار اندیشه فوتسال جام رمضان، یادواره شهدای ورزشکار را برگزار می کنند. البته با عدم حضور تیم های مطرح باشگاهی طبق قرار قبلی هیئت فوتبال استقبال کمی از این مسابقات شده است. هر چند حضور دو تیم از ارد، یک تیم از کنگریشه و تیمی متشکل از بازیکنان نیروی انتظامی گراش در این مسابقات جالب توجه بود.

## مقام دوم در مرحله دوم

## اسکیت

در مرحله دوم لیگ اسکیت کشور سوسن باختر روی سکوی دوم کشوری ایستاد.

مرحله دوم مسابقات اسکیت قهرمانی کشور در مشهد مقدس برگزار شد. خانم ها سوسن باختر و مریم باقری دو بانوی اسکیت باز گراش به همراه تیم شهرداری جهرم نماینده فارس در این مسابقات حضور داشتند. سوسن باختر که در مرحله نخست عنوان قهرمانی را به خود اختصاص داده بود در مرحله دوم به مقام نایب قهرمانی اکتفا نمود و مدال نقره مسابقات به گردن آویخت. مریم باقری دیگر بانوی گراشی نیز در این رقابتها خوش درخشید.

در پایان تیم شهرداری جهرم نماینده استان فارس همانند مرحله نخست پس از تیم هرمزگان در جایگاه دوم قرار گرفت.

## شنا

## جعفریان اولین مدال شنای بانوان را گرفت

طیبه جعفریان که با تیم مقاومت بسیج خواهران به مسابقات شنای شهرستان های فارس در شیراز اعزام شده بود در رشته کراول پشت با شایستگی بر سکوی اول ایستاد.

همچنین مراسم پایانی مرحله اول آموزش تیم شنا بانوان (کراول سینه) در رده های سنی نوجوانان و جوانان با حضور والدین شرکت کنندگان در کلاس در استخر شنا ایشار اندیشه این شهرستان برگزار شد. در این دوره بیش از ۷۰ نفر زیر نظر مربیان مربوطه به فراگیری شنا پرداختند.

## دو

## برگزاری دومیدانی در تعطیلات تابستان

به منظور پر نمودن اوقات فراغت جوانان هیئت ورزش های همگانی اقدام به برگزاری مسابقات دو میدانی در رده های نوجوانان ، جوانان و بزرگسالان نمود. که در رده نوجوانان محمد امین راهیما، امین راهیما، حسین رضایی، حامد غفاری، علی افشار و حسین استادی به ترتیب عناوین اول تا پنجم این رقابتها را به خود اختصاص دادند. در رده جوانان محمدرضا آذربار زودتر از بقیه به خط پایان رسید مهدی عباس فرد و ابوالفضل وفاداری دوم و سوم شدند ، محمد امین چهارم شد و محسن عبداللهی در مکان پنجم قرار گرفت . در رده بزرگسالان نیز محمد رضا عالی زاده به مقام نخست دست یافت . محمدرضا آذربار دوم شد و محمد امین راهیما عنوان سوم این رقابتها را به خود اختصاص داد. در پایان به نفرات برتر هر رده جوایز اهدا گردید.

## تیراندازی

## محمدیان و دلاوران در تیم تراپ فارس

صادق محمدیان و محمد دلاوران در تیم تیراندازی تراپ استان فارس حضور خواهند داشت.

به گزارش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان گراش رقابت های تیراندازی اهداف پروازی (تراپ) جوانان قهرمانی استان فارس در شهرستان چهرم برگزار شد. این مسابقات به منظور تعیین نفرات برتر استان برای شرکت در رقابت های قهرمانی کشور انجام شد که صادق محمدیان و محمد دلاوران هر دو از شهرستان گراش به ترتیب عناوین اول و دوم این مسابقات را به خود اختصاص دادند و مصطفی روستا از قهرکارزین سوم شد.

اگوست پایدیار

به چه مشغول کنیم دیدید و دلبر که مدام دل تو را می طلبید و دیده تو را

دوشنبه ۲۳ مردادماه چهارمین سالروز درگذشت پدرمان

مرحوم حاج عبدالرحمن شامحمدی

راج می همیم

روح شاد و یادت گرامی باد

فرزندان

کبابی

SHEN

سلسله خوشنما، بوم مرغ سلسلی، سلامت چکیده

سیر راهکار

۲۲۲ ۲۹۶۵ - ۰۹۳۶ ۴۶۰ ۴۷۵۳

حکمران کبابی

شریک اندوه شما مییم در هر تکرار نام پدر

تحریریه نشریه افسانه گراش

سرکلر خانم دارتس

مدیر عزیزم، در پلنچ به لطف و مهری شمارت عاجز مادم. اما بر دستانت صمیمانه بوسه می دهم می زلم.

به پاس تمام خوبی هایت فقط می توانم بگویم: متشکرم

موفقیت شمارا از خداوند متعال خواستارم.

سهیلا بلبل

جناب آقای حسین قشیمی

سر دبیر نشریه عصر گراش

تولد نشریه وزین عصر گراش مایه فخر ماست. بهترین توفیقات را برایتان آرزو دارم.

تحریریه نشریه افسانه گراش



افسانه روزنامه صبح فارس

سیاسی-اقتصادی-فرهنگی-ورزشی-هنری
صاحب امتیاز: رامین رسول اف
مدیر مسوول: پیمان بهادری
نشانی شیراز: خیابان ذوالانوار غربی-کوچه ۱۸-پلاک ۵۸-روزنامه افسانه

ویژه نامه افسانه گراش

سردبیران: محمدصادق رحمانیان و محمد خواجه پور
مسئول نمایندگی: محمدعلی شامحمدی
مدیر تحریریه: مسعود غفوری
نشانی گراش: خیابان امام(ع)-ساختمان جابری-طبقه زیرین-دفتر موسسه فرهنگی هفت برکه

افسانه های ما

حسین فقیهی مردی است که باید
فاتر از این بایستد. بسیاری از اعضای
دوره اول و دوم ستادهای احمدی نژاد
در مناصب مختلف قرار گرفتند اما



پلاک محمد امین نوبهار

عکس یادگاری روز خبرنگار سال ۱۳۹۱ - در کتابخانه آبخار اندیشه

عیش

زهرا فردانی

- دوشیزه محدثه آذربار فرزند شکرالله و آقای هدایت بخشی فرزند غلامحسین
دوشیزه زینب آشفته فرزند غلامعباس و آقای محمد عالمی فرزند حاج فرح الله
دوشیزه بدریه بازرگان فرزند حاج ابوالحسن و آقای جعفر شیخی فرزند رحمت
دوشیزه فاطمه پورشمسی فرزند حاجی و آقای یوسف جاوید فرزند مصطفی
دوشیزه فاطمه حاجی زادگان فرزند حاج حسینعلی و آقای محسن فردانی فرزند حاج غلامحسین
دوشیزه زهرا حسین زاده فرزند آهن و آقای مجید خسروی فرزند اکبر
دوشیزه مریم خشنود فرزند رحمت و آقای علی اکبر حقارت فرزند محمدرضا
دوشیزه فهیمه خوشایبی زاده فرزند بهمن و آقای حسینعلی بزاز فرزند حاج محمد
دوشیزه اعظم راهیما فرزند قاسمعلی و آقای حجت سالاری فرزند محمود
دوشیزه زهره رشیدی فرزند غلامعباس و آقای حیدر جاوید فرزند عوض
دوشیزه سمیرا سرخوش فرزند حاج احمد و آقای محمد جعفرزادگان فرزند حاج احمد
دوشیزه نرگس شکوهی فرزند جواد و آقای حسین متین فرزند حاج علی
دوشیزه زیبا شیروان فرزند فتح الله و آقای روح الله رشیدی فرزند غلامعباس
دوشیزه زهرا صافی فرزند عبدالحمید و آقای مهدی نصرتی فرزند حاج امراالله
دوشیزه شهرزاد صادقی فرزند حسین و آقای عبدالرضا راجی فرزند محمودرضا
دوشیزه زهرا عابدی فرزند حاج حیدر و آقای سیدمحمد زیارتی فرزند سیدحسن
دوشیزه نازنین عباس نژاد فرزند عزیز و آقای حسین فردانی فرزند حاج رضا
دوشیزه فریبا فخری فرزند حاج حسن و آقای عباس مهدوی فرزند حاج حسین
دوشیزه زینب فروزان فرزند عباس و آقای وحید وفارفرد فرزند قاسم
دوشیزه فاطمه قاسمزادگان فرزند غلامعلی و آقای طالب حسینی فرزند محمدحسین
دوشیزه محبوبه کارگر فرزند عباس و آقای ابراهیم خورشیدی فرزند حاج علی
دوشیزه ملیحه متین فرزند اصغر و آقای احمد وفارفرد فرزند حاج فضل الله
دوشیزه فاطمه محسن زاده فرزند جواد و آقای مجتبی زاهدی فرزند شیخ زینل
دوشیزه لیلا منوچهری فرزند محمد و آقای حیدررضا وفایی فرد فرزند محمود
دوشیزه فاطمه نیکخو فرزند احمد و آقای سعید فرسوده فرزند محمد
دوشیزه زهرا هنرمند فرزند محمدعلی و آقای مهدی حسینی فرزند محمدحسن
دوشیزه فائزه یحیی پور فرزند محمدحسن و آقای حمید عبدالهی فرزند جواد
دوشیزه سمیه یوسفی فرزند علی و آقای مصطفی جدی فرزند حاج حسین
دوشیزه عاطفه شادی فرزند عبدالله و غلامحسین علی پور فرزند سردار

خانه داری

سمنه کشوری

حکمت خوردن عدس در اول ماه

رمضان که از راه می رسد همان روز اول و نهمی ماه و آخرماه
مبارک رمضان، افطاری همه مشخص است: کتبخ عدس (عدسی).
از بزرگ ترها که می پرسی چرا؟! اول خوب فکر می کنند بعد
می گویند ثواب دارد. عدس غذای انبیا و امامان معصوم (ع) بوده
است.
عدس جای گوشت را می گیرد. در زمان های قدیم چون هر کسی
توان خرید گوشت را نداشتند و گوشت در کل زیاد در دسترس
نبوده، از عدس به جای گوشت استفاده می کردند. می گویند
خاصیت عدس با گوشت برابر است و به دلیل داشتن آهن، فسفر،
پروتئین و ویتامین های گروه بی که در هر دو مشترک است، غذایی
مفوی محسوب می شود.
به عدس گوشت فقرا هم می گویند. عدس، اشک چشم را زیاد
می کند و مومنان را برای عزاداری امام علی (ع) آماده می کند تا بیشتر
برای آن امام بزرگوار گریه کنند. همچنین خوردن کتبخ عدس در
ماه محرم و صفر به همین علتی که ذکر شد، انجام می شود. در
خاصیت عدس گفته اند دل را نرم و روشن می کند. قساوت قلب را
از بین می برد و به قلب آدمی رحم و مروت می بخشد.
در آیه ۶۱ سوره بقره از عدس نام برده شده است.



گذر

محمدعلی شامحمدی

پلاکی برای به یاد گراش بودن

روزگار می گذارند اما در آنجا هم
هر روز گراش را به یاد می آورد.
به عکس دقت کنید. زاهد به
خاطر میرشکار بودن به یاد گراش
نیست. اگر کمی بیشتر دقت کنید
پلاک ماشین را خواهید دید که
زاهد عابدی یکی از آن
گراشی مانده ها است. زاهد ده
سالگی است که در تورنتوی کانادا

گراشی ها هر جا که بروند گراشی
می مانند. حالا فرقی نمی کند
که در محله کلات باشند یا
در تورنتوی کانادا. در هر حال
آن ها باید علاقه و توجه خود به
زادبوم شان را حفظ کنند.
زاهد عابدی یکی از آن
گراشی مانده ها است. زاهد ده
سالگی است که در تورنتوی کانادا

نامحرم

ایاد خدا

محبوبه نادریپور

سالن مملو از جمعیت است. همه عجله دارند که زودتر از سالن خارج شوند. در ورودی جمع شده اند
و هر کس سعی دارد به هر قیمتی که شده خودش را از بین جمعیت بیرون بیندازد و همه بی خبر
از خوک آلوده به لجن راهشان را می گیرند.
رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:
اگر خوک آلوده به کثافت و لجن باشد و به انسان برخورد کند بهتر است از آن که شانه زن بیگانه ای
با مرد نامحرم برخورد کند.
و همچنین فرمودند: هر کس با زن نامحرمی دست دهد، روز قیامت با دست زنجیر شده به گردن
محسور شود، سپس امر می شود تا او را به آتش ببرند. منبع: مرآت النساء ص ۱۱۷

Advertisement for a woman named Rabea Khali, mentioning her education and skills.

Advertisement for a construction company, mentioning services like brickwork and painting.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a religious or educational institution, featuring a portrait of a man and text about classes.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.

Advertisement for a man named Amir, mentioning his skills and services.